

محتوای

• ۳۸ صفحه
• ۶۵۰ تومان

• شماره پی در پی
۱۰۷

• دوره نوزدهم
• مهر ماه ۱۳۹۲

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
۱۰۶ شماره قبلی این نشریه با نام رشد آموزش راهنمایی تحصیلی منتشر شده است.

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

۲ گفتمان تحول - محمدرضا حشمتی

۴ آقا! شما دبیر چی هستید؟ - ناصر نادری

۷ هیجان های آشنا - سعید بی نیاز

۱۰ درباره نوشتن - افسانه حجتی طباطبایی

۱۳ چند نکته نگارشی

۱۴ تحول در معلمان - سمانه آزاد

۱۸ المپیادی برای خواندن - سمانه آزاد

۲۰ درس پژوهی - دکتر ابوالفضل بختیاری - کبری مصدقی نیک

۲۲ مأمور ویژه دمپایی - علی اصغر جعفریان

۲۳ جشنواره عصر خلاق - محمد شاکر - مهدی رضاییان - سعید شادروانان

۲۷ چگالی بهانه ای برای ایجاد اشتیاق در یادگیری - هیوا علیزاده

۳۰ پروژه علمی مورچه و گربه - آزاده فخری

۳۳ ویژگی های دانش آموزان دوره متوسطه - دکتر آمنه احمدی

۳۶ بیشتر بدانیم تا بهتر اجرا کنیم - محمدرضا حشمتی

۴۰ راهنمایی تحصیلی - شغلی دانش آموزان - حدیثه اوتادی

۴۲ آموزش از جنسی دیگر - فرزانه نوراللهی

۴۴ سلام به مدرسه های یادگیرنده - تهیمینه حدادی

۴۶ بعد از بیست سال معلمی... - سید حسین یوسفی خوسفی

• مدیرمسئول: محمد ناصری
• سردبیر: محمدرضا حشمتی
• شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
علی اصغر جعفریان، فرحناز حدادی،
لیلی محمدحسین و منصور ملک عباسی
• مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
• ویراستار: کبری محمودی
• طراح گرافیک: ندا عظیمی

• نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

• صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

• تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۲

• نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir

• پیام نگار: motevaseteh@roshdmag.ir

• تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

• کد مدیرمسئول: ۱۰۲

• کد سردبیر: ۱۱۵

• کد مشترکین: ۱۱۴

• نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

• تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۵۶

• شمارگان: ۱۳۰۰۰ نسخه

• چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. مجله در رد قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً تأمین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی سی دی یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. تتر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه ها) از متن استخراج شوند. مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه

گفتمان تحول

محمد رضا حشمتی

با شروع سال تحصیلی جدید (۱۳۹۲-۹۳) تغییر ساختار آموزش و پرورش به ایستگاه دوره راهنمایی تحصیلی رسید. قطار تغییر با به همراه داشتن برنامه‌های جدید، سه سال در این ایستگاه توقف دارد. به همین دلیل، از این تاریخ نام مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی به «رشد آموزش متوسطه» تغییر می‌یابد. امیدواریم با شروع ماه مهر، تغییر و تحول نیز باعث رشد بیشتر فرزندان ما باشد. برای همراهی با شما همکاران محترم، در برنامه‌های سال جاری تغییراتی داده‌ایم. مبنای برنامه‌ریزی در مجله رشد آموزش متوسطه توجه جدی به سال هفتم (پایه اول دوره اول متوسطه) خواهد بود.

نکته مهم برای همراهی با تحول، شناخت ضرورت آن است. چرا که بدون این شناخت کارهای ما گرفتار تقلید خواهد شد.

برای پیشرفت در آموزش و پرورش به تحول و تغییر اساسی احتیاج است. تاریخ آموزش و پرورش شاهد تغییرات زیادی بوده است، اما به دلیل اینکه این تغییرات براساس فلسفه و برنامه‌های مشخصی طراحی نشده، عموماً کوتاه مدت بوده و پس از چند سال از مسیر اصلی منحرف شده است. شما همکاران محترم - معلمان - با تحول و تغییر نسبت نزدیکی دارید. زیرا طبیعت کار و فعالیت شما در جهت تغییر، پیشرفت و تحول آینده‌سازان این کشور است. طبع معلمی طبع تحول‌آفرینی است. معلمان به افق‌ها و آرمان‌های بلند دلبسته‌اند و همیشه به دنبال پیدا کردن یا خلق فضایی هستند که بتوانند آرمان‌های خود را محقق کنند.

تغییر و تحول در ذات خود به آینده اشاره دارد و تمام

تلاش دست‌اندرکاران آموزش و پرورش برای تحول،

زمینه‌سازی برای رسیدن به چشم‌انداز ۱۴۰۴

است.

برای معلمان، مشارکت در

پیشرفت کشور، ریل‌گذاری

برای حرکت خود و

نسل حاضر و آینده

است.



شاید بتوان گفت این ویژگی منحصر به معلمان است. بنابراین، معلمان انگیزه بیشتری دارند که همیشه در زمینه‌های تغییر، تحول و تعالی وارد عرصه شوند. زیرا هم ویژگی‌های لازم را دارند و هم انگیزه بالا. این دو کمک می‌کنند که معلمان در تغییر و تحول نقش برجسته‌ای داشته باشند. در واقع، معلمان مدافع حقوق نسل امروز و فردا هستند. آن‌ها در کار تربیت افرادی هستند که فردا جامعه را مدیریت خواهند کرد.

«سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» یکی از مهم‌ترین برنامه‌های بلندمدت کشور برای پیشرفت است. این سند بر مبانی متقن اسلامی، همچنین اصول علمی استوار است و یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. حال آنچه می‌تواند تغییر و تحول را در ساختار یک سازمان جاری و ساری کند، «گفتمان‌سازی» است. گفتمان‌سازی هم در مرحله طراحی و هم در مرحله اجرا بسیار لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد. شاید یکی از دلایل موفق نبودن بعضی برنامه‌های کشور، به‌خصوص در مرحله اجرا، نبودن گفتمان‌سازی است. گفتمان به‌معنی یک جریان فکری اجتماعی است. اگر این جریان فکری و علمی در حوزه‌های اندیشه معلمان، در کلاس‌های ضمن خدمت و در نشریات به‌خوبی عملی نشود، گفتمان نخواهد بود. پس ضروری است این جریان فکری که اساس و پایه‌های اعتقادی - علمی دارد در جامعه آموزش و پرورش در سطح گسترده مطرح شود، موضوع بحث و بررسی معلمان قرار گیرد و در نشست‌های متعدد فرصت تبادل نظر و انتقال تجربه‌های انباشته به همکاران داده شود. ضروری است گفتمان اسناد تحول بنیادین و برنامه درسی ملی به دل‌نگرانی فکری مردم (ما معلمان) تبدیل شود. در این صورت است که گفتمان شکل می‌گیرد.

گفتمان می‌تواند راه اجرای بهتر برنامه‌ها را هموار کند. وقتی درباره برنامه‌ای در حلقه‌ها و گروه‌ها و در جامعه‌ها بحث و بررسی می‌شود، مسائل و مشکلات آن باز می‌شود و در معرض فکر عموم گذاشته می‌شود. اقشار زیادی از مردم، به‌خصوص معلمان، خودشان را در این برنامه سهیم تلقی می‌کنند و این باعث می‌شود که اجرای برنامه، علاوه بر تضمین‌های قانونی که ناشی از تصویب و ابلاغ برنامه است، نوعی تضمین عمومی پیدا کند و مطالبه‌ای عمومی برای اجرای آن شکل بگیرد. این امر باعث می‌شود که برنامه راحت به اجرا درآید و منحرف نشود. انحراف احتمالی برنامه در فضای فکری جامعه زود مشخص شود، مطالبات برای اجرای آن افزایش یابد و همکاری و همراهی در اجرای برنامه زیاد شود.

در مجله رشد آموزش متوسطه در نظر داریم درباره «گفتمان تحول و برنامه درسی ملی» بیشتر بنویسیم. مثل همیشه منتظر دیدگاه‌های شما در این زمینه هستیم، چرا که اعتقاد داریم این گفتمان زمانی می‌تواند نقش‌آفرینی مثبت داشته باشد که از طرف همه ما خوب فهم شود و برای فهم بهتر نیز جلسات هم‌اندیشی درباره واژه‌ها و مفاهیم بیش از پیش ضروری است.



آقا! شما دبیر چی هستید؟

زندگی، شخصیت و اندیشه‌های تربیتی
شهید سید محمد حسینی بهشتی

ناصر نادری

سید محمد حسینی بهشتی در پاییز سال ۱۳۳۰، به عنوان دبیر زبان انگلیسی مشغول تدریس شد. روزی که برای نخستین بار پا به حیاط دبیرستان «حکیم نظامی» قم گذاشت، نفس عمیقی کشید و در حالی که لباس روحانیت به تن داشت، به طرف دفتر مدیر رفت. مدیر مرد میان سال و دنیا دیده‌ای بود. با دیدن روحانی، به پا خاست و به گرمی دستش را فشرد.

– بفرمایید!

– من بهشتی هستم؛ دبیر زبان انگلیسی.

و بعد برگه ابلاغ خود را به مدیر داد. مدیر لبخندی زد و با تعجب گفت: «شما دبیر زبان انگلیسی هستید؟!»

– بله.

– خیلی خوش آمدید!

بعد او را به همکارانش معرفی کرد. آن‌ها هم با تعجب به این روحانی جوان نگاه کردند.

چیزی نگذشت که زنگ کلاس‌ها به صدا درآمد. دانش‌آموزان با عجله و همه‌همه به کلاس‌ها رفتند. معلم‌ها نیز به دنبال آن‌ها وارد کلاس‌ها شدند.

وقتی در کلاس باز شد، دانش‌آموزان با یک روحانی جوان و بلند قد، با محاسن و ابروهای مشکی روبه‌رو شدند.

به احترام او از جای برخاستند و با تعجب به هم نگاه کردند.

سید محمد سلام کرد و از بچه‌ها خواست سر جایشان بنشینند. خودش هم روی صندلی معلم نشست و بعد سکوت سنگین کلاس را شکست و آغاز سال تحصیلی را تهریک گفت.

– آقا اجازه! شما دبیر دینی هستید؟

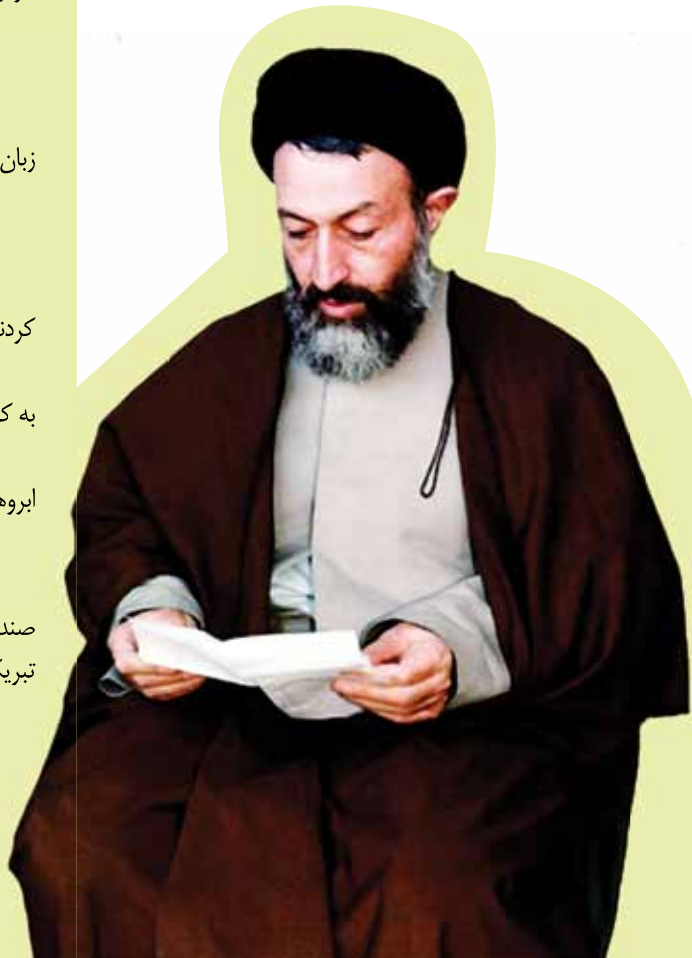
بهشتی با تبسم گفت: «خیر».

– پس آقا حتماً دبیر عربی هستید.

– آقا! شما دبیر چی هستید؟

بهشتی از صندلی‌اش بلند شد و گفت: «من دبیر زبان انگلیسی‌ام».

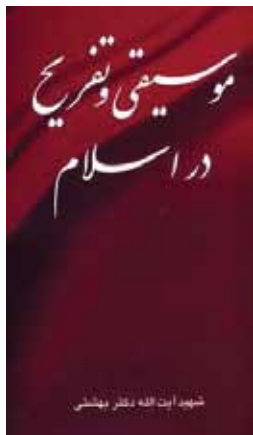
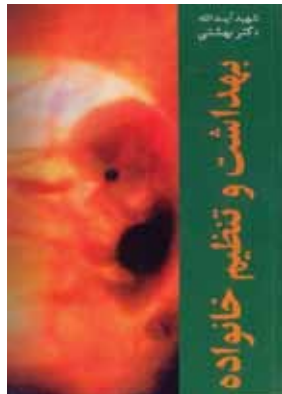
دهان دانش‌آموزان از تعجب باز شد و هاجو واج به هم نگاه کردند...



در گذر زمان	۱۳۰۷	۱۳۱۱	۱۳۱۳	۱۳۱۹	۱۳۲۱	۱۳۲۵	۱۳۲۷	۱۳۳۰
تولد	شروع تحصیلات در مکتبخانه	ورود به دبستان	شروع تحصیل در دبیرستان	ورود به حوزه علمیه صدر اصفهان	ورود به حوزه علمیه قم	ورود به دانشکده الهیات دانشگاه تهران	دریافت مدرک لیسانس، ورود به آموزش و پرورش و تدریس زبان انگلیسی	



اندیشه‌های تربیتی



شخصیت فرهنگی

آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی (۱۳۶۰-۱۳۰۷) در ذهن شما بیشتر یک روحانی سیاست‌مدار و مؤثر در جریان‌های تاریخ معاصر ایران است. این در حالی است که بهشتی علاوه بر شخصیت سیاسی-اجتماعی، یک چهره فرهنگی، اندیشمند دینی و دارای آثار متعدد در حوزه دین‌شناسی است.

با توجه به گرایش‌ها و تعلقات آیت‌الله بهشتی، وی علاوه بر تجربه شیرین تدریس در برخی مدرسه‌های قم، در تأسیس و شکل‌گیری چند مدرسه نقش اساسی داشته است.

جالب است در بین آثار قلمی شهید بهشتی، مضمون‌های مرتبط به تعلیم و تربیت و مباحث انسان‌شناسی سهم برجسته‌ای دارد؛ آثاری همچون: بهداشت و تنظیم خانواده، نقش آزادی در تربیت کودکان و موسیقی و تفریح در اسلام.

گفتنی است وی در سال ۱۳۵۰ همراه با حجت‌الاسلام شهید دکتر باهنر و حجت‌الاسلام دکتر غفوری با بخش برنامه‌ریزی و تهیه کتاب‌های تعلیمات دینی آموزش و پرورش همکاری داشته است.

آنان کار تألیف کتاب را شروع کردند و نقشه‌ای کشیدند که بسیار ثمربخش بود. معمول این بود که کتاب‌ها را برای تأیید نهایی به شورای عالی آموزش و پرورش می‌دادند. آن‌ها برای اینکه کتاب‌ها به شورای عالی نرسد، آن‌ها را زمانی برای چاپ ارائه دادند که دیگر برای اظهار نظر دیگران فرصتی نبود.

کتاب‌ها چاپ شد و در اختیار مدارس قرار گرفت. چندی پس از چاپ کتاب‌ها، گزارش‌های زیادی به ساواک رسید مبنی بر اینکه در شهرهای شمال، جوان‌ها به مسجد می‌روند و برای بچه‌ها و مردم چیزهایی را می‌خوانند که بسیار مهیج است.

وقتی از این جوان‌ها پرسیده بودند که این چه کاری است می‌کنید، آن‌ها در پاسخ گفته بودند: «ما کاری نمی‌کنیم فقط متن کتاب‌های دینی را می‌خوانیم.»

به علت فراوانی این گزارش‌ها، ساواک کارشناسانی را مأمور بررسی کتاب‌های دینی کرد. آن‌ها نیز زیر قسمت‌های زیادی از کتاب‌ها را خط کشیدند و اعلام کردند این مطالب ضدملی و ضدمیهنی هستند و باید حذف شوند. اما دکتر بهشتی و یارانش تا آنجا که می‌توانستند مقاومت کردند و به کار خود ادامه دادند. آن‌ها سال‌های بعد هم کتاب‌ها را با اندکی تفاوت به چاپ رساندند. این روند تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی) ادامه یافت.

۱۳۶۰	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۰	۱۳۴۴	۱۳۴۳	۱۳۳۹	۱۳۳۵	۱۳۳۳
شهادت در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی	عضویت در مجلس خبرگان و تصدی ریاست دیوان عالی کشور به فرمان امام خمینی	دستگیری مجدد توسط ساواک	همکاری با بخش برنامه‌ریزی و تهیه کتاب‌های تعلیمات دینی آموزش و پرورش	سفر به آلمان برای اداره مرکز اسلامی هامبورگ	دستگیری توسط ساواک	تأسیس مدرسه منتظریه در قم	آغاز تحصیل در دوره دکترا	تأسیس دبیرستان دین و دانش

❑ خلّاقیت و نوآوری

از نظر اسلام، انسان برای خلّاقیت و دگرگون کردن محیط خود آفریده شده است و این رسالت را دارد که قدرت افزایش‌پذیر خلّاقیت فکری و عملی خود را به‌کار اندازد و در محیط طبیعی و اجتماعی خویش، دگرگونی‌های لازم را به‌وجود آورد و تازه‌های سودمند بیافریند تا برای زندگی بهتر و انسانی‌تر خود و دیگر انسان‌ها آماده‌تر شود و هرگز یکسره تسلیم واقعیت‌های موجود نگردد.



❑ آرامش

آرامش خانواده رمز آرامش فرزندان است که پدران و مادران فردا دارند.

❑ انسان شدنی است مستمر

در جهان‌بینی اسلام، انسان شدنی است مستمر و پویایی است خداگاه، انتخابگر و خودساز. ما بر این چهار عنوان تأکید داریم. در جهان‌بینی اسلام، انسان شدن است؛ شدنی است مستمر. همواره یک شدن است، و پویش است، تلاش است. پویشی است خداگاه و انتخابگر، انتخاب‌کننده و خودساز. در نهاد و نهانش کشش‌ها، خواسته‌ها و انگیزه‌هایی آفریده شده است که او را به این حرکت و پویش خودساز وامی‌دارد.

❑ پوچ‌گرایی

علیرغم پیشرفت‌های مادی در قرون اخیر، کمبود ایمان و معنویت موجب پوچ‌گرایی و سرگشتگی نسل حاضر شده است. قرآن بر این اصل تکیه دارد که زندگی با همه زرق و برق و شکوه و زیبایی و عیش و نوشش، در صورتی که از هدفی درخور انسان و از ایمان و معنویت خالی باشد، پوچ و بی‌محتواست و انسان دلبسته به آن زیانکار و تلاش‌هایش بیهوده و بی‌حاصل.

❑ فراهم آوردن زمینه‌ها

نقش ما و شما نسبت به این بچه‌ها باید نقش کمک باشد، نقش فراهم آوردن زمینه‌های بیشتر برای رشد سریع‌تر و سالم‌تر و سراسرتر باشد، نه نقش استادکار قالب‌سازی که می‌خواهد این استعداد نرم و لطیف کودک را در قالبی خشن بریزد و از او موجودی قالبی بسازد.

❑ فرصت اظهار نظر

به بچه فرصت اظهار نظر بدهید! بگذارید یک حرف پرت بزند. بگذارید یک استدلال غلط بکند. یک نتیجه غلط هم بگیرد، و حتی تا آنجا که خسارت شکننده ندارد، دنبال این نتیجه غلط برود و خودش یک تجربه به‌دست بیاورد. تجربه‌های تلخی که این بچه‌ها خودشان با اعمال حق اختیار به‌دست می‌آورند، از یک کتاب نصیحت سعدی و فردوسی و لقمان بالاتر است.

❑ کتاب داستان زیاد بخوانند!

یکی از مشکلات زمان ما این است که آدم‌ها و انسان‌ها بیش از حد قالبی هستند. یکی از عوامل نجات دادن انسان‌های نسل بعد از قالبی شدن و فکر قالبی داشتن، این است که در بچگی کتاب زیاد بخوانند؛ چون کتاب‌های داستان معمولاً این خاصیت را دارند که در چارچوب واقعیات روز محصور نیستند. بنابراین به بچه‌ها امکان می‌دهند که مقداری برتر از این واقعیات محدود محیطی هم بیندیشند.

❑ عادت

در مطالعات علمی پیرامون مسائل دینی، اجتماعی، اخلاقی و حتی حقوقی و اقتصادی، باید «عادت» همچون عاملی مؤثر و نیرومند مورد توجه قرار گیرد. مخصوصاً به کسانی که درباره اسلام و اهمیت دستوره‌های فردی و اجتماعی و حتی آداب و رسوم عبادت و آیین خداپرستی و از این بالاتر، طرز بیان مسائل مابعدالطبیعه در این دین مقدس مطالعه می‌کنند، توجه به مسائل بغرنج و پیچیده روانی، از جمله عادات را توصیه می‌کنیم.

❑ آموزش جنسی

شما می‌دانید که همیشه بچه مسلمان را با رساله عملیه آشنا می‌کردند؛ قبل از اینکه پسر دچار احتلام شود که به شکلی از اشکال ممکن است جنب شود و وظیفه‌اش هم غسل کردن است. به دختر خانم‌ها هم قبل از اینکه به نه سالگی برسند و احتمالاً خودشان با مسئله عادت ماهانه روبه‌رو بشوند، سعی می‌کردند به شکلی از اشکال بفهمانند که اگر چنین چیزی دیدی، وحشت نکن! خیال نکن یک بیماری داری، بلکه این یکی از نشانه‌های کمال آفرینش و خلقت زن است که عادت ماهانه شود.

❑ تفریح

اصولاً تفریح یکی از نیازهای طبیعی بشر است و هر نظام اجتماعی و مکتبی باید برای ارضای این خواسته طبیعی فکری کند.

به دانش آموزان بیاموزید یک موقعیت یکسان می تواند احساسات متفاوتی در ما برانگیزد هیجان های آشنا

سعید بی نیاز
کارشناس ارشد روان شناسی بالینی



برنامه آموزش «مهارت های زندگی» سال هاست که در برنامه آموزشی دوره های گوناگون تحصیلی در کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است. مهارت هایی که به دانش آموزان می آموزد چگونه خودشان را بشناسند، چگونه با دیگران بهتر رابطه برقرار کنند، چطور بهتر فکر کنند و چطور از پس هیجان های منفی مثل استرس، اضطراب و افسردگی برآیند. معلمان دوره اول متوسطه، به عنوان کسانی که در طول یک سال تحصیلی به طور مداوم با دانش آموزان مرتبط هستند، یکی از بهترین گروه های مرجع برای آموزش این مهارت ها به دانش آموزان محسوب می شوند. در اولین شماره سال تحصیلی جدید، «شیوه آموزش مهارت شناخت هیجان ها به دانش آموزان دوره راهنمایی» را برگزیده ایم. مهارتی که هم بخش مهمی از خودشناسی به عنوان پایه ای ترین مهارت زندگی را دربرمی گیرد و هم یکی از مهارت های چهارگانه برای پرورش «هوش هیجانی» است؛ نوعی از هوش که برخلاف «هوش شناختی» - که معمولاً با تست های IQ یا هوش بهر شناختی آن را می سنجند - هم آموختنی است و هم می تواند موفقیت شغلی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان را در آینده پیش بینی کند.

برخلاف توانایی های عقلانی مثل «استدلال» یا «حافظه»، تعریف هیجان خیلی مشکل است. البته وقتی پای احساسات، عاطفه و هیجان وسط باشد، همه ما می دانیم داریم از چه چیزی حرف می زنیم اما نمی توانیم دقیقاً تعریفش کنیم. قدر مسلم هیجان ها هم مانند انگیزه ها ما را به حرکت وامی دارند. واژه لاتین هیجان با واژه لاتین حرکت هم ریشه است. غیر از این، برخلاف توانایی های عقلی که تقریباً ثابت هستند، هیجان به اصطلاح بالا و پایین دارد. روان شناسان هیجان را به سه بخش انگیزختگی فیزیولوژیک (مثلاً ضربان قلب)، تجربه هشیارانه (نام گذاشتن روی هیجان مثلاً عصبانیت) و مؤلفه رفتاری (مثلاً دلم می خواست خفه اش کنم) تقسیم می کنند و می گویند همه هیجان ها این سه بخش را دارند.

جدول ۱

هیجان	وضعیت دهان	وضعیت چشم‌ها و ابروها	وضعیت صدا و کلام	وضعیت سر و بدن
شادی	لبخند لبخندی که احتمالاً دندان‌ها هم دیده می‌شوند	چین خوردن دور چشم‌ها	تند حرف زدن، بلند حرف زدن، خندیدن	بالا و پایین پریدن، کف زدن، تکیه دادن به عقب، باز کردن دست‌ها و رقصیدن (البته آن ور آب)
اندوه	اخم کردن، پایین آمدن لب‌ها و فک	گریه کردن، پایین آمدن پلک‌ها، بالا رفتن قسمت‌های درونی ابروها	کمی یواش‌تر حرف زدن، هیجان کمتر، احتمالاً نامفهوم حرف زدن، آه‌های قابل شنود برآوردن	پایین افتادن شانه‌ها، شل شدن ماهیچه‌ها، پایین آوردن سر، بی حرکت ماندن و نداشتن فعالیت
خشم	اخم کردن، به هم فشردن فک‌ها، بسته شدن دهان	خیره شدن، جمع کردن ابرو	کمی سریع‌تر حرف زدن، بسیار بلندتر حرف زدن، شکسته و بسته حرف زدن، قطع کردن صحبت دیگران	تکان خوردن سر، حالت‌های نشان دهنده حمله (مثل مشت‌های گره کرده، بزرگ شدن سوراخ بینی، سرخ شدن صورت، سیخ شدن بدن)
ترس	خشک شدن دهان، لرزیدن لب‌ها، به هم خوردن دندان‌ها	باز شدن زیاد چشم‌ها، تندتند پلک زدن، گریه کردن	بسیار سریع‌تر و بسیار بلندتر حرف زدن، خشک یا غیرمنظم شدن صدا، نفس کشیدن نامرتب، جیغ زدن	خود را عقب کشیدن، در جای خود خشک شدن، پیچ و تاب خوردن، عرق کردن کف دست‌ها، خشک شدن ماهیچه‌ها
تعجب	باز ماندن دهان، اندکی بالا آمدن گوشه‌های دهان	بسیار باز شدن زیاد چشم‌ها، بالاتر رفتن ابروها و از هم دورتر شدن آن‌ها	در جای خود بی حرکت شدن، سکوت کردن، بلند و باهیجان حرف زدن	دهان خود را با دست پوشاندن یا در جای خود خشک شدن
تنفر	گره خوردن لب بالا، دیده شدن زبان	پایین آمدن قسمت‌های درونی ابروها	بسیار یواش‌تر و آرام‌تر حرف زدن، غرغر کردن، صداها گلویی درآوردن (مثل ایخ، ای)	سر به عقب برگرداندن یا به طرف عقب برگشتن، چین به دماغ انداختن

چند نوع هیجان داریم؟

معمولاً وقتی پای تقسیم‌بندی هیجان‌ها وسط می‌آید، روان‌شناسان از شش هیجان اصلی که در همه فرهنگ‌های دنیا از نیویورک گرفته تا گینه بیسائو وجود دارد می‌گویند: ترس، خشم، تعجب، شادی، اندوه و نفرت. جالب اینجاست که تظاهر این هیجان‌ها در فرهنگ‌های گوناگون دنیا به یک شکل است. جدول ۱ به شما کمک می‌کند ریزترین جزئیات دیدنی و شنیدنی یک هیجان را تشخیص دهید:

هیجان‌های پیچیده

هیجان‌های پیچیده معمولاً به شفافیت و شدت هیجان‌های اصلی نیستند، بلکه ترکیبی‌تر و پیچیده‌تر از آن هستند که بشود تنها به شش طبقه تقسیم‌شان کرد. بعضی از روان‌شناسان با اضافه کردن دو طبقه دیگر به هیجان‌های اصلی، هیجان‌های مرکب را نیز مطرح کرده‌اند. شکل ۱ طبقه‌بندی پلاچیک از هیجان‌هاست:



شکل ۱. طبقه‌بندی هیجان‌های پیچیده

در این طبقه‌بندی (شکل ۱) ترکیبی از ترس و پذیرش «سلطه‌پذیری»، ترکیبی از خوشی و پذیرش «عشق»، ترکیبی از خوشی و انتظار «پرخاشگری»، ترکیبی از عصبانیت و نفرت «اهانت»، ترکیبی از اندوه و نفرت «تدامت»، ترکیبی از اندوه و تعجب «یأس» و ترکیبی از تعجب و ترس «هیبت» ملاحظه می‌شود.

شناخت هیجان‌های دانش‌آموز دوره اول متوسطه

دانش‌آموز در اوایل دوره اول متوسطه، یعنی وقتی دارد آخرین سال‌های کودکی را می‌گذراند و وارد دوره نوجوانی می‌شود، از هیجان‌های خودش بیشتر باخبر می‌شود. یعنی شما در این دوره با دانش‌آموزانی مواجه هستید که پیش‌فرض‌های آموختن این مهارت را در خود دارند. خودشان تا حدودی می‌دانند که واکنش‌های افراد به یک اتفاق یکسان با هم فرق دارند. این مهارت به آن‌ها می‌آموزد که نه تنها رفتار آدم‌ها، بلکه هیجان‌های آن‌ها هم در مقابل یک اتفاق با هم فرق دارند. در نتیجه، آن‌ها به تفاوت آدم‌ها احترام بیشتری می‌گذارند و با احساسات و ظرافت بیشتری به واکنش دیگران پاسخ می‌دهند.



بازی احساسات متفاوت

هدف از این بازی آن است که بچه‌ها متوجه شوند آدم‌ها می‌توانند در یک وضعیت، هیجان‌های متفاوتی را تجربه کنند.

وسایل لازم

- پنج عدد کارت سفید برای هر دانش‌آموز؛ می‌توانید برای هر دانش‌آموز یک کاغذ A4 دورو سفید را به پنج بخش تقسیم کنید؛
- مداد؛
- ۱۲ قطعه کاغذ رنگی کوچک برای هر دانش‌آموز؛
- ورقه بازی احساسات متفاوت برای هر دانش‌آموز؛ برای تهیه این ورقه، روی یک برگ کاغذ جدول ۲ را بکشید و آن را به تعداد دانش‌آموزان کپی کنید.

جدول ۲

حسادت	عصبانیت	هیجان‌زدگی	خوش‌حالی	افتخار
افسردگی	شرمندگی	احساس گناه	خشم	غم
تنهایی	غم	افتخار	عصبانیت	هیجان‌زدگی
حسادت	افسردگی	عصبی شدن	هیجان‌زدگی	خوش‌حالی
احساس گناه	شرمندگی	عصبانیت	ترس	عصبی شدن

شیوه بازی

۱. به هر دانش‌آموز پنج کارت سفید بدهید. به آن‌ها بگویید لازم نیست اسمشان را روی کارت‌ها بنویسند. بخواهید به پنج اتفاقی هفته گذشته که احساساتی را در آن‌ها برانگیخته است فکر کنند. برای مثال «یکی از دوستانم هفته پیش بیمار و روانه بیمارستان شد، و این مرا غمگین کرده است.» از دانش‌آموزان بخواهید در یک روی کاغذ شرح اتفاق را بنویسند و روی دیگر آن احساسشان را در مورد آن.
۲. کارت‌های پر شده را جمع کنید و کاغذهای رنگی و ورقه «احساسات متفاوت» را بین دانش‌آموزان پخش کنید.
۳. از دو داوطلب (ثبت کننده) بخواهید وظیفه «خواندن کارت‌ها» و «ثبت کردن مطالب روی تخته کلاس» را به عهده بگیرند.
۴. خواننده باید کارت‌ها را بُر بزند و یکی از آن‌ها را به‌طور تصادفی انتخاب کند. بعد از آن اتفاقی را که روی کارت نوشته شده است بخواند و از بچه‌ها بپرسد اگر این اتفاق برای آن‌ها بیفتد چه احساسی خواهند داشت؟ دانش‌آموز باید یکی از کاغذهای رنگی‌اش را روی احساس مورد نظرش در ورقه «احساسات متفاوت» بگذارد.
۵. ثبت کننده روی تخته می‌نویسد «یک» (یعنی وضعیت اول) و از پنج دانش‌آموز می‌خواهد که احساسات خودشان را بگویند. این پنج احساس را زیر عدد یک می‌نویسد.
۶. خواننده دوباره کارت‌ها را بر می‌زند و اتفاق دوم را می‌خواند. دانش‌آموزان باید کارت دوم را روی ورقه بگذارند. ثبت کننده هم از پنج داوطلب دیگر می‌خواهد احساسشان را بگویند و آن‌ها را زیر عدد ۲ روی تخته می‌نویسد.
۷. بعد از ۱۲ کارت بازی را تمام کنید.
۸. از بچه‌ها بخواهید کلمه‌های زیر ۱ را ببینند. از آن‌ها بپرسید آیا همه آن‌ها مثل هم هستند؟ آیا فرق دارند؟ چرا؟
۹. از بچه‌ها بپرسید آیا تشخیص دادن احساسات سخت بود؟ در این بخش می‌توانید اطلاعاتی را که در این مقاله در مورد هیجان‌های ساده و پیچیده گفته شده است به بچه‌ها منتقل کنید.
۱۰. از بچه‌ها بپرسید: «هر هیجانی چه نشانه‌هایی دارد؟»
۱۱. از بچه‌ها بپرسید: «با آدم‌هایی که در مقابل یک اتفاق مشابه احساسشان با ما فرق می‌کند، باید چطور رفتار کنیم؟»



درباره نوشتن

افسانه حجتی طباطبایی

همه ما برای اینکه بتوانیم مفاهیم و ایده‌هایی را که در ذهن داریم به دیگران منتقل کنیم، از زبان کمک می‌گیریم. زبان به عنوان کامل‌ترین ابزار پیام‌رسانی، مجموعه‌ای قاعده‌مند است که انسان گونه گفتاری آن (زبان مادری) را به صورت عملی در نخستین سال‌های زندگی به طور طبیعی و بی‌نیاز از آموزش مستقیم فرامی‌گیرد. گونه نوشتاری زبان را نیز بعدها با آموختن خط و نظام الفبایی یاد می‌گیرد و پس از آن است که می‌تواند ذهنیاتش را در قالب نوشته یا متن روی کاغذ بیاورد. در این میان، اگر او مهارت نوشتن را در خود پرورش ندهد و به نوشتن عادت نکند، ممکن است به ترس از نوشتن دچار شود.

انسان‌ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر از زبان استفاده می‌کنند که شامل زبان گفتاری و زبان نوشتاری است. همه ما زبان گفتاری مادری را در سال‌های نخست زندگی به طور طبیعی و ناخودآگاه، بدون نیاز به گذراندن دوره‌های آموزشی خاصی، می‌آموزیم و اگر اندام‌های گویایی و شنوایی مان ناهنجاری و نقصی نداشته باشند، می‌توانیم مفاهیم و ایده‌های مورد نظر خود را در قالب کلمات و جمله‌های معنی‌دار به صورت شفاهی بیان کنیم. از سوی دیگر هم اگر در درک و دریافت ذهنی مشکلی نداشته باشیم، می‌توانیم منظور دیگران را، که به زبان ما حرف می‌زنند، به خوبی دریابیم. ناگفته پیداست که آنچه هنگام فراگیری زبان مادری می‌آموزیم، نه توده‌ای از گفته‌های پراکنده بلکه مجموعه‌ای از قاعده‌ها یا اصول زیربنایی تولید و درک ساختارهای گفتاری است.

برعکس زبان گفتاری، برای استفاده از زبان نوشتاری - حتی نوع مادری‌اش - به تعلیم نیاز داریم و حتماً ابتدا باید اصول و قواعد زیربنایی این زبان را بشناسیم تا بتوانیم به کمک آن‌ها ذهنیات خود را در قالب کلمه‌ها و جمله‌ها بریزیم و روی کاغذ بیاوریم.

در این میان، بسیاری از ما که حتی دوره‌های دانشگاهی را هم گذرانده‌ایم، به راحتی قادر به نوشتن نیستیم. نوشتن برایمان دشوار است یا در نوشته‌هایمان مرتکب اشتباهات و خطاهای بسیاری می‌شویم؛ اشتباهاتی ناشی از سهوها و لغزش‌های زبانی و خطاهایی برخاسته از کج‌فهمی یا بدفهمی بعضی نکات یا دریافت نکردن آموزش صحیح در مورد آن‌ها. البته گاهی هم دشواری عمل نوشتن برای ما به این دلیل است که به آن عادت نداریم. همچنین، از آنجا که این مهارت و توانایی را به تدریج در خود تقویت و تربیت نکرده‌ایم، اعتماد به نفس لازم برای دست به قلم شدن را نداریم، از اینکه دیگران نوشته ما - و طبعاً خطاها و اشتباهات آن را - نقد کنند می‌ترسیم و به این ترتیب، با وجود داشتن معلومات کافی و حتی ایده‌های خلاق، نمی‌توانیم بنویسیم.

در این سلسله نوشتار که برای هشت شماره مجله رشد آموزش متوسطه تدارک دیده شده است، برآنیم که با توضیح چارچوب زبان نوشتاری و قواعد و اصول آن، انواع نوشته (از جمله مقاله) و مبانی منطقی و ویژگی‌های آن‌ها، و نیز معرفی اشکالاتی که باعث ضعف نوشته‌های ما می‌شوند، برای حل مسئله ترس از نوشتن و رفع مشکلات موجود بر سر راه نوشتن چاره‌جویی کنیم.



زبان و دوگانه مهم آن

زبان مجموعه‌ای است شامل واژه‌ها و قواعد ترکیب و تلفظ آن‌ها که برای برقراری ارتباط و بیان اندیشه‌ها و عواطف انسانی به کار می‌رود. مطابق این تعریف، مهم‌ترین وظیفه زبان برقراری ارتباط و پیام‌رسانی است. این وظیفه از دورترین زمان‌ها به دوش زبان نهاده شده است و هنوز هم مهم‌ترین کارکرد آن به حساب می‌آید.

باید بدانیم که لازمه برقراری هر ارتباط انسانی وجود سه رکن اساسی و اولیه شامل پیام، فرستنده پیام و گیرنده آن است. منظور از پیام، ایده یا مفهومی است که در جریان پیام‌رسانی از طرف فرستنده پیام به گیرنده آن منتقل می‌شود و ناگفته پیداست که حتماً باید در قالبی صوتی (شفاهی/ گفتاری) یا تصویری (نوشتاری) قرار گیرد که در واقع ابزار انتقال پیام است. فرستنده پیام کسی است که با هر انگیزه و هدفی پیام را در قالب گفته (سخن) یا نوشته (متن) رمزگذاری می‌کند و برای گیرنده پیام می‌فرستد. گیرنده نیز پیام رمزگذاری شده را رمزگشایی می‌کند و با توجه به دانش زمینه‌ای که دارد، منظور فرستنده را درمی‌یابد. در واقع، فرستنده و گیرنده پیام با رمزهای زبانی، واژه‌ها، خط و نظام الفبایی، به‌طور یکسان آشنایی دارند و می‌توانند منظور یکدیگر را درک کنند.

گفتیم که پیام ممکن است در قالب گفته یا نوشته باشد. به این اعتبار، زبان به دو بخش مجزا شامل زبان گفتاری و زبان نوشتاری تقسیم می‌شود.

در یک ارتباط مبتنی بر زبان گفتاری، گوینده یا فرستنده پیام می‌تواند از عناصری چون مکث، تکیه، آهنگ، لحن، انواع تأکید آوایی و نیز زبان بدن برای هر چه روشن‌تر کردن پیام خود استفاده کند یا با بهره‌گیری از این عناصر بر تأثیر عاطفی آن بیفزاید. در عین حال،

او در دسترس شنونده یا گیرنده پیام است و می‌تواند در صورت لزوم، گفته‌هایش را توضیح دهد و به شنونده کمک کند که منظور او را بهتر دریابد. همچنین چون با مخاطب خود رابطه‌ای رودررو و بی‌واسطه دارد، می‌تواند حالات روحی او را دریابد و متناسب با آن، به اختصار سخن بگوید یا درازه‌گویی کند.

اما در ارتباط مبتنی بر زبان نوشتاری، نویسنده یا فرستنده پیام دسترس خواننده (گیرنده پیام) نیست و نمی‌تواند در درک و دریافت پیام به او کمک کند یا حالات روحی وی را دریابد. از این رو، پیام یا متن باید به‌گونه‌ای تألیف شود که بتواند خود را به‌وضوح بیان کند و در عین حال، نه به درازه‌گویی مبتلا باشد که مخاطب را خسته کند و نه آنچنان کوتاه و موجز باشد که مخاطب چیزی از آن نفهمد و منظور آن را درنیابد. پس نویسنده باید در انتخاب کلمه‌ها و تعبیرات، ساختار جمله‌ها، زمینه‌سازی برای موضوع و محتوا و نیز کیفیت و کمیت نوشته، وجود ارتباط منطقی میان اجزای آن و... بسیار دقیق عمل کند و با بهره‌گیری صحیح از دستگاه الفبایی و نیز نشانه‌های سجاوندی، متنی روشن و بی‌ابهام را در اختیار خواننده قرار دهد.

با توجه به آنچه گفته شد، زبان نوشتاری یکی از راه‌های برقراری ارتباط و پیام‌رسانی است، اما غالباً ترجیح می‌دهیم به‌جای آن از زبان گفتاری استفاده کنیم. بسیاری از ما با وجود برخورداری از توانایی خواندن و دانش نوشتن و گذراندن دوره‌های تحصیلی عالی حرف زدن را بر نوشتن ترجیح می‌دهیم و از همین رو، باوجود انبوه معلومات و نیز داشتن اطلاعات لازم درباره نوشتن، نمی‌توانیم قلم به‌دست بگیریم و آنچه را در ذهن داریم، بنویسیم. یکی از دلایل این ناتوانی «ترس از نوشتن» است.

ترس از نوشتن

بسیاری از ما از نوشتن می‌هراسیم. این هراس در میان افراد تحصیل کرده فراوان دیده می‌شود. در نتیجه، کسانی که بنابر وظیفه یا علاقه باید با تکیه بر محفوظات، مشاهدات و تجربیات خود چیزی بنویسند، تا آخرین لحظه‌ها این کار را به تأخیر می‌اندازند، به بهانه‌های مختلف از نوشتن طفره می‌روند و در نهایت، اگر هم مجبور به نوشتن شوند، از سر رفع تکلیف و به گونه‌ای می‌نویسند که نوشته‌شان اصولاً نمی‌تواند منعکس‌کننده دانسته‌ها و ذهنیات آنان باشد. پس ممکن است نمره خوبی نگیرند، نتوانند یک دوره یا مقطع تحصیلی را به پایان برسانند و حتی در محیط کار خود سرزنش شوند.

گفته شده است که ترس از نوشتن از جمله ترس‌های اجتماعی است و علل آن هراس از مورد قضاوت و انتقاد قرار گرفتن، نداشتن خودباوری و اعتماد به نفس، در نظر داشتن اهداف آرمانی و غیرواقع‌بینانه و کمال‌گرایی (تمایل به بی‌نقص بودن در هر کاری) است.

برای حل تدریجی این مشکل، در کوتاه مدت باید مجموعه‌ای از راهکارهای عملی را به خدمت گرفت و با اجرای آن‌ها تاحدودی با ترس از نوشتن مبارزه کرد. در عین حال، با دانش‌افزایی و بالا بردن اطلاعات خود درباره انواع نوشته، شناخت عناصر و مؤلفه‌های آن‌ها و نیز تمرین نوشتن و به کار گرفتن اطلاعات یاد شده در این تمرین‌ها در درازمدت این ترس را از بین برد.

بعضی راهکارهای عملی ما به شما، برای مبارزه با ترس از نوشتن، به شرح زیرند:

۱. انتظار و توقع بسیار بالا از خود را تا حدی معقول و منطقی کاهش دهید.
۲. هدف خود را تغییر دهید؛ در این خیال نباشید که مقاله، پایان‌نامه یا گزارش کارتان فوق‌العاده باشد، دیگران را به شدت تحت تأثیر قرار دهد و حتماً حاوی یک مطلب علمی بسیار تازه یا کشفی فوق تصور باشد. گاهی باید با واقع‌بینی هدف خود را تا حد نوشتن یک تکلیف، پایان‌نامه یا مقاله تحقیقی متوسط و تحویل دادن آن در زمان مقرر اصلاح کنید.
۳. موضوعی را که در نظر دارید بنویسید، به چند قسمت تقسیم کنید و ساده‌ترین قسمت را اول بنویسید. همین روند نوشتن از ساده به دشوار را ادامه دهید تا همه بخش‌های نوشته‌تان کامل شود.

۴. در مورد موضوع مورد نظر خود پرسش‌هایی را مطرح کنید و خود، پاسخ آن‌ها را بنویسید. با پس و پیش کردن این پاسخ‌ها و بسط دادن آن‌ها می‌توانید مواد لازم برای تألیف مقاله، گزارش و... را آماده کنید.

۵. اگر تکلیف نوشتنی عقب‌افتاده‌ای دارید یا مدت‌هاست تصمیم دارید مقاله‌ای برای مجله رشد آموزش متوسطه بنویسید یا مدت زمان محدودی به شما وقت داده‌اند تا رساله، مقاله یا گزارش تحقیقی‌تان را کامل کنید، هر چه زودتر قلم بردارید و نوشتن را شروع کنید. به تأخیر انداختن این کار انگیزه شما را از بین می‌برد و کیفیت کارتان را کاهش می‌دهد.

۶. هنگام نوشتن مقاله‌تان فکر کنید که دارید مطالب مورد نظر خود را چرک‌نویس می‌کنید و اگر لازم باشد، می‌توانید آن را بعداً به شکلی

بہتر و کامل‌تر بنویسید.

۷. به زمان‌هایی که تکلیف نوشتنی خود را به‌خوبی نوشته و در موعد مقرر تحویل داده‌اید - حتی در دوران کودکی و نوجوانی - فکر کنید.

۸. برای مقاله، رساله یا گزارش خود به‌طور دقیق برنامه‌ریزی کنید. سناریویی مناسب برای آن بنویسید و جای همه چیز از جمله مقدمه، مطلب اصلی و نتیجه را مشخص کنید. حتی می‌توانید واژه‌هایی را که دلتان می‌خواهد در نوشته خود به کار ببرید، روی یک صفحه کاغذ یادداشت کنید و نگه دارید.

۹. درباره ترس خود از نوشتن با دیگران حرف بزنید. باید بدانید که خارج کردن این ترس از پس پرده ذهن و نمایش دادن آن به دیگران در مبارزه با این مشکل به شما کمک می‌کند. در عین حال، شما را با تجربیات افراد دیگر در این زمینه آشنا می‌سازد.

۱۰. یادتان باشد که بسیاری از ما به این دلیل از نوشتن می‌ترسیم که نمی‌دانیم از کجا باید شروع کنیم. گاهی هم می‌ترسیم که در نیمه‌راه نوشتن گم شویم و رشته کلام را از دست بدهیم. برای اینکه بتوانید این افکار منفی را کنار بگذارید، بهتر است بی‌مقدمه قلم به‌دست بگیرید و بنویسید. از قضاوت دیگران درباره نوشته خود نترسید و بدانید که در هر نوشته‌ای - حتی نوشته‌های نویسندگان حرفه‌ای - خطاها و اشتباهاتی هست که بسیاری از آن‌ها را با تکرار و تمرین می‌توان رفع کرد. یادتان هم باشد که فقط «املائی نانوخته است که غلط ندارد!»

۱۱. می‌توانید تمرین نوشتن را با خاطره‌نویسی شروع کنید. اتفاقات روزمره، آنچه خوشحال یا ناراحتان کرده است، و آنچه دلتان می‌خواهد به دیگران بگویید اما نمی‌توانید، موضوعات مناسبی برای تمرین نوشتن هستند.
۱۲. لازم نیست نوشته‌های اولیه شما از نظر دستوری، واژگانی و حتی ساختار منطقی کاملاً صحیح باشند. می‌توانید در یک دوره زمانی فقط بنویسید. آن قدر که دیگر قلم به‌دست گرفتن و شروع به نوشتن برایتان دشوار نباشد. بعداً می‌توانید این نوشته‌ها را با حوصله ویرایش کنید. یادتان باشد که در این دوره باید بسیار هم بخوانید.

۱۳. حتماً می‌دانید که یکی از مؤثرترین راه‌های تقویت مهارت نوشتن، خواندن بسیار است. با خواندن آثار استادان بزرگ زبان و ادبیات فارسی از جمله استادان عبدالحسین زرین‌کوب، مجتبی مینوی، سیدجعفر شهیدی، و محمدرضا شفیعی کدکنی، با نمونه‌های منقح و قوی نثر فارسی آشنا می‌شوید و سلیقه زبانی خود را نیز به‌خوبی تربیت می‌کنید. پس دست به کار شوید!

در شماره آینده، درباره انواع نوشته و عناصر آن‌ها بیشتر سخن خواهیم گفت.

منابع

۱. سمعی (گیلانی)، احمد. نگارش و ویرایش. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۹.
۲. ———. آیین نگارش. مرکز نشر دانشگاهی. چاپ اول. تهران، ۱۳۶۶.
۳. محمدی‌فر، محمدرضا. شیوه‌نامه ویرایش، جلد سوم: نگارش. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران، ۱۳۸۱.

چند نکته نگارشی



بررسی اشکالات نگارشی

دوستان عزیز

از این شماره بخشی را به مجله شما افزوده‌ایم و آن - همان طور که می‌بینید - «چند نکته نگارشی» است. با توجه به اینکه اغلب دوستان مایل اند پیش از فرستادن مقالات خود برای ما، اشکالات نگارشی آن‌ها را برطرف کنند، از این پس در هر شماره پنج اشکال نگارشی پربسامد یا معمول را که از مقاله‌های شما استخراج کرده‌ایم، در قالب جمله‌هایی که خود شما نوشته‌اید، بدون ذکر نام نویسنده می‌آوریم و پس از توضیح اشکال مورد نظر، شکل صحیح جمله‌ها را می‌نویسیم. امیدواریم این شیوه در رفع پاره‌ای اشتباهات و تصحیح خطاهای نگارشی احتمالی شما دوستان عزیز مؤثر باشد. لطفاً نظرها و پیشنهادهای خود را در این زمینه برای ما بفرستید.

به جمله‌های زیر دقت کنید:

۱. این بازی از سرگرم کنندگی بالایی برخوردار نیست.
۲. حدود ۴۵۰ قطعه اشیای ارزشمند در موزه جلفا وجود دارد.
۳. فرایندهای جاری به نیازهای ارباب رجوع‌ها به‌خوبی پاسخ می‌دهند.
۴. این جمله را از مرحوم علامه یکی از نزدیکان ما نقل می‌کرد.
۵. با عجله از جا برخاستم و به مدرسه رفتم.

جمله اول

نکته اول: مصدر «برخوردار بودن» مثبت است و به لحاظ منطقی صورت منفی (برخوردار نبودن) ندارد. از این رو، در صورت نیاز، به جای آن «بی‌بهره بودن» یا «محروم بودن» را به کار می‌بریم. برخوردار نیست: محروم است. یا: بی‌بهره است.

نکته دوم: جمله درازه گویی یا حشو دارد. این بازی از سرگرم کنندگی بالایی برخوردار نیست» را با حذف زواید می‌توان به صورت زیر نوشت: - این بازی چندان سرگرم کننده نیست.

جمله دوم: در این جمله «۴۵۰» عدد، «اشیا» معدود و «قطعه»

واحد معدود است. نکته نادرست این جمله، آوردن معدود به صورت جمع است. معدود هر چند تا که باشد، به صورت مفرد می‌آید. ده‌ها کتاب، هزاران پرنده، صدها دوربین عکاسی

جمله سوم: ارباب رجوع به معنای «مراجعان» است و بهتر (یا

اقتصادی‌تر) است به جای این ترکیب، از کلمه مراجعان، که مفهوم آن روشن تر هم هست، استفاده شود. در عین حال، در ترکیب ارباب رجوع کلمه ارباب جمع «رب» است و بنابراین، ترکیب یاد شده جمع است و نمی‌توان دوباره آن را با «ها» جمع بست.

پس یا باید ترکیب «ارباب رجوع» بدون «ها» به کار رود یا کلمه «مراجعان» که هم کوتاه‌تر و هم روشن‌تر است، به جای «ارباب رجوع‌ها» بیاید.

جمله پنجم: فعل پیشوندی «برخاستم» به معنای بلند شدم

به همین صورت صحیح است نه به شکل «برخواستم»؛ بنابراین، «برخواستم» در این جمله غلط املائی است و باید تصحیح شود.

جمله چهارم: در این جمله عبارت «یکی از نزدیکان ما» که

فاعل جمله است، در جای درست خود قرار نگرفته و همین نکته باعث درهم ریختگی و انسجام نداشتن جمله شده است. برای تصحیح آن، عبارت «یکی از نزدیکان ما» را به ابتدای جمله می‌بریم:

یکی از نزدیکان ما این جمله را از مرحوم علامه نقل می‌کرد.

فاعل / گروه فاعلی مفعول بی واسطه مفعول با واسطه / متمم فعل

ناگفته پیداست که در شکل قبلی جمله، «یکی از نزدیکان ما»

ممکن است به اشتباه بدل «مرحوم علامه» در نظر گرفته شود!



در گفت‌وگو با دکتر علی اصغر فانی مطرح شد:

تحول در معلمان

کلید تحول در آموزش و پرورش است

سمانه آزاد

گفت‌وگو با دکتر علی اصغر فانی در مردادماه سال جاری، در دانشگاه تربیت مدرس و هنگامی انجام شد که ایشان عضو هیئت علمی آن دانشگاه بودند و هنوز از طرف رئیس جمهور محترم به عنوان سرپرست وزارت آموزش و پرورش منصوب نشده بودند. اکنون، با تبریک این انتصاب به حضور دکتر فانی، امیدواریم با توجه به سابقه طولانی مدت ایشان در سطوح مختلف وزارت، از رهگذر این انتصاب، شاهد دستاوردهای خوبی برای آموزش و پرورش، به ویژه برای معلمان، این کلیدهای تحول، باشیم.

اضافه می‌کنیم که دکتر فانی تاکنون در سمت‌های ریاست آموزش و پرورش منطقه ۱۶ تهران، معاون آموزش عمومی وزیر، مدیر کل آموزش و پرورش کردستان در سال‌های دفاع مقدس، معاون فرهنگی بنیاد شهید، معاون آموزش متوسطه و... خدمات شایانی به دستگاه تعلیم و تربیت کشور نموده به طوری که پاره‌ای از نوآوری‌های بنیادین از جمله پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، مدارس نمونه دولتی، مدارس شاهد و... از یادگارهای اوست.

سؤالات در دفتر مجله تهیه و گفت‌وگو با شرکت آقایان محمدرضا حشمتی، سردبیر و جعفر ربانی، سردبیر پیشین مجله رشد معلم، انجام شد و موضوع آن تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش است. ضمن تشکر از آقای دکتر فانی شما را به خواندن متن گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

با توجه به سرعت تحولات در زمینه‌های گوناگون، معلمان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند و چگونه خود را با شرایط وفق دهند و به بهترین شکل نقش آفرینی کنند؟

پاسخ به این سؤال ابعاد گوناگونی دارد. شاید بهتر باشد ابتدا به مبحث سازمان‌های یادگیرنده اشاره کنم؛ یعنی سازمان‌هایی که به‌طور مرتب خود را بازسازی می‌کنند و یاد می‌گیرند. وقتی مدرسه و آموزش و پرورش را سازمان‌هایی یادگیرنده تلقی کنیم، تعریفمان از آن‌ها متفاوت خواهد بود، به طوری که معلم هر لحظه یاد می‌گیرد و یاد می‌دهد. آموزش و پرورش باید فضایی را ایجاد کند که این اتفاق بیفتد. در همین راستا، چند سال گذشته و در جلسهای، موضوع ایجاد مراکز ارزیابی حرفه‌ای معلمان را مطرح کردم. کارکرد این مراکز نیازسنجی آموزشی برای شناخت نیاز معلمان و تولید بسته‌های آموزشی در دوره‌ها و رشته‌های گوناگون برای رفع این نیازهاست. در این صورت، دیگر نیازی نیست معلمان سر کلاس ضمن خدمت بنشینند؛ به‌خصوص که پرانکدگی مدارس و معلمان در سطح کشور، تشکیل این کلاس‌ها را مشکل می‌کند. شاید در منطقه‌ای مانند تهران از این نظر مشکلی نداشته باشیم، اما در حال حاضر امکان تشکیل کلاس برای معلمان روستاها و عشایر وجود ندارد. این بسته‌ها می‌توانند به‌صورت چاپی یا الکترونیکی در اختیار معلمان قرار گیرند تا به‌صورت خودخوان استفاده شوند. مرکز ارزیابی حرفه‌ای معلمان هم می‌تواند برای اطمینان از ایجاد مهارت‌های لازم در آن‌ها، آزمون‌هایی را متناسب با ارزیابی آن حرفه و مهارت برگزار کند؛ یعنی آزمون‌ها لزوماً کتبی نباشند. سپس گواهی لازم به معلمان داده شود. به این ترتیب، معلمان خود را به‌روز می‌کنند و آموزش و پرورش می‌تواند به‌طور مرتب خود را ارتقا دهد.

البته به‌نظر می‌رسد امروزه دنیا نقش معلم را فراتر از نقش انسانی متکلم و وحده در کلاس می‌بیند. نقش معلم در کلاس مانند نقش مربی فوتبال در مسابقه است که خودش فوتبال بازی نمی‌کند، بلکه کنار زمین می‌ایستد و بازی را هدایت می‌کند. به‌نظر می‌رسد معلمان باید این رویکرد را که به‌جای رویکرد معلم‌محوری که در کلاس مطرح است بپذیرند؛ رویکردی که معلم نقش هدایتگری دارد و علم با کمک دانش‌آموزان و با هدایت معلم تولید می‌شود، نه طرح موضوع توسط معلم به روش قیاسی. اگر معلم بتواند با طرح پرسش‌های هدایت شده کلاس را به سمت رسیدن به علم ببرد، یادگیری ارزشمندی است و به نظر می‌رسد که رویکرد آموزش و پرورش کشور باید به این سمت متمایل شود.

شما به سه نکته اشاره کردید. نگاه ما به آموزش و پرورش به عنوان سازمانی یادگیرنده، تغییر نگاه معلم و مرکز ارزیابی حرفه‌ای معلمان. آیا آموزش و پرورش چنین نگاهی به خود دارد؟

این را باید مسئولان آموزش و پرورش جواب دهند. اما اکنون آموزش و پرورش به این نقطه رسیده است که باید به تدریج خود را

به سازمانی یادگیرنده تبدیل کند. این رویکرد می‌تواند تحولی در آموزش و پرورش ایجاد کند. بانک جهانی سرمایه‌ها هر کشور را به سه بخش انسانی، فیزیکی و طبیعی تقسیم کرده است. هر کشوری که سهم سرمایه انسانی آن بیشتر باشد به توسعه‌یافتگی نزدیک‌تر است. باید بپذیریم که شرط توسعه‌یافتگی هر کشور نیروی انسانی تربیت شده است. مثلاً در ژاپن سهم سرمایه انسانی ۸۰ درصد، سرمایه فیزیکی ۱۸ درصد و سرمایه طبیعی ۲ درصد است. در حالی که سهم سرمایه انسانی ما ۳۴ درصد است. اگر بخواهیم کشور به سمت توسعه‌یافتگی پیش برویم، مهم‌ترین کار افزایش سهم سرمایه انسانی مان است. لازمه این موضوع تربیت و تقویت زیرساخت‌های سرمایه انسانی است که در آموزش و پرورش صورت می‌پذیرد. دانش‌آموزی که امروز در کلاس حاضر می‌شود، بیست سال بعد سرمایه انسانی ما خواهد بود. اگر بپذیریم که آموزش و پرورش زیرساخت منابع انسانی را تشکیل می‌دهد، آن وقت توجه به آن باید خیلی بیش از حالا باشد. سهم آموزش و پرورش از جی‌ان‌پی (تولید ناخالص ملی) نسبت به میانگین جهانی سهم کمی است و تا جایی که من اطلاع دارم ۳/۵ درصد است. در حالی که میانگین جهانی نزدیک به ۵ درصد است. به نظر می‌رسد، به‌عنوان یک اولویت جدی برای کشور،

باید هر سال به سهم آموزش و پرورش از جی‌دی‌پی (تولید ناخالص داخلی) یک تا دو دهم درصد افزایش یابد تا در سال ۱۴۰۴ به میانگین جهانی برسیم.

با این مقدمه که آموزش و پرورش زیرساخت سرمایه انسانی کشورها را تأمین می‌کند، باید به این نکته اشاره کنم که آموزش و پرورش شش رکن دارد:

معلم، مدیریت، محتوای آموزشی، مقررات و ضوابط آموزشی، فضای آموزشی و تجهیزات، و بودجه. با نبود یا ضعف این پنج رکن آموزش و پرورش تعطیل نمی‌شود، اما اگر معلم نباشد آموزش و پرورش تعطیل است. پس سهم سرمایه انسانی اصل است. دانش‌آموز امروز زیرساخت این سرمایه انسانی است و این معلم است که دانش‌آموز را تربیت می‌کند. یعنی اگر بخواهیم کشور را توسعه‌یافته کنیم، باید امروز به معلم توجه کنیم. بی‌توجهی امروز به معلم، ما را از توسعه‌یافتگی بازمی‌دارد. اولویت امروز آموزش و پرورش کشور نیروی انسانی آن یعنی معلم است، اما متأسفانه امروزه معلم‌های ما انگیزه پایین و مهارت حرفه‌ای پایین دارند. معلم ما پاسخگوی نیاز دانش‌آموز امروز نیست. ما باید این دو نقیصه را مدنظر قرار دهیم و برنامه‌های آموزش و پرورش کشور را بر مبنای رفع این دو تجهیز کنیم. کمبود انگیزه و مهارت حرفه‌ای معلمان باید جبران شود، وگرنه هیچ امیدی برای آینده آموزش و پرورش و در نتیجه آینده کشور نمی‌توان داشت.

دانش‌آموز امروز زیرساخت این سرمایه انسانی است و این معلم است که دانش‌آموز را تربیت می‌کند

آموزش‌های ضمن خدمت نتوانسته‌اند در این زمینه پاسخگوی مناسبی باشند؟

برخی از آموزش‌های ضمن خدمت، بلندمدت هستند که دریافت مدرک تحصیلی بالاتر را در پی دارند. اثربخشی این آموزش‌ها، به دلیل اجبار در ارائه بعضی سرفصل‌ها، پایین است، اما معلمان انگیزه خوبی برای شرکت در آن‌ها دارند چون مدرک تحصیلی‌شان ارتقا پیدا می‌کند. اما آموزش‌های ضمن خدمت کوتاه‌مدت اگر براساس نیاز معلمان طراحی شوند اثربخشی بالایی دارند. در حالی که معلمان برای شرکت در این کلاس‌ها انگیزه ندارند، چون فکر می‌کنند در حقوق و مزایای آن‌ها تأثیری ندارد. بنابراین، باید نقاط قوت آموزش‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در هم تلفیق شود.

تلفیق این دو به آموزش‌های پودمانی منجر شد.

گواهی این آموزش‌ها باید در حقوق و مزایا تأثیر بگذارد و اجزایی از یک دوره تحصیلی تلقی شود. مثلاً گذراندن چند صد ساعت دوره آموزشی برای یک معلم لیسانس به معادل مدرک فوق لیسانس تبدیل شود. یعنی به‌عنوان دوره بالاتر تلقی شود و نظام استخدامی کشور هم آن را بپذیرد. از طرف دیگر، چون ما نیازها را سنجیده و آموزش‌ها را خوب طراحی کرده‌ایم، اثربخشی خوبی هم خواهد داشت.

هر مدل ساده آموزش چهار رکن دارد. یک رکن محتواسـت که باید خوب طراحی شود و براساس نیازسنجی آموزشی باشد. رکن دیگر اجراست. باید دید دوره را چه کسی و با چه روشی تدریس می‌کند. کسی که این دوره‌ها را آموزش می‌دهد باید تجربه معلمی داشته باشد. یکی دیگر از ارکان روش آموزش است. ساده‌ترین روش

آموزش همان روش سنتی^۱ است. در حالی که آموزش برخی مهارت‌ها به معلم با این روش مناسب نیست و روش‌هایی مانند کارگاه آموزشی یا فیلم یا ایفای نقش مناسب هستند. چهارمین رکن، ارزیابی آموزش است که نشان می‌دهد چقدر به هدفمان نزدیک شده‌ایم. معمولاً در پایان آموزش‌های ضمن خدمت امتحان کتبی گرفته می‌شود. امتحان کتبی چطور می‌تواند نشان دهد که ما به هدفمان رسیده‌ایم؟ هدف از آموزش‌های ضمن خدمت ایجاد رفتار در معلمان است که ارزیابی آن با امتحان کتبی ممکن نیست.

باید به این نکته اشاره کنم که تغییر رفتار دو نوع اختیاری و اجباری دارد. تغییر رفتار اجباری براساس ضابطه است که خیلی اثربخش نیست. تغییر رفتار اختیاری هم چهار فاز دارد که شامل تغییر دانش، تغییر نگرش، تغییر رفتار فردی و در نهایت تغییر رفتار گروهی است. یعنی برای ایجاد تغییر رفتار گروهی در معلمان باید دانش، بینش و رفتار فردی‌شان را اصلاح کنیم، اما خیلی وقت‌ها ما در مرحله تغییر دانش

متوقف می‌شویم. کلاس‌های ضمن خدمت ما خیلی از این ارکان را ندارند، بنابراین اثربخش نیستند.

شما به دو ویژگی معلمان اشاره کردید: انگیزه و مهارت حرفه‌ای پایین. حال که ما در آستانه تحول هستیم، پیش‌بینی سند تحول بنیادین برای رفع این مشکلات چیست؟

اشاراتی به این موضوع داشته اما شاید پیش‌نیاز تحقق سند تحول بنیادین، تحول در نیروی انسانی آموزش و پرورش است. کلید تحول در سازمان، تحول در منابع انسانی است. کلید سند تحول و ارتقای آموزش و پرورش دست معلمان است. اولویت جدی آموزش و پرورش از حالا تا سال‌های آینده، «معلم» است. اگر بخواهیم در آموزش و پرورش تحول ایجاد شود باید همه انرژی دولت و نظام صرف معلم شود. از معلمی که انگیزه کار ندارد نمی‌توان انتظار ایجاد تحول داشت. وقتی معلم امروز پاسخگوی سؤال نوجوان و جوان دبیرستانی نیست، نمی‌توان انتظار داشت خروجی‌های آموزش و پرورش، ورودی‌های خوبی برای آموزش عالی و جامعه باشند. بنابراین تکرار می‌کنم که راه رسیدن به توسعه یافتگی در کشور از طریق تحول و ایجاد انگیزه و افزایش مهارت حرفه‌ای معلمان امکان‌پذیر است.

چطور می‌توان انگیزه را در معلمان ایجاد کرد؟

در مدیریت بحثی با عنوان تعلق خاطر شغلی^۲ مطرح است. رساله‌ای دکترای در این باره داریم که مواردی را پیش‌بینی کرده است که اگر اعمال شوند، تعلق خاطر کاری افراد افزایش

می‌یابد. بعد از تحلیل پرسش‌نامه‌ها به نتیجه خیلی خوبی رسیدیم، از جمله اینکه یکی از دلایل نداشتن تعلق کاری این است که رئیس‌ان صلاحیت ندارند و کارمندان این را حس می‌کنند. وقتی انسان می‌داند کارمند یک فرد باکمال، باسواد، مدیر و مدبر و باتجربه است، باآرامش کار می‌کند، تا اینکه احساس کند رئیسش از او چند درجه پایین‌تر است. بنابراین، در آموزش و پرورش و دستگاه‌های دیگر باید مدیران در همه رده‌ها نزد زیرمجموعه خود محبوبیت و مقبولیت داشته باشند. یعنی کارکنان مدرسه احساس کنند مدیر هم سواد، هم تقوا و هم تجربه‌اش بیشتر است و هم مدیریتش خوب است. این موردی جدی در تعلق خاطر شغلی است. به بیان دیگر، مدیریت یعنی انتصاب صحیح؛ یعنی هر کسی را باید جای خود گذاشت که به گفته امام علی (ع) یکی از مصادیق عدل است.

در بحث انگیزه باید چهار کار برای معلمان انجام دهیم و مشکلات مسکن معلمان، مصرف، درمان و تأمین هزینه تحصیلی فرزندان را

پیش‌نیاز تحقق سند تحول بنیادین، تحول در نیروی انسانی آموزش و پرورش است

می‌کنیم. معلم باید به چه چیزهایی بپردازد که بتواند زندگی محور با دانش آموز کار کند؟

ابتدا باید به این سؤال جواب دهیم که آیا به این نقطه رسیده‌ایم که باید بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت کنیم یا نه؟ تا وقتی جامعه سعادت دانش‌آموزان را در راهیابی به دانشگاه می‌داند، هر چه در اسناد بنویسید، جامعه راه خود را می‌رود. هدایت تحصیلی بر علاقه، استعداد و نیاز جامعه استوار است که در ایران باید نظر والدین را هم به آن‌ها اضافه کرد. جامعه هنوز به این موضوع نرسیده که آموزش‌ها باید زندگی محور باشند. اکنون همه جهت‌گیری‌های معلمان و مدارس ما به ناچار به سمت قبولی بچه‌ها در کنکور بوده است. تا وقتی جامعه چنین چیزی می‌خواهد، چاره‌ای جز دانشگاه‌محوری نداریم. برای تغییر دید و نگاه جامعه باید فرهنگ‌سازی کرد که به پروژه‌های فرهنگی-اجتماعی نیاز دارد. پس از آنکه زمینه‌های فرهنگی را در جامعه ایجاد کردیم، آموزش و پرورش باید مدارس و معلمان را برای این موضوع آماده کند. **امروزه رسانه‌های جدید مسائل جدی را برای آموزش و پرورش ایجاد کرده‌اند. در یک تقسیم‌بندی از دنیای مجازی، عده‌ای بومی و عده‌ای مهاجر هستند. امروز بومی‌های دنیای مجازی دانش‌آموزان اند و معلمان**

و حتی اولیا مهاجران هستند. یعنی بچه‌ها خیلی بهتر از ما می‌توانند با رسانه‌های جدید کار کنند. این بدان معناست که مهاجران که زبان و فرهنگ و قوانین این دنیا را نمی‌دانند، به راهنمایانی برای بومی‌ها تبدیل شده‌اند! شاید اگر به همین منوال پیش برویم، معلم از لحاظ معنوی جایگاه خود را از دست بدهد.

در مورد موضوع آ‌ی تی خیلی از کشورها از جنبه سخت‌افزاری وارد شده‌اند و شکست خورده‌اند، در حالی که ابتدا باید معلم آموزش ببیند و بعد سخت‌افزارها را وارد مدارس کرد. بعد از طرح موضوع هوشمندسازی خیلی از مدارس تابلوی مدرسه هوشمند را بر سر در خود زده‌اند. در این میان، برخی شرکت‌ها هم تجهیزات خود را فروختند. من معتقد بودم ابتدا باید در هر مدرسه یک کلاس را هوشمند کرد تا هر معلمی که آمادگی دارد کلاسش را در آن برگزار کند. در کنار این موضوع، مدرسه باید همه انرژی خود را صرف آموزش معلمان کند. یعنی اول باید معلم مهارت استفاده از سخت‌افزار را پیدا کند. بنابراین، راه تحول در آموزش و پرورش، تحول در نیروی انسانی آن است.

پی‌نوشت

1. Classroom
2. Engagement
3. Life Skills

حل کنیم. اگر این چهار کار را برای معلمان انجام دهیم، به افزایش انگیزه آن‌ها کمک کرده‌ایم. مرکز ارزیابی حرفه‌ای هم برای افزایش مهارت‌هاست. اگر طرح رتبه‌بندی معلمان را هم به این مرکز گره بزنیم، در افزایش حقوق و انگیزه آن‌ها مؤثر خواهد بود. اگر محبوبیت و مقبولیت مدیران را هم دنبال کنیم به چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌رسیم.

ما دانش‌آموزانمان را برای زندگی در آینده تربیت می‌کنیم. با توجه به تغییرات فناورانه، آموزش و پرورش در تولید محتوای خود و تربیت نیروی انسانی برای پرورش بچه‌ها برای زندگی در آینده باید به چه نکاتی توجه کند؟

یکی از ارکان آموزش و پرورش تجهیزات است که فناوری آموزشی هم در آن جای می‌گیرد. اما بدانید که همین الان آزمایشگاه و تجهیزات آزمایشگاهی کمی در مدارس نداریم که استفاده نمی‌شوند. پس کلید اصلی در دست معلم است.

از سوی دیگر، حدود ۹۲ تا ۹۵ درصد از بودجه آموزش و پرورش حقوق معلمان است و با ۵ درصد بقیه کاری نمی‌توان کرد؛ به‌خصوص که ما بودجه کیفیت‌بخشی نداریم. زمانی که معاون متوسطه بودم، بودجه کیفیت‌بخشی را گرفتیم که خیلی مؤثر بود و طرح‌هایی مثل پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، تجهیز مدارس لازم‌التوجه و... از همین بودجه اجرا شدند. به نظر می‌رسد لازمه بحث امکانات و تجهیزات، افزایش بودجه و افزایش سهم آموزش و پرورش از جی‌دی‌پی است.

حال اگر بخواهم به سؤال شما در سطح خرد جواب دهم، باید به بحث مهارت‌های زندگی^۳

اشاره کنم که باید بومی و آموزش آن از دوره‌های پایین‌تر شروع شود؛ ضمن اینکه نباید این موضوع را با کتاب آموزش دهیم. شاید برای آموزش مهارت‌های زندگی کتاب معلم نیاز داشته باشیم، اما کتاب دانش‌آموزی نه. خیلی از مهارت‌های زندگی باید به رفتار تبدیل شوند که به‌وسیله کتاب امکان‌پذیر نیست، بلکه از طریق الگوسازی امکان دارد که باز هم از دست معلم برمی‌آید. اگر معلم در میان دانش‌آموزان جایگاه مناسبی داشته باشد، همه رفتارهایش الگو خواهند بود. پس باید برای دوره‌های تحصیلی هدف‌گذاری کنیم و برای مهارت‌های زندگی کتاب معلم هم بنویسیم. معلم باید بداند هدف هر فعالیت چیست تا با انجام هر عملی بچه‌ها را تعلیم دهد؛ تعلیمی که به تغییر رفتار بینجامد. **مدتی است آموزش و پرورش دچار چرخش شده است. تا به حال روال این بوده که ما دانش‌آموزان را برای ورود به آموزش عالی آماده می‌کرده‌ایم. اما الان نه فقط به سمت دانشگاه‌محوری بلکه به سمت زندگی‌محوری هم حرکت**

خیلی از مهارت‌های زندگی باید به رفتار تبدیل شود که به‌وسیله کتاب امکان‌پذیر نیست، بلکه از طریق الگوسازی امکان دارد که باز هم از دست معلم برمی‌آید

اگر بپذیریم که آموزش و پرورش زیرساخت منابع انسانی را تشکیل می‌دهد، آن وقت توجه به آن باید خیلی بیش از حالا باشد



نخستین المپیاد علمی خواندن برگزار شد

سمانه آزاد

المپیادی برای خواندن

اردیبهشت ماه امسال بود که با خبر شدیم گروهی از دست‌اندرکاران اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران (در اسلام‌شهر) با حضور و همکاری گروه زبان و ادب فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی دست به کار شده‌اند و برای اولین بار المپیاد علمی خواندن ویژه دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی را برگزار کرده‌اند. برای اینکه بدانیم این اندیشه چگونه شکل گرفته و تا رسیدن به اجرا چه مراحل را گذرانده است، با رضا خاتمی، مسئول دبیرخانه ادبیات شهرستان‌های استان تهران، به گفت‌وگو نشستیم؛ کسی که نخستین بار فکر برگزاری چنین المپیادی را ارائه داد و تا آخرین مرحله اجرا در کنار دانش‌آموزان شرکت‌کننده حضور داشت.

و استانی برگزار شد. مرحله آموزشگاهی که در همه مدارس راهنمایی شهرستان‌های استان تهران برگزار شد، خود به دو بخش درک مطلب (کتبی) و شفاهی تقسیم می‌شد. در بخش درک مطلب، دانش‌آموزان مطالبی را می‌خواندند و به سؤالاتی درباره متن پاسخ می‌دادند. در قسمت شفاهی نیز متن‌هایی را به نظم و نثر می‌خواندند و براساس فرم‌های داوری قضاوت می‌شدند. دانش‌آموزانی که امتیاز کافی به‌دست می‌آوردند، به مرحله منطقه‌ای راه می‌یافتند. این مرحله اسفندماه سال گذشته و به همان شیوه مرحله آموزشگاهی برگزار شد.

اما مرحله سوم و استانی که با حضور ۸۲ دانش‌آموز راه یافته به این مرحله برگزار شد، با دو مرحله قبلی تفاوت عمده‌ای داشت. در این مرحله ما از آزمون‌های استاندارد پرلز استفاده کردیم. در واقع، سؤالات، ترجمه سؤالات آزمون پرلز بود. در بخش اول از این مرحله، دانش‌آموزان مطالبی را که از پیش ضبط شده بود در آزمایشگاه شنیدند و به سؤالاتی درباره همان متن، به صورت کتبی

♦ هدف از برگزاری المپیاد علمی خواندن چه بود؟

یک واقعیت غیرقابل انکار در آموزش و پرورش، ضعف سطح سواد خواندن دانش‌آموزان ما در هر سه پایه است. مؤید این موضوع، نتایج آزمون پرلز (سنجش سواد خواندن) و تجربه‌های معلمان در کلاس‌های درس است. بسیاری از معلمان معتقدند دانش‌آموزان گرچه جمله را می‌خوانند، اما از آن برداشتی ندارند. مثلاً معلمان ریاضی بارها عنوان کرده‌اند که بچه‌ها صورت مسئله‌های ریاضی را نمی‌فهمند و به همین دلیل نمی‌توانند آن‌ها را حل کنند. اما وقتی مسئله را برایشان تشریح می‌کنیم، به راحتی می‌توانند جواب را پیدا کنند. همه این‌ها ما را بر آن داشت تا بالاخره از جایی شروع و نخستین المپیاد علمی خواندن را در سه مرحله در شهرستان‌های استان تهران برگزار کنیم.

♦ گفتید المپیاد در سه مرحله برگزار شد. درباره این سه مرحله توضیح دهید؟

المپیاد علمی خواندن در سه مرحله آموزشگاهی، منطقه‌ای

پاسخ دادند. سپس بخش شفاهی برگزار شد که طی آن مطالبی را به نظم و نثر خواندند و داوران درباره آن‌ها قضاوت کردند.

◆ در بخش شفاهی از چه منابعی استفاده کردید؟ آیا آن‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار داده بودید؟

بله. در قسمت نظم، مطلع غزل‌ها را مشخص کرده و در اختیارشان گذاشته بودیم. بخشی از شاهنامه هم جزو منابع بود. از مجموعه «صدای پای آب» سهراب سپهری نیز بخش‌هایی را در اختیارشان قرار داده بودیم. برای قسمت نثر، قسمتی از کتاب داستانی «خمره» اثر هوشنگ مرادی کرمانی، «باب سوم گلستان» سعدی و نیز بخش‌هایی از کتاب فارسی‌شان را انتخاب کرده بودیم.

◆ داور براساس چه ملاک‌هایی صورت گرفت؟

در قسمت کتبی جواب‌ها مشخص بودند و پاسخ‌نامه‌ها براساس کلید تصحیح شدند. اما در بخش شفاهی ۱۱ معیار را مشخص کرده بودیم که داوران براساس آن‌ها عملکرد دانش‌آموزان را ارزیابی کردند. در این بخش، مواردی مانند نحوه و لحن خواندن متن، تأثیرگذاری بر مخاطب، نحوه شروع و به پایان بردن، بی‌غلط خواندن، خلاقیت و نوآوری، توجه به موسیقی و آه‌ها و بهره‌گیری از زبان بدن حین خواندن را به عنوان ملاک و معیار در نظر گرفته بودیم.

◆ سطح شرکت‌کنندگان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خوشبختانه دانش‌آموزانی که به این مرحله راه پیدا کردند، در سطح خوبی بودند. در میانشان چند نفر واقعاً استثنا بودند و در سطح بسیار بالایی قرار داشتند.

نکته قابل توجه این است که در میان شرکت‌کنندگان، هم دانش‌آموزان مدرسه‌های تیزهوشان، استعدادهای درخشان و مدارس غیردولتی حضور داشتند و هم دانش‌آموزان مدارس عادی. برخلاف آنچه به نظر می‌رسید، عملکرد دانش‌آموزان مدارس عادی در این المپیاد خیلی بهتر از دانش‌آموزان مدارس استعدادهای درخشان بود. ما در این المپیاد شاهد استعدادهایی بودیم که برای خودمان هم جالب بود. دانش‌آموزانی به مرحله سوم المپیاد راه پیدا کردند که به گفته معلم و مدیرشان، از دانش‌آموزان ضعیف مدرسه بودند، اما استعداد خوبی در این زمینه داشتند. می‌توان گفت یکی از کارکردهای این المپیاد کشف استعدادها هم بود. معلمان

هم اذعان داشتند که پس از برگزاری مراحل نخست المپیاد نحوه خواندن دانش‌آموزان فرق کرده است.

◆ در اجرای المپیاد با مشکل یا محدودیتی هم روبه‌رو بودید؟

این کار با مشکلات خاصی همراه بود. البته همکارانمان در استان تلاش کردند مشکلات مانع کارمان نشوند. مثلاً برای ضبط کردن بخش شنیداری، یعنی مکالمه‌ها و متن‌های المپیاد که کار سختی بود، مشکلاتی داشتیم. همچنین، ما ترجیح می‌دادیم که بخش شنیداری مرحله‌های اول و دوم هم مانند مرحله سوم برگزار شود، اما به دلیل اینکه بسیاری از مدارس آزمایشگاه زبان (لابراتوار) ندارند، سؤالات را به صورت کتبی در اختیارشان قرار دادیم.

◆ اگر المپیاد گسترش پیدا کند در دوره ابتدایی هم برگزار می‌شود؟

اتفاقاً آزمون‌های سراسری پرلز در پایه چهارم ابتدایی و سوم راهنمایی برگزار می‌شود. به همین دلیل، ما دوره راهنمایی را انتخاب کردیم. سرگروه‌های دوره ابتدایی هم که در روز برگزاری المپیاد حضور داشتند، از آن استقبال کردند. امیدواریم برگزاری این دوره، سنگ بنای مناسبی باشد تا المپیاد را در آینده در دوره‌های تحصیلی دیگر هم برگزار کنیم.

◆ نفرات برتر المپیاد چگونه مشخص شدند؟

از آنجا که امسال نخستین سال برگزاری المپیاد بود، معیارها را به گونه‌ای تنظیم کردیم که دانش‌آموزان بیشتری تشویق شوند.

عکاس: اعظم لاریجانی





درس پژوهی؛ الگویی برای پرورش حرفه‌ای معلمان

دکتر ابوالفضل بختیاری

پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

کبری مصدقی نیک

مدرس دانشگاه و پژوهشگر آموزش و پرورش منطقه ۱ تهران

با کمترین هزینه و حداکثر بازدهی آموزشی، همراه با خلاقیت و نوآوری، چالش پیش روی مدیران و سیاست‌گذاران نظام‌های آموزشی است. توجه به ارتباط مدرسه و جامعه و برقراری تعامل اثربخش میان آموزش مدرسه‌ای با زندگی اجتماعی، مأموریت اصلی اغلب برنامه‌های اصلاحات آموزشی کشورهای جهان است. پژوهش‌های آموزشی بیش از برنامه‌های درسی به معلم و فرایند تعامل او با دانش‌آموزان توجه دارند و بر غنی‌سازی یادگیری تأکید می‌کنند. در این رویکرد، همه در کلاس و مدرسه در حال یادگیری از هم و حتی یادگیری از دانش‌آموزان هستند (ایده ژاپنی). الگوی درس پژوهی به عنوان الگویی مؤثر برای ترویج و غنی‌سازی یادگیری در مدرسه در حال حاضر نظر بسیاری از اندیشمندان جهانی را برای ایجاد تحول در آموزش به خود جلب کرده است. درس پژوهی الگوی ژاپنی پژوهش مشارکتی معلمان در مدرسه و کلاس درس برای بهسازی مستمر آموزش، غنی‌سازی یادگیری و پرورش حرفه‌ای معلمان است. این روش، پژوهشی است که بر چرخه یادگیری گروهی، کیفی، مشارکتی و مداوم کارگزاران آموزشی استوار است.

ارزیابی داده‌های پژوهشی سرکار آرانی در کشورهای آمریکا، سنگاپور، هنگ کنگ، انگلستان و ایران نشان می‌دهد که درس پژوهی برای خلق محیط شوق‌انگیز یادگیری در مدرسه الگویی اثربخش است.

معلمان از طریق درس پژوهی یاد می‌گیرند چگونه از یکدیگر بیاموزند و در تجربه‌های آموزشی و تربیتی یکدیگر سهیم شوند. آن‌ها بدین ترتیب می‌توانند با بازاندیشی در رفتارهای آموزشی خود، راه‌های بهتری برای یاد دادن و یاد گرفتن بیابند و به تولید دانش حرفه‌ای بپردازند. درس پژوهی

«درس پژوهی» موضوعی است که در چند دهه گذشته کارگزاران آموزشی، به‌ویژه معلمان و دبیران بیش از پیش به آن توجه کرده‌اند. یکی از دغدغه‌های مریبان تربیتی، صاحب‌نظران، کارشناسان و سیاست‌گذاران، بهبود فرایند یاددهی-یادگیری است. تبدیل مدرسه به سازمان یادگیرنده و اینکه همه از هم و دبیران هم از همتایان خود یاد بگیرند، ایده و الگویی است که در «درس پژوهی» قابل مشاهده است. در این نوشتار درس پژوهی به عنوان شیوه‌ای برای پژوهش مشارکتی دبیران و روشی برای پرورش حرفه‌ای معلمان و کارگزاران آموزشی مطرح می‌شود.

آخرین یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که یادگیری کلید ورود به جامعه دانش محور است. در این فرایند یادگیری از همدیگر به صورت مشارکتی سازمان‌دهی می‌شود و در عمل ظرفیت مدرسه برای گسترش یادگیری سازمانی (مدرسه یادگیرنده)، تولید دانش حرفه‌ای، شوق یادگیری و تغییر در مدرسه و گسترش ظرفیت تغییر خود پایدار افزایش می‌یابد. همچنین به این ترتیب، بهسازی مداوم آموزش، بازاندیشی عمل تدریس و بهبود یادگیری دانش‌آموز تحقق می‌یابد. یکی از چالش‌های مهم نظام‌های آموزشی، افزایش کارایی و بهبود کیفیت عملکرد آن در فرایند توسعه منابع انسانی است. اما مهم‌تر از آن، وجود آموزگاران و دبیران با کیفیت بالاست. موضوع دیگر نیز برانگیختن علاقه دانش‌آموزان به موضوع درسی با استفاده از فعالیت‌های جذاب است.

ما در تدریس دقیق مهارت‌های غنی‌سازی فرهنگ آموزش، احساس صلاحیت بیشتری می‌کنیم، زیرا آموخته‌هایمان را به کار بسته‌ایم. دستیابی به راهکارهای غنی‌سازی فرهنگ آموزش و افزایش کارایی نظام آموزشی

مراحل اجرای درس پژوهی

۱. تشخیص مسئله (بررسی موقعیت پژوهشی)
۲. تعیین هدف (انتخاب موضوع، بررسی محتوا، تدقیق عنوان)
۳. طراحی درس (برنامه‌ریزی، طراحی آموزشی)

ده گام اساسی در فرایند درس پژوهی

۱. تشکیل گروه، تقسیم کار و مسئولیت اعضای گروه
۲. تعیین هدف پژوهش
۳. تعیین ماده و موضوع درس
۴. تدوین طرح درس اولیه توسط اعضای گروه
۵. اجرای اولین تدریس: در این مرحله سناریوی نوشته شده توسط یکی از اعضای گروه درس پژوهی، به گروهی از دانش‌آموزان تدریس می‌شود. در ضمن تدریس، سایر اعضای گروه و ناظران، از نکات مثبت و منفی تدریس، عکس‌العمل‌های دانش‌آموزان، سؤالات آنان و... یادداشت برمی‌دارند.
۶. گزارش‌نویسی و نقد و بررسی اولین تدریس: در پایان تدریس، تا حد امکان جلسه‌ای تهیه‌ی گزارش در همان محل انجام و از نظرات معلم مجری و دانش‌آموزان نیز استفاده می‌شود. در خاتمه مفسر نهایی جمع‌بندی را انجام می‌دهد.
۷. بازنگری مجدد طرح درس و اصلاح آن: در این مرحله، گروه درس پژوهی چهار گام اساسی پیش رو دارد. جمع‌آوری و بازبینی اطلاعات مانند یادداشت‌ها، مشاهدات اعضای گروه و ناظران، کار دانش‌آموزان، فیلم تدریس و...
- پس از آن، فرد مسئول باید کلیه نکاتی را که به تغییر نیاز دارد به صورت برجسته در طرح درس بگنجانند و به اطلاع اعضا برسانند تا در نهایت طرح درس نهایی تدوین و آماده‌ی اجرای مجدد شود.
۸. اجرای دومین تدریس و تمرکز بر تهیه‌ی گزارش مجدد.
۹. گزارش‌نویسی و نقد و بررسی دومین تدریس: در این مرحله، علاوه بر فرایند گزارش‌گیری، تفاوت میزان درک و یادگیری دانش‌آموزان، دسترسی مطلوب به اهداف درس و اثربخشی آن ارزیابی می‌شود.
۱۰. دریافت بازخورد، بازتاب و پیامدهای تدریس: مرحله‌ی نهایی در فرایند درس پژوهی، تهیه‌ی گزارشی از ۹ گام قبلی است. این جریان می‌تواند شواهد بررسی شده را مستندسازی کند و دانش حرفه‌ای کسب شده توسط گروه را در عمل شرح دهد.
- درس پژوهی الگوی بهسازی عمل کارگزاران آموزشی است که بر پژوهش، یادگیری گروهی و مشارکتی و مداوم معلمان (دبیران) شامل تبیین مسئله، طراحی، بازاندیشی عمل و بازبینی یافته‌ها استوار است. در این شیوه، معلمان مسائل آموزشی مدرسه را بررسی و پرسش‌های پژوهشی در کلاس درس را تبیین می‌کنند. سپس طرح درسی را برای انجام پژوهش مشارکتی در آموزش پیشنهاد می‌کنند. آنگاه آن را اجرا و مشاهده می‌کنند و سپس به ارزیابی و بازاندیشی فرایند تدریس می‌پردازند.

با درگیر ساختن معلمان در فرایند تبیین مسئله، طرح نقشه، عمل، مشاهده، بازاندیشی و بازنگری، فرهنگ مشارکتی حرفه‌ای را ارتقا می‌دهد. در این الگو، معلمان در شناسایی، تبیین، طراحی آموزشی و عمل، مشارکت فعال دارند و از هم یاد می‌گیرند. مدرسه یادگیرنده در عمل تحقق می‌یابد و معلمان هم شوق یادگیری پیدا می‌کنند.

بسیاری از معلمان در این فرایند فرصت می‌یابند نوشته‌های خود را درباره‌ی آموزش و یادگیری مرور کنند و با بازاندیشی مشارکتی در آن‌ها، نمونه‌های حرفه‌ای تازه‌ای خلق کنند. معلمان در این فرایند به همکاری با محققان در حمایت از ترویج تفکر نظام‌مند و انتقادی تشویق می‌شوند. مادامی که توجه اصلی معلمان به فرایند یاددهی-یادگیری باشد، علاقه بیشتری به یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس پیدا می‌کنند. این شیوه از پژوهش موجب ارتقای آگاهی معلمان می‌شود و آنان خود را یادگیرنده، محقق عملگرا و تصمیم‌گیرنده راهبرد آموزش و تولیدکننده دانش حرفه‌ای در مدرسه می‌دانند. معلم به عنوان کارگزار فکور به بازاندیشی عمل تربیتی خود می‌پردازد. در این فرایند، معلمان همچنین در محیطی شوق‌انگیز، با بازاندیشی و مسئولانه به بهسازی فرهنگ مدرسه کمک می‌کنند، ظرفیت خود را برای تبدیل از نقش آموزگار به یادگیرنده و رهبری فرایند یادگیری تغییر می‌دهند، رهبری آموزشی را برای تفکر نوآورانه، خلاقانه و غنی‌سازی یادگیری حمایت می‌کنند و به عنوان رهبران تحول در مدرسه به پرورش و توسعه مهارت‌هایشان ادامه می‌دهند.

درس پژوهی به گسترش ارزش‌های گفت‌وگویی حرفه‌ای با دیگران، به رسمیت شناختن انواع گرایش‌ها و تنوع قابلیت‌های افراد، تأکید بیشتر بر خودگردانی امور، خودپایداری تغییر، خودبازاندیشی عمل و خودآموزی و ترویج فرصت‌های اختیار و مسئولیت در برابر مدرسه در مدارس کمک می‌کند. اگر می‌خواهید آموزش را بهبود بخشید، اثربخش‌ترین جا برای چنین کاری، کلاس درس است. بهبود در کلاس درس در درجه اول اهمیت قرار دارد.

درس پژوهی در ژاپن تاریخچه‌ای طولانی مدت دارد. «درس پژوهی» عنوان پایان‌نامه دکترای یوشیدا در ژاپن بود که به بررسی گروه‌های درس پژوهی در مدرسه ابتدایی (ستا) در هیروشیما پرداخته است. به طور کلی، درس پژوهی شکل اولیه‌ای از رشد حرفه‌ای معلمان در ژاپن و هدف آن بهبود مستمر آموزش است تا دانش‌آموزان بتوانند مطالب بهتر و بیشتری بیاموزند. همچنین، تمرکز اولیه آن بر نحوه «تفکر و یادگیری» دانش‌آموزان است.

زمانی که درس پژوهی در کل مدرسه انجام گردید، بهسازی، نوسازی و پیشرفت بدون وقفه در بیشتر کلاس‌ها رخ می‌دهد. تمام معلمان در مدرسه از ایده‌ها و دانش یکدیگر سود می‌برند. فرایند یادگیری در سرتاسر تحقیقات و مباحث مربوط به یادگیری کلاس، در ایجاد حس توانایی بیشتر، به معلمان کمک می‌کند.

مأمور ویژه دمپایی

علی اصغر جعفریان

آبمیوه‌ای نیز ردیف شد تا جلسه به این مهمی بدون پذیرایی به پایان نرسد. این پذیرایی که خیلی هم مرسوم نبود به شکوه و جایگاه جلسه افزود. در جلسه قرار بر این شد که به هر مأمور چهار برگه برای یک ماه تحویل داده شود؛ به‌طوری که هر برگه برای یک هفته در نظر گرفته شود.

سرتان را درد نیورم، بعد از جلسه طرح به خوبی و خوشی در طول هفته اجرا شد. دانش‌آموزان مدرسه نیز در اولین صبحگاه حسابی نسبت به موضوع توجیه شدند. راستش از خودم تعریف نباشد، طرح بدی از آب درنیامد و نظم و انضباط دمپایی‌های مدرسه نسبت به قبل خیلی ترقی کرد و مشکلات به حداقل ممکن رسید. در پایان هفته برگه‌های کامل شده را از مأموران گرفتم و آن‌ها را بررسی کردم. از خواندن برگه یکی از بچه‌ها خیلی یکه خوردم و به فکر فرو رفتم. در آن برگه به نکته ویژه و خیلی جالبی برخورد کردم. من مدت‌ها بود فکر می‌کردم که چرا هر چه از بچه‌ها می‌خواهیم خودشان با زبان خوش و بدون توپ و تشر و تهدید کسر نمره انضباط دمپایی‌ها را در قفسه قرار دهند عده قابل توجهی گوش نمی‌کردند و حالا با دیدن آن برگه به جواب سؤالم نزدیک شدم. دانش‌آموز مأمور عزیز ما اسامی تعدادی از معاونان، معلمان و مسئولان مدرسه را هم ثبت کرده بود و جلوی اسم بعضی‌ها هم چند ضربدر درشت به معنای تکرار بی‌نظمی زده بود. یعنی این عزیزان در طول هفته چند بار فراموش کرده بودند که دمپایی خود را در قفسه بگذارند. این برای من خیلی جالب بود که چقدر آن دانش‌آموز در کارش وظیفه‌شناس و دقیق بوده و به نحو احسن از پس مسئولیتش برآمده است. در دلم به او آفرین گفتم و تصمیم گرفتم در اولین فرصت در صبحگاه، تشویقش کنم.

از آن روز به بعد تصمیم گرفتم هرگاه از دانش‌آموزان انجام کاری را می‌خواهم و انتظار دارم، اول خودم آن را انجام دهم و مراقب باشم، آنگاه از دانش‌آموزان انتظار حرف شنیدن داشته باشم. ما معلمان باید خیلی حواسمان را جمع کنیم. بچه‌ها بیشتر به اعمالمان نگاه می‌کنند و از آن می‌آموزند تا کلاممان. هیچ کدام از ما تافته جدا بافته نیستیم.

مدرسه ما در یکی از غربی‌ترین مناطق تهران قرار دارد. شکل و شمایل ساختمان و داخل آن کمی با مدارس معمولی تفاوت دارد. مثلاً ساختمان آن بیشتر به منزل مسکونی شبیه است تا به مدرسه. واقعیت این است که اساساً این ساختمان را برای سکونت ساخته بوده‌اند تا برای مدرسه.

سرتاسر مدرسه به‌جز حیاط و سرویس‌های بهداشتی پوشیده از موکت است. موکت را به دلایل بهداشتی و استفاده بهینه از فضا در نظر گرفته‌اند. من در این مدرسه کمی عجیب و غریب ناظم هستم. ناظم بودن در این جور مدرسه‌ها هم داستان خودش را دارد. باید بیایید و از نزدیک ببینید که چه اندازه برقرار کردن نظم و انضباط در چنین مکان پرماجرایی دنگ و فنگ دارد.

در مدرسه ما هر دانش‌آموز برای خود یک جفت دمپایی دارد که در قفسه مخصوصی به نام خود دانش‌آموز قرار می‌گیرد. صبح‌ها بچه‌ها وقتی از خانه به مدرسه می‌آیند، کفش‌ها را در قفسه‌های مخصوص کفش قرار می‌دهند و به کلاس می‌روند و تا زمانی که بخواهند به منزل بروند دیگر با آن‌ها کاری ندارند. آن‌ها در زنگ‌های تفریح هم دمپایی می‌پوشند. کارکنان مدرسه، دبیران و حتی اولیا نیز در این باره از دانش‌آموزان مستثنا نیستند و دمپایی می‌پوشند.

خب، حتماً تا حالا متوجه شده‌اید که برقراری نظم در این مدرسه آن قدرها هم کار آسانی نیست. کافی است نیمی از بچه‌ها بعد از زنگ تفریح دمپایی‌ها را در قفسه مخصوص قرار ندهند. آن وقت است که کوهی از دمپایی جلوی راهروهای ورودی ساختمان تلنبار می‌شود که تا ظهر هم وقت برای جفت کردن و قرار دادن آن‌ها در قفسه‌ها کم است.

برای اینکه به این معضل بزرگ برخورد کنیم، من فکر بکری کرده‌ام و از بین دانش‌آموزان علاقه‌مند و باعرضه تعدادی را به‌عنوان مأمور انتظامات دمپایی انتخاب یا به‌قولی انتصاب کرده‌ام. لازم به ذکر است در اینجا نهایت سلیقه‌ام را به کار گرفته و برگه انتظامات تر و تمیزی طراحی کرده و به‌دست بچه‌های انتظامات داده‌ام تا هرکس دمپایی‌های خود را در قفسه نگذاشت اسمش در برگه نامه اعمال! ثبت و ضبط و بعد به پرونده اعمال دانش‌آموز (دفترچه

انضباطی) منتقل شود تا در پایان ترم، موقع دادن نمره انضباط، به خدمتش رسیدگی شود تا دیگر دانش‌آموزی هوس نکند دمپایی خود را روی زمین رها کند و دنبال یللی و تللی برود. البته برای اینکه کار خوب و آبرومند پیش برود جلسه‌ای با‌عنوان جلسه توجیهی مأموران زحمتکش و ایثارگر دمپایی هم ترتیب دادم و



جشنواره عصر خلاق

چگونه می توان هم از آموختن به دیگری و هم از آموختن از دیگری لذت برد؟

محمد شاکر
مهدی رضاییان
سعید سادروانان

آموزش غیررسمی	آموزش رسمی	دگرگونی های سریع علم و فناوری و نیاز به انسانی متفکر که باید خود را با تغییرات غیرقابل پیش بینی و شرایط پیچیده آینده سازگار کند، ما را به طراحی و اجرای فعالیت های نوین آموزشی در کنار فعالیت های سنتی و تعریف شده ملزم می سازد تا در آن بتوان به صورت عملی و مؤثر به مقوله های مهارت و خلاقیت پرداخت.
۱. آموزش غیررسمی آموزش در بطن زندگی است.	۱. آموزش رسمی (مدرسه ای) غیرخلاقانه است.	جشنواره عصر خلاق، پیشنهادی عملی برای کشف و پرورش تفکر خلاق در فضایی متفاوت، جذاب و عمومی برای هر نوع سلیقه، جنس، شخصیت و سن و سال و متناسب با اهداف آموزش و پرورش است. شرکت در فرایند آموزشی عصر خلاق موجب پرورش ذهن و خلاقیت شرکت کنندگان می شود که معمولاً در فضای آموزش رسمی، به خاطر وجود رویکرد تفکر همگرا و بی توجهی به تفاوت های فردی، چندان توجهی به آن نمی شود. فعالیت های عصر خلاق ترکیبی جذاب و شگفت آور از آموزش و بازی است؛ به طوری که بازی به عنوان مؤثرترین روش آموزش به کودکان با ایجاد موقعیت های واقعی برای یادگیری همراه می شود. این فعالیت ها مکمل برنامه های آموزشی مدرسه ها هستند و غالباً راه حل ها و پاسخ های از پیش تعیین شده ندارند. بر این اساس می توانند تفکر واگرا را فعال کنند تا هر فرد برای هر مسئله راه ها و پاسخ های متعددی بیابد. بخشی از فعالیت های جشنواره عصر خلاق برای ایجاد ارتباط مؤثر با خانه، آموزش غیررسمی، طراحی شده اند.
۲. آموزش غیررسمی یادگیری در موقعیت های واقعی و متنوع است.	۲. آموزش رسمی به خاطر محدودیت ها و چارچوب های ساختاری اش به دانش آموز کمتر اجازه ابراز وجود می دهد.	و پرورش تفکر خلاق در فضایی متفاوت، جذاب و عمومی برای هر نوع سلیقه، جنس، شخصیت و سن و سال و متناسب با اهداف آموزش و پرورش است. شرکت در فرایند آموزشی عصر خلاق موجب پرورش ذهن و خلاقیت شرکت کنندگان می شود که معمولاً در فضای آموزش رسمی، به خاطر وجود رویکرد تفکر همگرا و بی توجهی به تفاوت های فردی، چندان توجهی به آن نمی شود. فعالیت های عصر خلاق ترکیبی جذاب و شگفت آور از آموزش و بازی است؛ به طوری که بازی به عنوان مؤثرترین روش آموزش به کودکان با ایجاد موقعیت های واقعی برای یادگیری همراه می شود. این فعالیت ها مکمل برنامه های آموزشی مدرسه ها هستند و غالباً راه حل ها و پاسخ های از پیش تعیین شده ندارند. بر این اساس می توانند تفکر واگرا را فعال کنند تا هر فرد برای هر مسئله راه ها و پاسخ های متعددی بیابد. بخشی از فعالیت های جشنواره عصر خلاق برای ایجاد ارتباط مؤثر با خانه، آموزش غیررسمی، طراحی شده اند.
۳. آموزش غیررسمی یادگیری با توجه جدی به آمادگی یادگیرنده شکل می گیرد.	۳. مدرسه در برنامه های آموزشی اش تفاوت های فردی را کمتر به رسمیت می شناسد و به همه ارکان آموزشی از جمله دانش آموزان، اولیا و معلمان نگاهی عام و تعریف شده دارد.	برای آشنایی بیشتر با فرایند آموزشی جشنواره عصر خلاق، تفاوت آموزش های رسمی و غیررسمی و همچنین یادگیری از طریق بازی در ادامه آمده است.
۴. آموزش غیررسمی نوعی انتخاب براساس علاقه های فردی برای یادگرفتن به چشم می خورد که باعث لذت بردن فراگیرنده از روند یادگیری می شود.	۴. آموزش رسمی مرزهای مشخصی دارد و معمولاً اصراری برای بیرون رفتن از این مرزها وجود ندارد.	
۵. آموزش غیررسمی یادگیرنده در وضعیتی یگانه، ممتاز و منحصر به فرد قرار می گیرد و بیشترین اعتماد به نفس را پیدا می کند.	۵. آموزش مدرسه ای معمولاً به بخشی از طیف هوش های ما که بیشتر هوش های زبانی - کلامی و ریاضی منطقی است می پردازد.	
۶. آموزش غیررسمی یادگیرنده خود مسئول یادگیری خود است.	۶. روش های آموزش های مدرسه ای مستقیم، عبوس و ارزیابی کننده است.	
۷. فرایند یادگیری در آموزش غیررسمی با توجه به ویژگی های یادگیرنده تعریف می شود و فراگیرنده را نسبت به مضمون ها و موضوع های یادگیری ارجح می داند.	۷. در آموزش های مدرسه ای تحمیل و اجبار باعث خراب شدن ارتباط عاطفی بین یاددهنده و یادگیرنده می شود و آموزش را که در ذات خود بسیار لذت بخش است به فعالیتی کسالت آور تبدیل می کند.	
۸. آموزش غیررسمی بر فلسفه لذت یادگیری خلاق مبتنی است.	۸. برنامه های آموزش مدرسه ای انعطاف ندارد و آماده نبودن یادگیرنده در آن مطرح نیست.	
۹. حضور یادگیرنده در فضاهای آموزش غیررسمی واقعی و داوطلبانه است.	۹. حضور عناصر انسانی در فضاهای آموزش رسمی مثل مدرسه حضوری نسبی است، در حالی که برای مناسبات آموزشی برتر نیازمند حضور واقعی هستیم.	



عصر خلاق

جشنواره

در مدرسه (۱)

عصر خلاق، عصر پیروزی و تجربه است، نه پیروزی و شکست



یافتن عدد پی



به جای دانشمندان،
غیاث الدین جمشید کاشانی

جدول کلمات



شاخص هوش زبانی کلامی در نظریه هوش‌های چندگانه،
کلمه است.

معمای شطرنج



مهارت در بازی شطرنج،
از نشانه‌های افراد دارای هوش فضایی مکانی است.

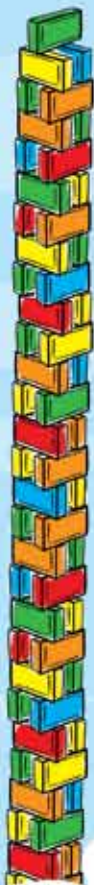
سال ۱۳۹۲
شماره ۱
آموزش

متوسطه

۲۴

برج سازی

تمرکز و تسلط از ابزارهای صعود به قله تفکر خلاق است.



مثلث طلایی



شاخص هوش منطقی ریاضی عددی است.

تنگرام



در تفکر همگرا
انسان همواره در پی یافتن
یک جواب صحیح برای هر معماست.

عمل توپ



ایجاد نشاط از طریق فعالیت‌های تفننی
در بطن فعالیت‌های آموزشی
یک ضرورت است.

تعادل پایدار



هر وسیله‌ای می‌تواند
یک ابزار کمک آموزشی باشد.

دور قضایای



طراحی یک نقشه راه منحصر به فرد،
برای رسیدن به موفقیت ضروری است.

رنجیر کلمات



افراد خلاق در مقابل محدودیت‌ها
انعطاف‌پذیرند.



چند نکته درباره یادگیری از طریق بازی

- میان خلاقیت و بازی رابطه مستقیم وجود دارد.
- در فرایند تدریس خلاق و طراحی فعالیت‌های آموزشی برتر، بازی یک اصل است.
- سرگرمی و بازی یکی از مؤثرترین روش‌های غیررسمی آموزش مفاهیم علمی به فراگیرنده است.
- بعضی از مهم‌ترین ایده‌ها برای اولین بار با هدف بازی شکل گرفته‌اند.
- در بازی شادی وجود دارد و ماندگارترین یادگیری‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که یادگیرنده شاد است.
- یکی از نتایج بازی لذت بردن است و لذت بردن باعث موفقیت می‌شود.
- در بازی یا می‌بریم یا یاد می‌گیریم، باختن وجود ندارد.
- بازی‌های فکری تمرین‌هایی هستند که مغز را برای تفکر سریع و هوشمند آماده می‌کنند و می‌توانند توانایی حل مسئله و قدرت تصمیم‌گیری ما را افزایش دهند.
- بازی صرفاً امکانی برای سرگرمی و تفریح تلقی نمی‌شود، تدابیری که برای دستیابی به موفقیت در انواع بازی به کار می‌روند، در زندگی واقعی نیز قابل اجرا هستند.
- هدف هر بازی خلاق بازسازی موقعیتی در زندگی واقعی است.

عصر خلاق چیست؟

- عصر خلاق یک المپاد بازی‌های آموزشی است.
- عصر خلاق مجموعه‌ای است از کارگاه‌های حل مسئله و بازی‌های فکری.
- برنامه‌های عصر خلاق، شامل ایستگاه‌هایی با فعالیت‌های متفاوت و متنوع در همه شاخه‌ها و حوزه‌های آموزشی است.
- عصر خلاق عصر پیروزی و تجربه است، نه پیروزی و شکست.
- وظیفه اصلی بازی‌های عصر خلاق آموزش غیرمستقیم است.
- برنامه‌های عصر خلاق مکمل برنامه‌های آموزشی مدرسه‌هاست.
- هدف نهایی عصر خلاق ایجاد فرصت برای ابراز وجود براساس علاقه‌ها و مهارت‌های نهفته دانش‌آموزان است.
- فعالیت‌های عصر خلاق بر پایه ترکیب تفکر، تحرک و تفنن استوار شده است.
- ارزیابی و بررسی عملکرد افراد در فرایند آموزشی عصر خلاق موجب ایجاد خودآگاهی از توانمندی‌ها، علاقه‌ها و مهارت‌های افراد می‌شود.

«چگالی» بهانه‌ای برای ایجاد اشتیاق در یادگیری

هیا علیزاده
دبیر علوم منطقه ۶ تهران

از اهداف اساسی تدریس علوم تجربی این است که مهارت دانش آموز در ارتباط دادن مفهوم مورد تدریس با پیرامون خود، تحلیل و تفسیر برخی پدیده‌ها و نیز حس پرسشگری او تقویت شود و او برای کشف پاسخ با اشتیاق بکوشد.

در این راستا کلاس با موضوع «چگالی» فرصت خوبی است تا این گونه مهارت‌های دانش آموز به چالش کشیده شود. با طرح درسی مناسب می‌توان از این فرصت به خوبی استفاده کرد.

چگالی از جمله کمیت‌هایی است که دانش آموز در درک آن با مشکل روبه‌رو می‌شود. بسیاری از افراد تفاوت بین دو کمیت چگالی و جرم را نمی‌دانند و معمولاً چگالی را همان جرم می‌پندارند. از این رو، از پرسش‌های متداول دانش آموز از معلم در حین تدریس چگالی، این است که «آیا چگالی همان سبک و سنگینی است؟!»

بنابراین، با توجه به شناختن دانش آموزان خود طرح درس را باید به نحوی تدوین کنیم که در درک بهتر دانش آموز از مفهوم چگالی مؤثر باشد. در اینجا یک نمونه نحوه تدریس برای بیان مفهوم چگالی که جزو مباحث علوم هفتم است، پیشنهاد می‌شود.

در فرایند پیشنهادی ما روش‌های انجام آزمایش (واقعی و مجازی)، پرسش و پاسخ و پروژه به کار رفته‌اند.

اهداف کلی در نظر گرفته شده برای دانش آموز عبارت‌اند از اینکه دانش آموز در پایان این درس بتواند: ۱. مفهوم چگالی را درک کند؛ ۲. برخی پدیده‌های مربوط به شناوری را با استفاده از مفهوم چگالی توجیه کند؛ ۳. از درک مفهوم چگالی احساس لذت کند.

کلاس با یک آزمایش جالب شروع می‌شود و با بحث و گفت‌وگو درباره آن ادامه می‌یابد. به منظور ترغیب دانش آموز برای انجام پروژه پیش می‌رود و از آنجا وارد توجیه برخی پدیده‌های شناوری و معرفی چگالی می‌شود. سپس برای وارد شدن به محاسبات، دانش آموزان آزمایشی را طراحی می‌کنند و انجام می‌دهند. بعد هم داده‌ها را ثبت می‌کنند و با توجه به آن‌ها محاسبات لازم را انجام می‌دهند.

شرح

دو بشر هم اندازه با حجم آب مساوی که در یکی از آن‌ها مقداری نمک حل شده است، به همراه یک عدد تخم مرغ و استوانه مدرج و گلوله فلزی به کلاس می آوریم. به دانش آموزان نمی گوییم که در یکی از بشرها محلول آب نمک ریخته ایم. می خواهیم خود آن‌ها این موضوع را کشف کنند. تخم مرغ را یک بار در آب خالی و یک بار در محلول آب نمک می اندازیم و از دانش آموزان می خواهیم مشاهداتشان را یادداشت و سپس بیان کنند. آنان می پرسیم: چرا تخم مرغ در یک ظرف روی آب و در دیگری در عمق آب قرار گرفت؟! (یادآور می شویم که هر دو تخم مرغ سالم هستند).

شکل ۱.



به دانش آموزان اجازه مشاهده دقیق تر و کشف ذرات نمک در آب را می دهیم. لازم است آن‌ها را به گونه ای هدایت کنیم که برای پرسیدن سوالاتشان اعتماد به نفس داشته باشند؛ سوالاتی مثل:

۱. نمک چه اثری در آب دارد که منجر به چنین نتیجه ای شده است؟
۲. آیا با مواد دیگر مانند شکر و فلفل یا مایعاتی مانند الکل و آبلیمو همین نتیجه حاصل می شود؟
۳. می توان کاری کرد که تخم مرغ در وسط آب بماند؟ و...

طرح چنین پرسش هایی از طرف دانش آموزان برای شکل گیری پروژه و کار گروهی بسیار مناسب است. برای همین از آن‌ها می خواهیم در راستای پیدا کردن پاسخ های خود دست به انجام آزمایش بزنند و هر گروه نتیجه کار خود را برای جلسه بعد ارائه کند.

با این کار دانش آموز فرصت طراحی آزمایش پیدا می کند. از این پروژه ها می توان به عنوان قسمتی از کارهای علمی دانش آموز در نمایشگاه مدرسه بهره برد که برای او تجربه بسیار خوبی است. به این ترتیب، موضوع پروژه او برآمده از پرسش خود او یا هم کلاسی هایش است و نه موضوعی که معلم به او تکلیف کرده است. یافتن پاسخ چنین پرسش هایی به دانش آموز این حس را می دهد که فرد مؤثری است و از یادگیری لذت بیشتری می برد.

به آزمایش برمی گردیم، تخم مرغ را خارج می کنیم و گوی فلزی را یک بار در آب و بار دیگر در محلول آب نمک می اندازیم. این بار می پرسیم که: آیا تا به حال فکر کرده اید که کشتی به آن بزرگی که در ساختمانش از فلزات استفاده شده است، چگونه روی آب شناور می ماند؟!

در اینجا به دانش آموزان اجازه می دهیم به صورت گروهی درباره این پرسش و پیدا کردن پاسخ آن بحث کنند و اشارات آن‌ها را ثبت می کنیم؛ اشاراتی همچون: کشتی های غول پیکری وجود دارند که هواپیما می تواند روی آن‌ها فرود آید بدون اینکه کشتی غرق شود (به ابعاد و سنگینی کشتی اشاره می کنیم و تجربه های هنگام شنا را روی تخته ثبت می کنیم).

جریان کلاس را به گونه ای پیش می بریم که با راهنمایی های ما دانش آموزان به مفهوم جدیدی پی ببرند؛ نه اینکه به طور مستقیم منظور ما را درک کنند و لذت کشف در آن‌ها از بین برود. در همین راستا از آن‌ها می پرسیم: سنگینی کشتی کدام کمیت است؟

اگر برخی از آن‌ها به جای جرم به وزن اشاره کردند، در همین جا به تصحیح مفهوم وزن می پردازیم و اینکه با جرم متفاوت است. هر جا با کج فهمی مواجه شویم، بهتر است همان موقع با حوصله مشکل را حل کنیم. سپس از دانش آموزان می پرسیم: ابعاد کشتی و بزرگی آن یادآور چه کمیتی است؟ فرصت می دهیم آن‌ها به حجم اشاره کنند. بدین ترتیب، به دانش آموزان فرصت داده ایم مفاهیم جرم و حجم را بازبینی کنند. در اینجا چگالی را به عنوان کمیتی که بین جرم و حجم ارتباط برقرار می کند معرفی می کنیم و با گفتن اینکه چگالی با این دو، به ترتیب، رابطه مستقیم و معکوس دارد (فرمول ۱) می رسم:

$$\text{فرمول ۱.} \quad \text{چگالی} = \frac{\text{جرم}}{\text{حجم}}$$

اکنون به بحث درباره دلیل شناور ماندن کشتی روی آب می پردازیم و می گوییم: «با وجود جرم زیاد کشتی آن را به گونه ای طراحی می کنند که وقتی جرم آن را بر حجمش تقسیم می کنیم، از چگالی آب کمتر می شود. به این ترتیب کشتی روی آب می ماند.»

حال از دانش آموزان می خواهیم پدیده ای را که در آزمایش تخم مرغ و آب مشاهده کردند تشخیص دهند تا به چگالی کمتر تخم مرغ نسبت به آب و نمک پی ببرند.

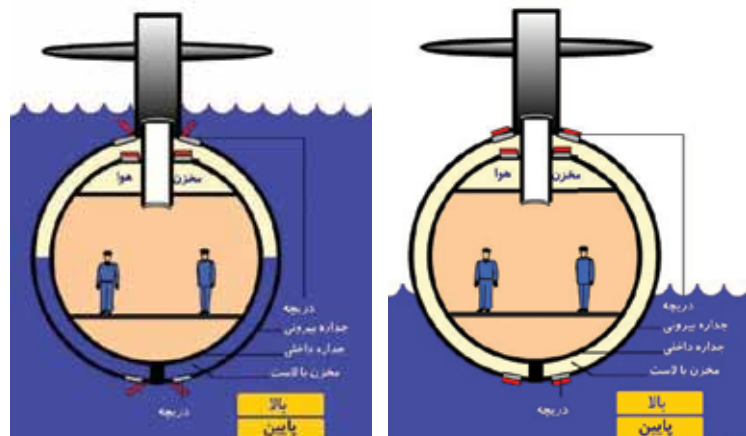
با توجه به اینکه در حال حاضر برخی سایت های آموزشی برای کمک به یادگیری دانش آموزان راه اندازی شده اند، استفاده از آن‌ها در کلاس با توجه به امکانات مدرسه یا پیشنهاد استفاده از آن به دانش آموز در منزل، او را در درک بهتر مطلب کمک می کند، علاوه بر اینکه برخی دانش آموزان وقتی از ابزارهای رایانه ای برای یادگیری استفاده می کنند نسبت به موضوع اشتیاق بیشتری نشان می دهند و برای فراگیری آن وقت بیشتر می گذارند.

شکل ۲. شناوری جسم جامد در مایع (وب سایت چپستا).



یک زیردریایی می‌تواند هم به عمق آب برود و هم روی آب شناور بماند؟! به دانش‌آموزان فرصت می‌دهیم فرضیه‌های خود را طرح کنند. درباره آن‌ها بحث می‌کنیم و بحث را طوری هدایت می‌کنیم که دانش‌آموزان به تغییر چگالی اشاره کنند. سپس باید به تغییر جرم زیردریایی از طریق ورود و خروج آب به آن و در نتیجه تغییر چگالی آن نسبت به آب برسیم. از آنجا که فرمول (۱) نمایانگر یک کسر است، وقتی جرم افزایش یابد، در حالی که حجم (همان ابعاد زیردریایی) ثابت است، صورت کسر بزرگ‌تر می‌شود. بنابراین چگالی آن افزایش می‌یابد و به عمق فرو می‌رود.

در این قسمت از تدریس، با دادن فرصت فرضیه‌سازی به دانش‌آموزان، می‌توانیم تشخیص دهیم که آیا مفهوم چگالی را درک کرده‌اند یا نه. زیرا تنها وقتی آن‌ها فرصت بیان داشته باشند می‌توانیم از آنچه فراگرفته‌اند آگاه شویم. همچنین، با اشاره و تأکید بر کسری بودن رابطه چگالی، آموخته‌های ریاضی آن‌ها را فراخوانی می‌کنیم و یادآور می‌شویم که کاربرد آموخته‌هایشان به کلاس ریاضی محدود نیست، بلکه این آموخته‌ها ابزاری هستند که می‌توان برای توجیه پدیده‌ها از آن‌ها استفاده کرد. در نتیجه، در ارتباط برقرار کردن بین آموخته‌ها نیز به دانش‌آموز کمک کرده‌ایم.



شکل ۳. ب) زیردریایی و شناوری (زیر آب) (وبسایت چیستا).

شکل ۳. الف) زیردریایی و شناوری (روی آب)

در جلسه بعد که دانش‌آموزان تحقیقات خود را آوردند، در ابتدا کلاس را به آن‌ها می‌سپاریم تا از آنچه تجربه کرده‌اند صحبت کنند و نتایج کار خود را به کلاس ارائه دهند.

سپس برنامه کلاس را با این پرسش ادامه می‌دهیم:

سؤال: چطور می‌توان چگالی یک گلوله فلزی را به دست آورد؟ به آن‌ها فرصت می‌دهیم در ابتدا به شکل گروهی برای حل پرسش آزمایشی را طراحی کنند. منظور از طراحی آزمایش، اشاره به کمیت‌های مورد نیاز برای اندازه‌گیری و نحوه اندازه‌گیری آن‌هاست.

در برخی گروه‌ها ممکن است با شرايطی مواجه شویم که دانش‌آموزان احساس کنند هیچ راه‌کاری ندارند. در این صورت بهتر

است آن‌ها را به‌طور غیرمستقیم هدایت کنیم تا به نتیجه برسند، زیرا اگر جواب را مستقیم به آن‌ها بگوییم داده بسیار مهمی در آموزش از دست می‌رود و آن اینکه نمی‌توانیم دانش‌آموزان را در جایگاهی که قرار گرفته است بشناسیم و به مشکلات او پی ببریم. همین‌طور فرصت لذت بردن از تلاش برای حل مسئله را از او می‌گیریم. بعد از اینکه طراحی آزمایش‌ها به نتیجه رسید، جرم گلوله را با ترازو و حجم آن را نیز با استوانه مدرج و آب (انداختن گلوله در آن و جابه‌جا شدن آب هم حجم گلوله) اندازه می‌گیریم. در این راستا به واحدهای اندازه‌گیری حجم مانند سانتی‌متر مکعب (سی‌سی یا میلی‌لیتر) و مترمکعب و ارتباط این واحدها با یکدیگر و همچنین نحوه خواندن حجم آب در استوانه مدرج اشاره می‌کنیم.

بعد از ثبت اندازه‌گیری‌ها، با استفاده از فرمول چگالی که در جلسه پیش به دست آورده بودیم، به محاسبه می‌پردازیم. همچنین توضیح می‌دهیم که واحد چگالی از واحد کمیت‌های جرم و حجم که در فرمول آن وجود دارند به دست می‌آید تا دانش‌آموز واحد به کار رفته برای چگالی، یعنی گرم بر سانتی‌متر مکعب (gr/cm^3) یا کیلوگرم بر مترمکعب (kg/m^3) را بهتر درک کند.

سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم جدول چگالی مواد را در کتاب علوم خود مشاهده، مقایسه و پیش‌بینی کنند که هر کدام از آن مواد آب چه رفتاری نشان می‌دهد؛ شناور می‌شود یا در عمق آب فرو می‌رود؟ درک درست دانش‌آموزان از مفهوم چگالی، در یادگیری مفاهیمی همچون جریان همرفتی در مباحث گرما نقش مهمی بازی می‌کند و دانش‌آموز را قادر می‌سازد پدیده‌های مربوط به آن را بهتر تحلیل کند. بنابراین، توجه در نحوه تدریس این مباحث اهمیت بسزایی دارد.

نتیجه‌گیری

بهتر است قبل از اینکه وارد محاسبات و واحدهای اندازه‌گیری مربوط به یک کمیت شویم دانش‌آموز را با مفهوم آن کمیت آشنا سازیم و او را در مسیری قرار دهیم که فرمول برای او به ابزاری برای توجیه پدیده‌ها (نه یک موجودیت مجزا از مفهوم) تبدیل شود. همچنین، از جمله اهداف مهمی که در تدریس دنبال می‌کنیم باید کشف کج‌فهمی‌های دانش‌آموز از مفاهیم گذشته و برطرف کردن آن‌ها باشد. همچنین باید آن‌ها را به گونه‌ای هدایت کنیم که از آموخته‌های پیشین خود برای رسیدن به مفهوم مورد تدریس استفاده کنند، آن‌ها را به عنوان ضرورت برای تحلیل پدیده‌ها کشف کنند و از اینکه می‌توانند با مفهومی که فراگرفته‌اند به تحلیل و تفسیر پدیده‌ها بپردازند لذت ببرند. این نشاط است که می‌تواند دانش‌آموز را در ادامه فرایند یادگیری ترغیب کند.

پی‌نوشت

۱. در صورت لزوم دانش‌آموزان را با مفهوم کمیت به عنوان چیزی که قابل اندازه‌گیری است و واحدی به آن اختصاص دارد آشنا می‌کنیم.

پروژه علمی مورچه و گربه

آزاده فخری
دبیر شیمی منطقه شهر قدس

جزوه‌ای شکیل و زیبا جلوی من بگذارند و نمره کلاسی تضمین شده‌شان را از من بگیرند.

زنگ خورد و موضوع من روی دستم باد کرد: استخراج

اسید فرمیک یا جوهر مورچه از مورچه‌های تهران!

زنگ بعد دیدم خوشبختانه خبر موضوع کذایی ما به کلاس‌های

دیگر هم رسیده است. بچه‌های کلاس بعدی بهتر با قضیه برخورد

کردند. از جمله اینکه حسابی در مورد اسیدفرمیک کنجاکاو شده بودند.

برایشان گفتم که این اسم از روی «فرمیکا»ی لاتینی به معنی مورچه

گرفته شده است، چون اسیدفرمیک یا متانوئیک اسید، یک اسید با

فرمولی ساده است که اولین بار اواخر قرن هفده از تقطیر مورچه‌های

مرده به دست آمده است. بچه‌ها کلی سؤال پیچم کردند که: «آیا

فقط مورچه این اسید را دارد؟» عده‌ای هم در زمینه

مورچه‌خوری! و طعم ترش مورچه به نقل خاطرات خود

پرداختند و برای من و بقیه بچه‌ها که موضوع باورمان

مدتی بود که اعلان جشنواره دانش‌آموزی خوارزمی را به در و دیوار

مدرسه نصب کرده بودم، ولی تا زمانی که حرف از نمره تشویقی و امتیاز

نزدم، کسی برای ثبت‌نام مراجعه نکرد. بعد هم که بچه‌ها به امید نمره

بیست کلاسی دور و برم را پر کردند، برای موضوع التماس دعا داشتند.

هیچ کدام موضوعی در ذهن نداشتند و اصرار می‌کردند که من

فهرستی بلند بالا برای موضوعات علمی پیشنهاد بدهم تا حضرات یکی

را از میان آن‌ها انتخاب کنند!

بعد از کلی حرف و حدیث، دیدم چاره‌ای نیست! کار کار خودم است.

برای همین فی‌البداهه و فقط برای مثال، موضوع ساده‌ای را که به

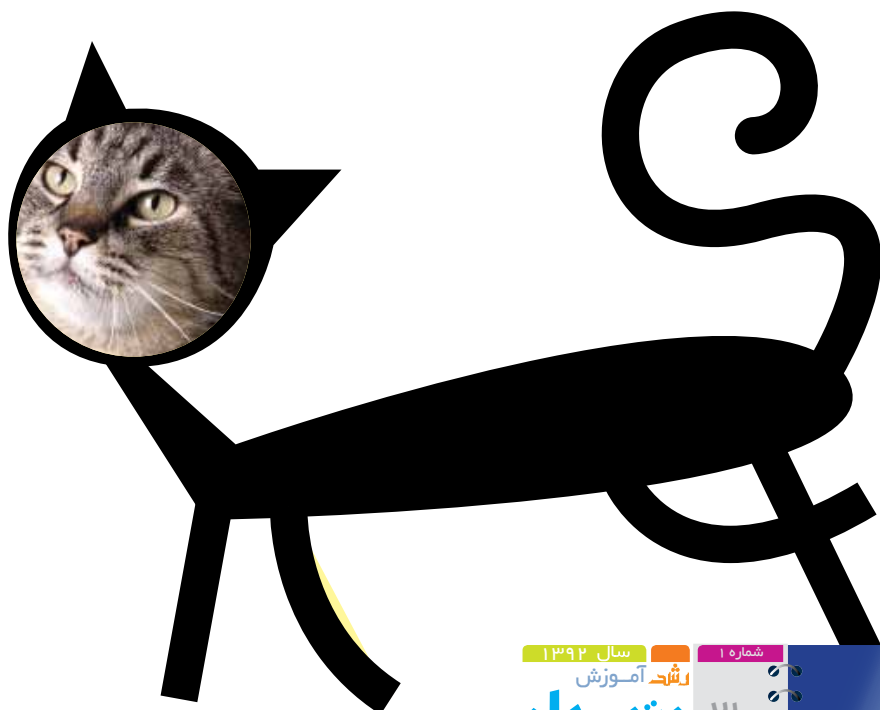
ذهنم رسید روی تخته سبز کلاس نوشتم. قیافه‌ها دیدنی بود. چند دقیقه

سکوت! بعد انفجار اعتراض!

دخترها خیلی دلشان می‌خواست من تعدادی موضوع «نظری» یا

به قول خودمان «کتابخانه‌ای» پیشنهاد بدهم تا با مراجعه به کافی‌نت

و صرف اندکی - یا حتی مقدار قابل توجهی - پول کاغذ و صحافی،



نمی‌شد، قسم می‌خوردند که خاطره‌هاشان واقعی است و برادرهایشان آن‌ها را برای خوردن مورچه اغفال کرده بودند!

دو نفر از دانش‌آموزان ریز نقش من که درس‌خوان بودند و خیلی هم به نمره تشویقی احتیاج نداشتند، آمدند و برای استخراج جوهر مورچه اسم نوشتند. کمی صحبت کردیم و حتی قرار شد که علاوه بر مورچه، در فکر استخراج اسید فرمیک از گزنه و نیش زنبور هم باشند. برای طعمه جمع کردن مورچه به آن‌ها پیشنهاد دادم که از تکه‌های گوشت یا دنبه استفاده کنند. زنگ سوم هم به‌خوبی و خوشی در حال طی شدن بود، دانش‌آموزان این کلاس از ماجراهای دو زنگ قبلی درس عبرت گرفته بودند. آن‌ها هیچ حرفی از جشنواره و نمره تشویقی نزدند تا خودشان را به دردرس تحقیقات علمی دچار نکنند. من داشتم می‌گفتم «بیوگاز» را تدریس می‌کردم که مفهوم جدیدی بود: «بچه‌های عزیزم، اگر از کنار مرداب رد شده باشید...»

- خانم ما رد نشده‌ایم!

- خانم مرداب کجا هست؟! بریم رد بشیم!

- عزیزانم! من گفتم اگر! حالا ول کنید اصلاً! همین جوی‌های کثیف و بوگندوی خودمان... همین بو، بخشی از آن بیوگاز است.

- خانم محله ما جوی آب نداره!

- خانم! کوچه ما داشت. شهرداری اومد روشو پوشوند.

- این را بگذاریم کنار! تا به حال از کنار گریه مرده رد شده‌اید؟

و در حالی این مثال به ذهنم رسید که مثل «مرداب» و «جوی فاضلاب»، به این یکی هم امیدی نداشتیم! ولی خوشبختانه روح گریه‌های مرده شهر به کمک آمدند! بعضی از بچه‌ها از کنار گریه مرده رد شده بودند! در آن لحظه به نظرم آمد که بوی گریه مرده دل‌انگیزترین بوی دنیاست!

- بله بچه‌ها! این بو می‌تواند همان بیوگاز باشد. بیوگاز تشکیل شده است از گازهای متان و کربن دی‌اکسید و...

- اجازه خانم! هر جانور مرده‌ای این بو رو می‌ده؟!

- بله، و گاز بعدی...

- خانم، وقتی ما بمیریم هم این بو رو می‌دیم؟!

- راستش، خب بله دیگه!

با چشم‌های درشت سیاهش نگاهم می‌کرد. معلوم بود نمی‌خواهد به راحتی این موضوع را کنار بگذارد تا من نتوانم درس را ادامه بدهم.

- بچه‌ها، گاز متان که یکی از همین گازهاست موجب گرم شدن کره زمین می‌شه. برای همین بهتره اونو بسوزونیم تا به کربن دی‌اکسید تبدیل بشه که از این نظر ضررش کمتره.

- خانم! یعنی ما هم توی قبر گاز متان تولید می‌کنیم؟

- بله خب! یه جورایی.

- می‌شه گاز ما رو هم جمع کنند بسوزوند؟

- دخترم، آخه این چه حرفیه می‌زنی الان؟! یه کم فکر کن به چیزی که مطرح می‌کنی! خودت جواب بده! به نظرت می‌شه؟!

- خانم! ما داشتیم به یه محفظه محکم مثل آکواریوم فکر می‌کردیم.

- آخه کی حاضر می‌شه؟!

- نه خانم! برای آدم که نه! برای گریه مرده! ما می‌خوایم این موضوع تحقیق‌مون باشه خانم!

- که چکار کنی؟ گریه مرده را بگذاری توی آکواریوم، بیوگاز جمع کنی؟!

- بله! یه مکعب درست می‌کنیم. دورشو چسب آکواریوم می‌زنیم! برای

جمع کردن گاز هم یه کاری می‌کنیم دیگه. شما ما رو کمک می‌کنید؟

خواستیم در جوابش بگویم نه! ولی چرا که نه؟! خیلی هم خوب!

گفتم: «باشه عزیزم! فعلاً درس بدم، زنگ که خورد بیا با هم طرحش رو بچینیم!»

زنگ هم خورد و قرار شد دختر شجاع ما یک محفظه ایزوله آکواریومی درست کند که داخلش هم دیده شود. برای تعبیه شیلنگ و نحوه جمع‌آوری بیوگاز روی کاغذ هم چند طرح کشیدیم. حالا مسئله اصلی و اساسی پیدا کردن گریه مرده بود. قرار شد برود خانه و برای حل این مشکل هم فکری بکند.

هفته کاری من گذشت و گذشت تا دوباره به مدرسه مذکور و کلاس‌های شیمی مذکور و دانش‌آموزان مذکور و موضوعات کذایی مذکور رسیدیم.

صبح مدیر آمد و با همه سلام و احوال‌پرسی کرد. روی صورت من اول «اسلوموشن» شد و بعد کاملاً توقف کرد! منتظر لبخندی بودم که در سریال‌ها در لحظات مشابه دیده بودم، ولی مدیر مذکور! گفت: «شما تشریف بیارید دفتر من!»

من هم در همان لحظه تشریفم را بردم دفتر ایشان!

- شما می‌دونید چه هفته‌ای به من و مدرسه گذشته؟!

- نه خبر ندارم، خیره ان‌شاءالله!

- بله! خبر هم می‌شه ان‌شاءالله! می‌دونید ما در جایخی یخچال

مدرسه چه داریم همین الان؟

بی‌اغراق قالب تهی کردم! خیلی بدتر از آن چیزی که در فیلم‌ها و سریال‌ها هست به جان خودم!

پرسیدم: «گریه مرده؟!»

مدیر اول کبود شد، بعد قرمز و بعد به طیف‌هایی از سیر تا ملایم نارنجی تغییر رنگ داد!



- یعنی گربه مرده هم تو برنامه تحقیقاتی شما هست؟! نمی‌دونم! شاید تا به حال اون رو هم آورده باشند!

و پا شد و از دفتر رفت بیرون. واضح است که بی‌معطلی من هم به دنبالش روانه شدم! رفتیم آبدارخانه و ایشان با حرکتی بسیار نمایشی و تأثیرگذار، در یخچال را باز کرد و بعد در کوچک جایی را. یک بسته نایلون پیچ شده را برداشت و روی زمین و جلوی پای من پرت کرد.

گفت: «چه احساسی داره؟»

گفتم: «ببخشید، چی چه احساسی داره؟!»

به جای جواب گفت: «مادر دانش آموز شما همین طوری این بسته رو جلوی پای من پرت کرد!» پرسیدم: «آخه چرا؟»

و خم شدم و نایلون مشکی را کنار زدم. زیر آن هم، توده‌ای نایلون پیچ شده بود که مثل سنگ سفت شده بود. کمی که دقت کردم، توانستم حدس را یقین ببخشم. توده به هم فشرده جنازه مورچه‌های یخ زده! با ناراحتی گفتم: آخه چرا؟

مدیر خیلی حق به جانب گفت: «بله! واقعاً چرا؟!»

من ادامه دادم: «زحمت بچه‌های بیچاره رو هدر داده‌اند! می‌دونید جمع کردن این همه مورچه چقدر زحمت داره؟ طفلکی دخترها.»

مدیر دلخور گفت: «خوب از کسی که این پیشنهادها رو به بچه‌ها می‌ده انتظار دیگه‌ای هم نباید داشته باشم! البته پدر یکی از دخترها هم شریک جرم شماست و بدون اطلاع مادرها، با دخترها رفته‌اند بیابان و این... اه! پاشید لطفاً! و بگید که آیا بسته بعدی که قراره بیاد توی یخچال مدرسه یه گربه مرده خواهد بود؟!»

گفتم: «نه! نخواهد بود!»

و همین‌طور به توده یخ زده مورچه‌ها نگاه می‌کردم. بهتر بود با همین‌ها تقطیر تمرینی انجام می‌دادیم. شاید به نتیجه خوبی می‌رسیدیم. گفتم: «با اجازه، من این بسته را می‌برم آزمایشگاه.»

مدیر دیگر عصبانی شد: «که چه بشود؟!»

- که تقطیرش کنیم برای استخراج «جوهر مورچه».

- شما اول بیا برای من توضیح بده قضیه گربه مرده چی هست؟

معاون مدرسه رسید و داخل بحث شد: «خانم، اجازه بدید ایشون بره سر کلاس. من براتون توضیح می‌دم.»

و رو به من کرد: من نمی‌خواستم خانم مدیر دیگه از این یکی باخبر بشه، ولی انگار خودت بدت نمی‌اومد!

من بسته مورچه‌های مقتول را مثل گنج زیر بغلم زدم و رفتم سمت آزمایشگاه. معاون پشت سرم داد زد: «شما کلاس داری الان!»

دلخور از رفتار بی‌ملاحظه او، گفتم: «واقعاً؟ یادم نبود، ببخشید. این‌ها را بگذارم آزمایشگاه. چشم!»

پشت سرم در حال پیچ‌پیچ با مدیر دور شدند. امیدوار نبودم دیگر چشمم به این مورچه‌ها بیفتد، حدس می‌زدم به محض اینکه من پایم را از آزمایشگاه بیرون بگذارم، سرایدار را می‌فرستند جنازه مورچه‌های مقتول در راه علم را با کمال احترام به نزدیک‌ترین جوی آب در خیابان منتقل و بلکه پرتاب کند! وقتی وارد کلاس شدم، فکر می‌کردم دیگر همه چیز تمام شده است، ولی متأسفانه آنجا هم حرف‌های ناخوشایندی شنیدم. در هفته گذشته، یکی از همکارانم، بعد از اینکه از دعوی مادر بچه‌ها با مدیر باخبر شده بود، از بچه‌ها درباره طرح و برنامه من سؤال کرده و به آن‌ها گفته بود که واقعاً خانم شیمی شما برای همچنین کارهای بی‌ارزشی به شما قول نمره بیست داده است؟!

آن موقع از همکارم دفاع کردم و گفتم که نظر ایشان هم محترم است و احتمالاً متوجه جنبه علمی کار ما نشده‌اند، ولی در روزهای آینده، با شنیدن اظهارنظرهای نیش‌دار و پوزخند همکارانم، به این نتیجه رسیدم که خوش‌بینی و تفکر مثبت هم حد و اندازه‌ای دارد!

در مورد گربه مرده هم دانش آموز شجاع من کارهایی انجام داده بود. در واقع باید بگویم که خیلی کار انجام داده بود. ساخت محفظه آکواریومی را که قرار بود قبر گربه ما بشود، سفارش داده بود، و چون گربه‌های تهران خبر نمی‌دهند که کی و کجا قرار است زیر ماشین بروند یا از گرسنگی و مریضی بمیرند، دخترک در خانه حرف از خریدن «گربه آزمایشگاهی» و بعد قتل او در راه علم زده بود!

خوشبختانه دخترک مادر محترمی داشت که به جای اینکه صبر کند و بعد جنازه گربه را جلوی پای مدیر پرت کند، آمده بود پیش من تا با هم چاره‌ای بیندیشیم! نتیجه این شد که من طی سخنان معقولی، به دانش آموز شجاعم فهماندم که ما چیزی به نام گربه آزمایشگاهی - مشابه موش آزمایشگاهی - نداریم! و اگر بخواهد برای انجام این آزمایش پافشاری کند، ما مجبور به انجام یک قتل درست و حسابی هستیم! و بعد با هم به مرور خاطراتی از گربه‌های زیبای دور و برمان پرداختیم و با تحریک عواطف دخترک، ماجرا به خوبی و خوشی و بدون قتل و خونریزی خاتمه پیدا کرد. اگر بعد از چند هفته ماجرای فاطمه میم پیش نمی‌آمد، داستان مورچه‌ها و بیوگاز می‌توانست مثل یک خاطره بامزه، هراز چندگاهی لبخندی روی لب‌های من و دانش‌آموزان بنشاند، ولی...

ماجرای فاطمه میم
در شماره آینده



ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه

ضرورت توجه به ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان دوره متوسطه در تعیین ساختار نظام آموزشی

دکتر آمنه احمدی

با رویدادهای غیرانتزاعی نیاز ندارد، بلکه می‌تواند عملیات نمادها را در ذهنش انجام دهد. با وجود این، اگرچه نوجوان توانایی تفکر انتزاعی را پیدا می‌کند، اما مغز او هنوز به حد کمال رشد نکرده است.

دوره تخصصی شدن مغز حدوداً از ۱۲ تا ۱۸ سالگی است. بخش‌هایی از آن که به شدت مورد استفاده قرار می‌گیرند، رشد می‌کنند و بخش‌هایی که به کار گرفته نمی‌شوند حذف می‌شوند. زمانی که مغز دانش‌آموزان تخصصی‌تر می‌شود، برنامه‌های درسی باید با تدارک دیدن طیف متنوعی از تجربه‌های یادگیری، امکان پرورش قابلیت‌های دانش‌آموزان را فراهم کند.

می‌تواند پیامدهای درازمدتی در زندگی او داشته باشد.

آغاز نوجوانی با تفکر درباره واقعیت شروع می‌شود. نوجوان می‌کوشد افکار را به سوی احتمالات گسترش دهد. متمایزترین ویژگی تفکر صوری در این دوره، معکوس بودن جهت تفکر بین واقعیت و احتمال است. این ویژگی، نقطه عطفی در رشد ساختار هوش ایجاد می‌کند، زیرا به توازن ثابت و پایدار در تفکر نوجوان می‌انجامد.

عملیات صوری این امکان را به نوجوان می‌دهد تا برای تأیید یا رد فرضیه‌اش گزاره‌ها را ترکیب و متغیرها را جدا کند. او به هیچ وجه به فکر کردن بر حسب اشیا

آموزش در متوسطه با دوره بلوغ همراه می‌شود. دوره بلوغ یا اوایل نوجوانی، زمان رشد جسمانی، عاطفی و عقلانی سریع است، در حالی که اواسط نوجوانی با سازگاری و ثبات بیشتری همراه است و تغییرات رشدی به سمت یکپارچگی شخصیت حرکت می‌کند. تغییرات دوره نوجوانی و نیز ویژگی‌های رشدی نوجوان بر تصمیمات برنامه درسی، تدریس و نیز ساختار مدرسه مؤثر است. بی‌توجهی به نیازهای نوجوان می‌تواند این دوره را برای بسیاری از افراد به دوره‌ای پرمخاطره تبدیل کند، چرا که فرد در نوجوانی برای اولین بار دست به اقدامات یا تصمیماتی می‌زند که



برنامه درسی در دوره اول متوسطه

در چند دهه اخیر برنامه درسی دانش‌آموزانی که در حال گذر از کودکی و ورود به دوره نوجوانی هستند بارها بررسی شده است. یکی از نتایج این بررسی‌ها نیاز به محیطی با کارکردی متمایز برای گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال را تأکید کرده است؛ مدرسه متمایزی که به دبستان یا دبیرستان شباهتی ندارد و در آن از محتوا و روش‌های آموزشی مناسب برای این گروه سنی استفاده می‌شود. پایه‌گذاران آن، این دوره را دوره انتقال بین دبستان و دوره دوم متوسطه تعریف کرده‌اند؛ محیطی که مهم‌ترین چیز در آن یادگیرنده است، نه برنامه و باید فرصت کسب موفقیت برای تمامی دانش‌آموزان فراهم شود. هدف این دوره برآوردن نیازهای شخصی و آموزشی یادگیرندگان دوران بلوغ است. برنامه درسی این دوره باید به این موارد توجه کند:

● توجه به رشد فردی دانش‌آموزان؛
تصريح ارزش‌ها، مهارت‌های کار گروهی، آموزش بهداشت و زندگی خانوادگی در زمان مقتضی، آموزش شغلی؛
● ایجاد فرصت‌هایی برای کاوش و توسعه مهارت‌های اصلی مورد نیاز همگان؛
● توسعه الگوهای یادگیری فردی؛
● پرورش توانایی‌های دانش‌آموزان در یافتن حقایق، سنجیدن شواهد، استنتاج، تعیین ارزش‌ها و استقبال از حقایق جدید؛
● ایجاد فرصت‌های مطالعات بین‌رشته‌ای برای درک نحوه ارتباط حوزه‌های گوناگون دانش بشری.

برنامه درسی این دوره باید فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان تدارک ببیند که آن‌ها خود مسئولیت وضع معیارهای رفتار صحیح و تبعیت از آن را به‌صورت فردی و جمعی بپذیرند. علاوه بر این، برنامه درسی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند هدف‌های واقع‌گرایانه‌ای وضع کنند. همچنین، می‌تواند فرایند آموزش را به‌گونه‌ای سازمان

دهد که آنان را در تحقق بخشیدن به آن هدف‌ها یاری کند. دانش‌آموزان باید بتوانند با طیف متنوعی از بزرگ‌سالانی که می‌توانند با آن‌ها همانندسازی کنند، تعامل برقرار کنند. فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه درسی باید بتوانند امکان کمک به دیگران و شرکت در فعالیت‌های خدماتی را به دانش‌آموزان بدهند. برای این کار می‌توان از پروژه‌های محلی مانند همکاری با یک باشگاه سالمندان یا کمک کردن در یک مهدکودک یا مرکز نگهداری از کودکان با نیازهای ویژه استفاده کرد.

پیشینه ساختار دوره متوسطه در نظام آموزشی ایران

تعلیم و تربیت در ایران به این دلیل که ارتقا تا مراتب عالی از طریق فراگیری علم و دانش میسر می‌شد، و می‌توانست برای افراد اعتبار اجتماعی به همراه داشته باشد، همیشه مورد توجه اقشار اجتماعی بوده است.

۱. از زمان تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ تا سال ۱۳۳۵ ه.ش

جهت‌گیری برنامه‌ها در دوره متوسطه در فاصله زمانی ۱۲۲۸ تا ۱۳۳۵ بیشتر متوجه گسترش آموزش‌های این دوره در سطح کشور بود. در برنامه‌های درسی این دوره تنوع رشته و شاخه‌های تحصیلی وجود نداشت، اما معلمان در انتخاب محتوای آموزشی آزادی عمل داشتند. در این مقطع زمانی، دوره تحصیلی خاصی با عنوان دوره راهنمایی وجود نداشت، اما دوره شش ساله آموزش متوسطه به دو دوره اول و دوم متوسطه تقسیم می‌شد و آموزش‌های این دوره جنبه تخصصی نداشتند. با تأسیس وزارت علوم، دوره متوسطه به دو دوره متوسطه اول و دوم تقسیم شد. دوره اول متوسطه سه سال بود که افراد در صورت گذراندن آن می‌توانستند وارد دوره دوم متوسطه شوند.

۲. از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۷ ه.ش
در طول این دوره زمانی، به دلیل تحولات علمی-صنعتی در سطح جهان و تغییر

جهت‌گیری‌های سیاسی-اقتصادی کشور و تأثیر آن بر تمامی تصمیمات در عرصه‌های گوناگون، از جمله نیاز بازار کار به کارگران نیمه‌ماهر برای کار در صنایع مونتاژ، توسعه بخش بازرگانی و خدمات و نیاز بیشتر به طبقه تکنوکرات در نظام اداری کشور، شاهد تغییرات چشمگیری در برنامه‌های درسی دوره‌های راهنمایی و متوسطه هستیم. مهم‌ترین تغییر، تأسیس دوره راهنمایی تحصیلی در ساختار نظام آموزشی ایران بود. این دوره به تبعیت از نظام آموزشی آمریکا، به‌عنوان یک دوره انتقال بین دوره‌های ابتدایی و دبیرستان تأسیس شد و هدف آن تأمین نیازهای شخصی یادگیرندگان برای گذار از دوره نوجوانی بود.

در سال ۱۳۴۴ اداره کل مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش طرح جدید آموزش و پرورش را که در شورای آموزش و پرورش سال ۱۳۴۳ تهیه و تصویب شده بود، با عنوان «طرح مقدماتی اصلاح آموزش و پرورش کشور» منتشر کرد. در این طرح، برای اولین بار دوره سه ساله راهنمایی تحصیلی، بعد از دوره پنج ساله ابتدایی، به‌عنوان مرحله دوم تعلیمات عمومی مطرح شد. هدف آن «افزایش معلومات دانش‌آموزان برای بهتر زیستن در اجتماع، آشنا شدن دانش‌آموزان با فرهنگ ملی، اصول علم، ادب و هنر، پرورش فضایل اخلاقی و معنوی در آنان، خصوصاً تشخیص استعدادها و تمایلات فردی، و راهنمایی آنان در مراحل بعدی تحصیلات برای ورود به رشته‌های نظری یا فنی و حرفه‌ای بر حسب احتیاجات کشور، یا انتخاب حرفه و مشاغل مفید و مولد بود. مدت این دوره سه سال و شامل گروه سنی ۱۳-۱۱ سال بود.

پس از طی این دوره دانش‌آموزان می‌توانستند در دوره چهار ساله متوسطه (تعلیمات متوسطه نظری به دو مرحله سه ساله و یک ساله تقسیم می‌شد) در یکی از دو رشته «نظری» و «فنی و حرفه‌ای» ثبت‌نام کنند. دوره تحصیلات نظری چهار سال و دوره تحصیلات فنی و حرفه‌ای بر حسب حرفه‌های رشته‌های فنی، دو تا چهار سال پیش‌بینی شده بود. انتقال از دوره تعلیمات متوسطه

نظری به دوره تعلیمات متوسطه فنی و حرفه‌ای طبق شرایط خاصی امکان پذیر بود.

۳. از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۶ ه.ش

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و از اوایل سال ۱۳۵۸ و به دنبال تغییر ساختار سیاسی و توجه عموم به مسائل فرهنگی، از جمله آموزش و پرورش، صاحب نظران در گوشه و کنار کشور مطالعات گسترده‌ای را آغاز کردند. بخشی از این مطالعات به «طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش» مربوط بود. طرح تهیه شده طرح جامعی بود، اما متأسفانه به دلیل شرایط بد اقتصادی (دوران بازسازی با خسارت‌های ناشی از جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، ارتقای سطح آگاهی و اعتماد عمومی که بر اثر انقلاب فرهنگی در میان گروه‌های محروم جامعه ایجاد شده بود و نیز جوان بودن جمعیت ایران)، امکان تجهیز منابع مالی و انسانی کافی برای اجرای آن فراهم نشد.

«طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش» برنامه‌های درسی دوره راهنمایی را تحت تأثیر قرار نداد، اما از آنجا که دوره متوسطه منبع اصلی تربیت نیروی انسانی نیمه‌ماهر و ماهر به‌شمار می‌رفت و این موضوع در میزان موفقیت برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی تأثیر ویژه‌ای داشت، لذا اجرای طرح از دوره متوسطه آغاز شد و تغییرات نسبتاً وسیعی را در این دوره به دنبال داشت.

ساختار نظام آموزشی دوره متوسطه در سند تحول

براساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی، نظام جدید آموزش و پرورش شامل دو دوره شش ساله ابتدایی و متوسطه است که دوره متوسطه خود به دو دوره سه ساله تقسیم می‌شود (ساختار ۳+۳+۶). باید توجه داشت که ساختار فعلی، به دلیل از بین رفتن فلسفه وجودی دوره راهنمایی و پیش‌دانشگاهی در نظام فعلی، از بین

رفته، و هدایت تحصیلی عملاً به دوره‌های یکساله (در آغاز دوره متوسطه) موقوف شده است. این دوره یکساله زمان کوتاهی برای شناسایی ظرفیت‌ها و هدایت آن در اختیار معلمان و سایر مسئولان آموزشی قرار می‌دهد تا تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها را با هدایت صحیح به سمت یکپارچگی شخصیت متربیان جهت‌دهی کند. توجه نکردن به این مهم می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را نه تنها برای دانش‌آموزان، بلکه به عنوان منابع انسانی، برای آینده جامعه به دنبال داشته باشد. از این رو، برنامه‌های درسی، روش‌های تربیتی و شرایط محیطی در طول این سه سال باید از انعطاف بالایی برخوردار باشند و بتوانند در شناسایی توانایی‌ها و شناخت مسیر آینده زندگی به دانش‌آموزان کمک کنند.

ساختار پیشنهادی نظام آموزشی در سند تحول راهبردی

در ساختار پیشنهادی، هر یک از مراحل تربیت معرف وضعیت رشدی بیش و کم متفاوت و متمایزی است که تفکیک این دوره‌ها از یکدیگر را معنی‌دار می‌سازد. توجه به ویژگی‌های ذکر شده در تدوین برنامه‌های درسی، روش‌های مدیریت، ارزشیابی از سطح دستیابی به شایستگی‌ها و صفات دانش‌آموزان، سازمان‌دهی فضای آموزشی و نوع خدمات ارائه شده به دانش‌آموزان و نیز ارتباط و مشارکت خانواده و نهادهای مدنی متناسب با ویژگی‌های هر مرحله متفاوت خواهد بود. رعایت نکردن این اصل باعث می‌شود دانش‌آموزان متعلق به دوره‌های مختلف رشد در یک دوره تحصیلی قرار گیرند و ابهام و سردرگمی برای برنامه‌ریزان و افت کارایی برای یادگیرندگان به وجود آید.

دوره متوسطه

دوره دبیرستان در ادامه دوره دبستان قرار

دارد و به کسانی که این دوره را با موفقیت بگذرانند گواهی‌نامه پایان دوره تربیت عمومی اعطا خواهد شد. دوره متوسطه باید فرصت‌های تربیتی متنوعی را فراهم آورد که از طریق آن امکان رشد ابعاد وجودی، انتخاب نظام معیار و شکل‌گیری هویت یکپارچه دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان وجود داشته باشد. دوره متوسطه شامل مرحله‌های سوم و چهارم تربیت است.

اصول حاکم بر مرحله سوم تربیت

مرحله سوم تربیت با دوره نوجوانی اول مقارن است، آغاز ۱۲ سالگی تا پایان ۱۴ سالگی را دربرمی‌گیرد و شامل پایه‌های هفتم، هشتم و نهم است. اصول حاکم بر این مرحله عبارت‌اند از:

* وجود هماهنگی و همسویی میان خانواده و سایر نهادهای سهیم در جریان تربیت رسمی و عمومی، برای کمک به فرد در شناخت نظام معیار و التزام به آن؛

* توجه به عنصر اختیار در تربیت، با لحاظ کردن تفاوت‌های جنسیتی در پذیرش تکلیف شرعی، به گونه‌ای که مترقی به تدریج رابطه میان حق و تکلیف، اختیار و وظیفه و مسئولیت‌پذیری در قبال رشد و تعالی خویش را درک کند؛

* پرورش استعدادهای فردی و امکان انتخاب‌های گوناگون و به کارگیری آن در موقعیت‌های فردی برای شناسایی هویت ویژه؛

* توجه به توانایی دانش‌آموزان در ساختاربندی و سازمان‌دهی دانش برای رمزگشایی و کسب دانش سازمان‌یافته؛

* زمینه‌سازی برای شناخت علاقه‌های شخصی و پرورش قدرت تخیل و ابتکار دانش‌آموزان و بهره‌گیری از آن برای حل مسائل واقعی و پیچیده؛

* توجه به توانایی دانش‌آموزان در ارزیابی فرایندهای تفکر، یادگیری و بهره‌گیری از آن در شناخت و اصلاح موقعیت.

گفت‌وگو با مدیران مدارس استان خراسان رضوی

بیشتر بدانیم تا بهتر اجرا کنیم

محمد رضا حشمتی

در سال تحصیلی جدید قطار تحول به دوره راهنمایی سابق و دوره اول متوسطه رسیده است و اکنون دانش‌آموزان پایه ششم به جای دوره راهنمایی وارد دوره اول متوسطه می‌شوند. البته تغییر این دوره درست مانند برقراری پایه ششم، دغدغه‌هایی را برای معلمان و مدیران ایجاد کرده است. مجله رشد آموزش متوسطه با حضور در میان چند تن از مدیران مدارس استان خراسان رضوی کوشیده است دغدغه‌های آن‌ها را در این زمینه منعکس کند.



عکاس: غالیه امانی



نعمتی: معمولاً اولین قدم سخت‌ترین قدم است. ما باید با تغییر بینش راه را هموار کنیم و طوری کار کنیم که آیندگان به این تغییرات افتخار کنند

تهمینه نعمتی



سعید سلطانی



حسن چوبینه



ضرورت آمادگی همه‌جانبه در برقراری دوره جدید

در ابتدای جلسه آقای **سلطانی**، رئیس گروه آموزش راهنمایی و هدایت تحصیلی خراسان رضوی از برنامه‌ریزی استان برای ورود دانش‌آموزان به دوره اول متوسطه خبر داد و گفت: «ما پایش وضعیت فضا و آمار نیروی انسانی جهت ورود دانش‌آموزان ششم به پایه اول متوسطه را اداره به اداره بررسی کردیم و در اختیار مسئولان آموزش راهنمایی ادارات قرار دادیم تا راست‌آزمایی کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد از لحاظ فضای آموزشی مشکلی نداریم. در کل استان، نیروی انسانی خواهر در اغلب رشته‌ها مازاد است ولی با وجود کاهش یک پایه، باز هم در مورد نیروی مرد در اغلب رشته‌ها کمبود داریم که در سال گذشته حدود ۲۰ هزار ساعت از نیروهای غیرموظف کمک گرفتیم».

یکی از موضوعاتی که مدیران مدارس با آن روبه‌رو هستند، تفاوت ساعات برنامه درسی پایه اول دوره اول متوسطه با سوم راهنمایی است. سلطانی درباره حل این مسئله گفت: «این موضوع از چالش‌های استقرار دوره اول متوسطه برای سال تحصیلی ۹۳-۹۲ خواهد بود. فکر می‌کنم شاید بتوان به ادارات و مدیران مدارس تفویض اختیار کرد، اما ممکن است با نابسامانی آموزشی روبه‌رو شویم. یکی از راهکارهایی پیشنهادی استان این است که سه ساعت تفاوت پایه اول متوسطه را در قالب فوق برنامه، و کلاس‌های تقویتی، جبرانی، از محل نیروهای مازاد در برخی موارد تأمین کنیم. با توجه به جدید بودن محتوای پایه اول متوسطه، کلاس‌های فوق برنامه ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

سلطانی ایجاد آگاهی در خانواده‌ها نسبت به پایه جدید را از مهم‌ترین اولویت‌های آموزش و پرورش دانست: «ما باید از همه جهت آمادگی لازم را برای برقراری دوره اول متوسطه پیدا کنیم تا مشکلات اولیه و دانش‌آموزان را به حداقل برسانیم. برای مثال، ما تابلوهای کلیه مدارس را تغییر دادیم تا اولیه و دانش‌آموزان سردرگم نشوند. برای اطلاع‌رسانی درباره پایه هفتم هم بروشوری تنظیم کرده‌ایم که به تمام دانش‌آموزان دوره متوسطه، اولیه و همکاران خواهیم داد. نگاه این است که دانش‌آموزان فرزندان خودمان هستند، پس باید این آمادگی را در مدارس خود ایجاد کنیم».

مدیران آگاه، پاسخ‌گویی مناسب به اولیا

براتی، نماینده مدیران ناحیه ۱ آموزش و پرورش مشهد، از دیگر حاضران این جلسه بود. ایشان با اشاره به طرح تغییر دوره راهنمایی گفت: «هر تغییر و تحولی چالش‌هایی را به همراه دارد. با اینکه در اداره کل جلسات زیادی برگزار شد، اما همه چیز را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. با برقراری نظام جدید، قاعدتاً مدارس راهنمایی حذف می‌شوند. به عقیده من این حذف خلأیی را ایجاد می‌کند. چون دوره راهنمایی پل ارتباطی بین ابتدایی با متوسطه بود».

وی توجه به ظرفیت مدارس را یکی از موضوعات مهم برقراری دوره اول متوسطه دانست و گفت: «امسال پایه‌های اول و سوم و سال آینده هم پایه‌های اول و دوم در مدارس ما درس می‌خوانند. سال‌های بعدتر هم هر سه پایه. امسال با توجه به وجود دو پایه مدارس مشکلی ندارند، ولی دو سال آینده مشکل تراکم جمعیت خواهند داشت. از سوی دیگر، کاهش ساعات درسی به نفع دانش‌آموز و اولیا نیست. می‌دانید که در حاشیه شهرها والدین توانایی ندارند از لحاظ درسی به فرزندانشان کمک کنند و کاهش ساعات درسی به آن‌ها صدمه می‌زند».

براتی اطلاع‌رسانی به مدیران درباره برنامه سال تحصیلی را باعث آمادگی بیشتر مدیران دانست و افزود: «امیدواریم تمهیدات لازم هر چه سریع‌تر انجام شود و مدیران مدارس در جریان مسائل قرار گیرند تا اگر اولیا سؤالی داشتند جوابی قانع‌کننده ارائه شود؛ چرا که اولیا درباره تغییر نظام آموزشی نگران و پر از سؤال‌اند. مدیران باید آمادگی داشته باشند که بتوانند از مدرسان خوب و شایسته‌ای استفاده کنند و در استان‌ها و نواحی متمرثر واقع شوند».

دوره‌های ضمن خدمت، ضرورت انکارناپذیر

برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت و ارائه کتاب‌های درسی از سال گذشته، به منظور بسترسازی مناسب، از نکته‌هایی بود که **جوادی** مدیر یکی از مدارس ناحیه ۴ مشهد بر آن‌ها تأکید داشت: «انجام تغییرات نیازمند مقدماتی است. چه خوب بود از سال قبل دوره‌های ضمن خدمت برگزار و کتاب‌های درسی را هم آماده و پخش می‌کردیم. معلم باید کتاب را مطالعه کند تا ایرادات آن برطرف شود. کتاب‌های سال هفتم باید هر چه زودتر در اختیار

چوبینه: هنوز برای ارزیابی پایه هفتم زود است، چون تا کارها عملیاتی نشوند، نقاط قوت و ضعف آن‌ها مشخص نخواهد شد

معلمان و دبیران قرار گیرند. به این ترتیب، از استرس مدیران و اولیا کاسته می‌شود. دغدغه از چهره اولیایی که به مدرسه می‌آیند مشخص است؛ دغدغه‌هایی که باید برطرف شوند».

رضایی، نماینده مدیران تبادلان که در مجتمعی آموزشی مشغول خدمت است، یکی دیگر از حاضران این نشست بود. او با یادآوری ضعف‌هایی که در برقراری پایه ششم ابتدایی وجود داشت گفت: «تبادلان بزرگ‌ترین منطقه روستایی کشور است که با مشکلات و محدودیت‌های خاص در برپایی پایه ششم روبه‌رو بود. طوری که معلم کم آوردیم و معلمان متوسطه و راهنمایی را به کلاس ششم آوردند. بدون اینکه بعضاً کلاس‌های ضمن خدمت را طی کرده باشند، البته اول مهرماه به مدت یک ماه کلاس ضمن خدمت برگزار کردند، اما در واقع معلمی سر کلاس بود که هیچ دوره‌ای ندیده بود. این‌ها ضعف‌هایی هستند که پایه ششم ما داشت و به پایه اول متوسطه هم منتقل می‌شود. اگر دوباره قرار باشد دبیرانی را به کلاس‌ها بفرستیم که کلاس ضمن خدمت برایشان برگزار نشده است، با چالشی جدی روبه‌رو خواهیم بود. باید دوره‌ای هم برای مدیران برگزار شود تا اگر دبیری سوآلی داشت مدیر بتواند پاسخگو باشد».

این مدیر درباره تفاوت ساعات برنامه درسی نیز گفت: «برخی دوستان تصمیم گرفتند در مدارس بزرگ دو نوبته یک نوبت را به پایه اول متوسطه و نوبت دوم را به سوم راهنمایی اختصاص دهند تا مشکل حل شود. البته می‌توان این سه ساعت تفاوت را به عنوان ساعت جبرانی برگزار کرد، اما هزینه این سه ساعت را برای دانش‌آموزانی که توانایی مالی ندارند آموزش و پرورش باید متقبل شود. اگر لازم بود، کمکی هم از اولیا دریافت و از اول اعلام می‌کنیم که این سه ساعت به صورت جبرانی برگزار می‌شود».

هموار کردن راه با تغییر بینش

خانم **نعمتی** نماینده مدیران زن بود که در این میزگرد شرکت داشت. او مشورت‌خواهی از مدیران در تغییر و تحولات نظام آموزشی را موضوع تا حدودی مغفول دانست و گفت: «کاش تصمیم‌هایی که در وزارتخانه یا شورای عالی گرفته می‌شود بیشتر با مشورت یا توجیه نماینده مدیران در هر استان باشد تا مشکلات و راهکارها مشخص شوند. در بخش نامه‌ها می‌خوانیم مسئولیت با مدیر است، اما از لحاظ قانونی و وجدانی هر کسی که مسئول می‌شود باید اختیاراتی هم داشته باشد. کاش پیشنهادها به استان‌ها برود و بهترین‌ها انتخاب شوند. در مورد تغییر تابلوها هم اطلاع‌رسانی بیشتری باید صورت گیرد. مثلاً صداوسیما همکاری کند و پیامی تصویری با توضیحی

کوتاه همراه شود تا این توضیح دیداری باشد. البته جا دارد اینجا از کتاب‌های جدیدالتألیف دفاع کنیم. مثلاً در بخش تربیت بدنی کتاب به ۲۰ نفر ارائه شده بود تا ایراداتش برطرف شود».

این مدیر تأکید کرد: «معمولاً اولین قدم سخت‌ترین قدم است. ما باید با تغییر بینش راه را هموار کنیم و طوری کار کنیم که آیندگان به این تغییرات افتخار کنند».

خانم **میری** از ناحیه ۵ مشهد، مدیر دیگری بود که سوآلاتی را در این میزگرد مطرح کرد، از جمله: «آیا قرار است در کلاس‌های ضمن خدمت همکاران، از هر ناحیه یک همکار انتخاب شود؟ آیا همکاری که در آن دوره شرکت می‌کند می‌تواند تمام تجربه‌ها و اطلاعاتی را که کسب می‌کند به بقیه انتقال دهد؟ اگر به‌طور مستقیم این کلاس‌ها برای همه همکاران برگزار می‌شد، بهتر نبود؟»

این مدیر به حجم بالای کتاب کار و فناوری هم اشاره کرد و گفت: «حجم این کتاب خیلی بالاست. علاوه بر این، آیا همه مدارس تمام تجهیزات لازم برای تدریس این کتاب را دارند؟ علاوه بر این، کتاب‌ها هم باید زودتر به دانش‌آموز و همکاران داده شود. آیا بهتر نیست به جای اینکه از ساعات درس‌ها کم کنیم، از حجم کتاب‌ها بکاهیم؟»

هنوز برای قضاوت زود است

در میان مدیران **چوبینه** با ۲۸ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش ارزیابی برقراری پایه هفتم را زود دانست و گفت: «هنوز برای ارزیابی پایه هفتم زود است، چون تا کارها عملیاتی نشوند، نقاط قوت و ضعف آن‌ها مشخص نخواهد شد. به هر حال، کسانی که تصمیماتی گرفته‌اند، هم در مباحث تربیتی و هم در کارهای آموزشی، فعالیت داشته‌اند. ولی درد دل‌های همکارانمان همه درست است. اول از همه بحث دوره ضمن خدمت پایه هفتم است که تابستان برگزار می‌شود. چرا در ۹ ماهی که معلم در خدمتشان است این دوره را برگزار نمی‌کنند؟ آیا معلمان را در شهریورماه می‌توان دور هم جمع کرد و آیا این دوره کاربردی خواهد داشت یا نه؟ همچنین، بسیاری از مدیران با پایه هفتم آشنا نیستند. گرچه سرفصل کتاب‌های هفتم

آمده است، ولی توضیحاتش مشخص نشده است. ما پیش از این و در دوره راهنمایی در بعضی از دروس کمبود دبیر داشتیم و در بعضی اصلاً دبیر متخصص نداشتیم. حال در نظر بگیریم معلمان ما باید به چند پایه مجهز شوند».

این مدیر به تناسب سنی دانش‌آموزان اشاره کرد و گفت:

سلطانی: درباره دوره‌های ضمن خدمت از تجربه پایه ششم استفاده می‌شود و مشکلاتی که در ضمن خدمت ششم ابتدایی برای دیر هنگام بودنش وجود داشت، دیگر پیش نمی‌آید

براتی: در حاشیه شهرها والدین توانایی ندارند از لحاظ درسی به فرزندانشان کمک کنند و کاهش ساعات درسی به آن‌ها صدمه می‌زند

صفدر علی براتی



محمدرضا خواجه‌جوادی



مهدی رضایی



مریم میری



«کلید حل مشکل تجهیزات درس کار و فناوری، موضوعی کردن آن است. تأکید ما بر کلاس‌های موضوعی به‌عنوان یک طرح کیفیت‌بخشی در آموزش است، یعنی کلاس کار و فناوری را در کارگاه حرفه‌وفن به‌صورت موضوعی برگزار کنیم؛ کارگاهی که به دستگاه رایانه مجهز شده باشند. کار تجهیز مدارس روستایی را هم با کمک خیران شروع کرده‌ایم».

به اعتقاد سلطانی، در نظام آموزشی جدید، دوره راهنمایی حذف نشده است و نباید دغدغه‌ای در این باره داشت: «در ساختار جدید رویکرد راهنمایی حذف نشده، همچنان که دوره راهنمایی حذف نشده است. گرچه محتوا و منابع درسی تغییر کرده است، اما دوره راهنمایی حذف نشده، بلکه عنوان آن تغییر یافته و رویکرد راهنمایی و هدایت تحصیلی که عملاً چند سالی از این دوره منتقل شده بود به اصل خود بازمی‌گردد. شکافی این میان نیست، بلکه محتوا به‌صورت سلسله‌وار به‌هم وصل می‌شود. اتفاقاً دوره اول متوسطه به این خاطر آمده است تا شکافی را که بین پنجم و اول راهنمایی احساس می‌شد به‌لحاظ علمی و محتوایی و مهارتی رفع کند».

سلطانی افزود: «براساس پژوهش‌هایی که در استان انجام دادیم، در چهار درس علوم تجربی، کار و فناوری، تفکر و پژوهش و ریاضی چالش بیشتری داریم. برای اینکه این چالش‌ها به دوره اول متوسطه منتقل نشود، طرحی را به‌عنوان طرح پیشگیری مدرسان دوره اول متوسطه تدوین کرده‌ایم. براساس این طرح، مدرسان پایه ششم ابتدایی که چالش‌ها را خوب می‌شناسند، برای مدرسان میانی استان در پایه اول متوسطه که در دوره ضمن خدمت کشوری حضور می‌یابند، از چالش‌ها و مشکلات می‌گویند. برگزاری این دوره حول این چهار درس، باعث می‌شود مدرسان آموزشی با دست پر به دوره جدید وارد شوند».

وی به مدیران اطمینان داد که از آن‌ها حمایت و پشتیبانی می‌شود: «یکی از کارهای مدیر، مدیریت بحران، مدیریت راهبردی و مدیریت پویا و اثربخش است. اگر امکانات مالی ندارید، اگر مشکلات متعددی دارید، از قدرت و توانمندی مدیریت خود استفاده کنید و یک گام به جلو بروید. اگر همه مدیران یک گام به جلو بروند، اتفاق بزرگی در کشور رخ می‌دهد. البته ما مشکلات مدیران را حس می‌کنیم. باید بگوییم ما همراه و پشتیبان آن‌ها هستیم».

«قبلاً تناسب سنی بین پایه‌های اول تا سوم راهنمایی برقرار بود. الان هفتمی‌ها با حال و هوای ابتدایی به مدرسه می‌آیند. از سوی دیگر، پایه سوم راهنمایی داریم، ولی دوم راهنمایی نداریم! و امکان دارد مشکلات تربیتی و اخلاقی ایجاد شود. حتی ما فکر کردیم بهتر است زنگ تفریح هفتمی‌ها را جدا کنیم تا بچه‌ها با هم برخورد نداشته باشند. اما در نهایت تا زمانی که این کلاس‌ها اجرا نشود، دبیر به کلاس نرود و فعالیتی انجام نشود، نمی‌شود ارزیابی دقیقی داشت».

تجربه‌های گذشته، چراغ راه آینده

پس از بیان مشکلاتی که مدیران برای برقراری پایه هفتم با آن روبه‌رو هستند، سلطانی در مقام پاسخگویی برآمد و گفت: «درباره دوره‌های ضمن خدمت از تجربه پایه ششم استفاده می‌شود و مشکلاتی که در ضمن خدمت ششم ابتدایی برای دیرنگام‌بودنش وجود داشت، امیدوارم دیگر پیش نیاید. اما یک مشکل اساسی داریم: اقتضائات مالی دست وزارت آموزش و پرورش را در برگزاری این کلاس‌ها برای همه دبیران بسته است؛ گرچه در کار هر تعداد از دبیران که دوره ضمن خدمت را نگذرانند، نقص ایجاد می‌شود. درباره دبیران تخصصی هم درصد بالایی از مدارس استان دو پایه‌ای هستند که در آن‌ها هم دبیر تخصصی نداریم و بستر برنامه هفتگی همکاران غالباً در رشته تخصصی برای ما امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، باید هر دبیری علاوه بر اینکه تخصص دارد، مهارت‌هایی را که در درس‌های دیگر بنا به اجبار و اقتضا به او گفته می‌شود هم داشته باشد. این همان چندمهارتی شدن است که ما چند سالی می‌شود طرح اجرایی آن را در استان داریم. البته تمام تلاش استان را به‌کار خواهیم گرفت که این چالش‌ها در ضمن خدمت حل شود. دوره ضمن خدمت مدیران هم ضرورت دارد که البته به صورت مجازی برای ۳۴۸۰ نفر از مدیران و معاونان آموزشی راهنمایی استان برگزار کرده‌ایم».

موضوعی کردن درس کار و فناوری یکی از راهکارهایی بود که سلطانی ارائه داد و گفت:

رضایی: اگر دوباره قرار باشد دبیرانی را به کلاس‌ها بفرستیم که کلاس ضمن خدمت برایشان برگزار نشده است، با چالشی جدی روبه‌رو خواهیم بود



راهنمایی تحصیلی - شغلی دانش آموزان

حدیثه اوتادی
کارشناس ارشد مشاوره

در چند شماره آینده این مقاله می‌کوشیم آنچه را می‌تواند در این مقطع و در آینده شغلی دانش آموزان مؤثر باشد بیان کنیم. «تغییر و اصلاح عادات مطالعه دانش آموزان، آموزش مهارت‌های تحصیلی، راهکارهای پرورش خلاقیت در دانش آموزان، آموزش مهارت‌های هدف‌گذاری و خط‌مشی‌های مدیریت زمان، کمک به دانش آموزان در شناسایی خود (معرفی مؤلفه‌های خودشناسی)» عناوینی هستند که در شماره‌های بعدی به تفصیل به آن‌ها خواهیم پرداخت. ذکر این نکته حائز اهمیت است که آینده تحصیلی فرزندان ما از آینده شغلی آن‌ها جدا نیست و آنچه می‌تواند برای هدایت تحصیلی دانش آموزان ما مؤثرتر باشد، داشتن دیدی وسیع‌تر نسبت به این موضوع است؛ به این معنی که این دو را در راستای یکدیگر ببینیم و با در نظر گرفتن الزامات و ویژگی‌های دنیای کار، هدایت تحصیلی دانش آموزان را عهده‌دار شویم.

انسان‌ها در همه زمان‌ها و در تمام سنین به راهنمایی نیاز دارند. از طرف دیگر راهنمایی بخش جدایی‌ناپذیری از نظام آموزش و پرورش است. در واقع علت نام‌گذاری مرحله دوم تعلیمات عمومی به نام «دوره راهنمایی» (در نظام آموزشی پیشین)، وارد کردن مفهوم راهنمایی در آموزش و پرورش و لزوم توجه به تفاوت‌های فردی در این مرحله بود. دو علت عمده در ضرورت راهنمایی و هدایت دانش آموزان در این مرحله وجود دارد: اول آنکه هنگامی که جامعه‌ای از شکل سنتی به صنعتی پیش می‌رود، پیچیدگی‌های مسائل آن بیشتر می‌شود و انسان‌ها نمی‌توانند بدون کمک افراد متخصص تصمیم‌های درستی بگیرند. دوم آنکه ذهن نوجوان مملو از سؤالاتی است که اگر پاسخ مناسبی برای آن‌ها نیابد، مسیر زندگی او منحرف می‌شود و به نهایت مطلوب نخواهد رسید. او همچنان که به سمت زندگی اجتماعی پیش می‌رود، نکات بسیاری را باید بیاموزد و همین موضوع نقش راهنمایی را در این دوران بسیار پراهمیت می‌کند.

از کجا باید شروع کرد؟

در دنیای امروز یکی از مهارت‌هایی که معلمان ما باید کسب کنند، مهارت مشاوره است. از آنجا که بیشترین زمان حضور دانش‌آموزان در مدرسه در اختیار معلم است، معلمان می‌توانند با دانستن اصول پایه‌ای مشاوره، نقش هدایت‌گری بسیار مهمی را ایفا کنند. ما سعی داریم این اصول را در چند شماره آینده بیان کنیم. ولی آنچه حائز اهمیت ویژه است توجه به این موضوع است که مطالبی که در چند شماره این مقاله در جهت ارتقای سطح کیفی راهنمایی دانش‌آموزان بیان می‌شود، نه تنها کاملاً در تخصص معلمان است بلکه تنها آن‌ها هستند که می‌توانند این رفتارها را به خوبی در مورد دانش‌آموزان اعمال کنند. نقش معلمان در راهنمایی دانش‌آموزان مانند «پیشگیری» در مقابل نقش «درمان» مشاوران است. معلمان با ایفای کامل نقش خود می‌توانند مانع بروز بسیاری از مسائل و مشکلات در دانش‌آموزان شوند و این امر به دلیل ارتباط مستقیم و تنگاتنگ آن‌ها با دانش‌آموزان، از وظایف اصلی‌شان به شمار می‌رود.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این دوره مطرح است، یادگیری فعال دانش‌آموزان است. مفاهیم کتاب‌های درسی این دوره تفاوت‌های عمده‌ای با دوره ابتدایی دارد و به دلیل حجم و تنوع، باید بتوان مطالب را به گونه‌ای کاربردی عرضه کرد تا دانش‌آموزان با عمق آن‌ها آشنا شوند و متعاقباً مفاهیم را به خاطر بسپارند. معلمان بهترین مشاوران در درس خود هستند، بنابراین انتظار می‌رود در این راستا دو موضوع را مدنظر قرار دهند:

۱. روش صحیح مطالعه درس خود را به دانش‌آموزان بیاموزند. مسلماً روش صحیح مطالعه درس‌های تحلیلی و مهارتی مانند ریاضی و علوم با درس‌های حفظی مانند ادبیات و تاریخ و حتی درس‌های مهارتی - حفظی مانند ادبیات، مطالعات اجتماعی، زبان و عربی متفاوت خواهد بود. بنابراین، دانش‌آموزان باید بتوانند این تمایز را در مطالعه بین درس‌ها قائل شوند. این دقیقاً نکته‌ای است که بسیاری از آن‌ها در آن ضعف دارند. افراد زیادی در دوره‌های بالاتر مثل متوسطه دوم و حتی دانشگاه به مشاوران مراجعه و اظهار می‌کنند که نمی‌دانند مثلاً فلان درس را چگونه باید بخوانند یا اینکه هر چه برای درس خاصی تلاش می‌کنند نتیجه دلخواهشان را به دست نمی‌آورند. دلیل اصلی چنین مشکلاتی ندانستن شیوه‌های صحیح مطالعه هر درس است که متأسفانه موجب هدر رفتن انرژی و از بین رفتن انگیزه دانش‌آموزان خواهد شد. ریشه این مشکل در دوره‌های پایین‌تر تحصیلی به‌ویژه دوره اول متوسطه است که یادگیری مفهوم جدی‌تری به خود می‌گیرد. بنابراین، توجه به این نکته ضرورت خاصی پیدا می‌کند.

۲. دبیران با تسلط به مطالب درسی خود می‌توانند آن‌ها را به شیوه‌ای کاربردی ارائه دهند. این کار را می‌توان با تغییر اندکی در نحوه ارائه مطالب انجام داد. کمی خلاقیت در شیوه تدریس می‌تواند در انگیزه بخشی به دانش‌آموزان تأثیر بسزایی داشته باشد و گوش و هوش آن‌ها را برای توجه و تمرکز تیزتر کند. معلمان با این کار می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا با درک بیشتر مفاهیم، دید بهتری نسبت به رشته‌های تحصیلی و حتی فضاهای مختلف شغلی پیدا کنند.

در شماره بعد به موضوع مهم
«تغییر و اصلاح
عادات مطالعه دانش‌آموزان»
و ارائه راهکارهای مناسب
خواهیم پرداخت.

آموزش از جنسی دیگر

یادگیری در محیط واقعی و ملموس

فرزانه نوراللهی

برداشت ۱

پریا: من که فرق نمی‌کند! من یک خواب خوب و راحت سر کلاس می‌کنم.

سارا: بابام می‌گوید، وقتی بزرگ شدی، مطالعات اجتماعی خیلی به‌دردت می‌خورد! من که همین حالا بزرگم! می‌خواهم درسی بخوانم که امروز بفهمم و از آن استفاده کنم.

نسترن: من عاشق درس مطالعات اجتماعی هستم. به‌راحتی می‌توانم جمله‌هایش را حفظ کنم و نمره خوب بگیرم.

سمانه: من نمی‌توانم این همه اسم و جمله‌های سخت را حفظ کنم! همیشه نمره‌ام در این درس کم می‌شود!

رومینا: باز هم زنگ مطالعات اجتماعی! آخر این درس به چه درد ما می‌خورد؟ من که اصلاً آن را دوست ندارم!

معلم: خوب بچه‌ها! کتاب‌ها را باز کنید. صفحه ۵۴. سمانه از اول صفحه بخوان... خوب نسترن تو بقیه آن را ادامه بده... معلم: کافی است! کسی سؤالی ندارد! جلسه آینده از این درس پرسش شفاهی داریم!

معلم: خوب دختران گلم، ۲۰ دقیقه فرصت داریم تا هر کس گزارش کوتاهی از فعالیتهایی که انجام داده است ارائه دهد. چه کسی شروع می‌کند؟



رومینا:

این طرح نقشه ساده‌ای از مسیر خانه ما تا مدرسه است که قبلاً روی نقشه دیده‌ام و امروز که به مدرسه می‌آمدم با دقت آن را بررسی کردم و طرح ساده‌ای از آن کشیدم.



پدرم راهنمایی‌ام کرد و موقع سوار شدن به ماشین، کیلومترشمار ماشین را صفر کردیم و جلوی در مدرسه که رسیدیم، باز آن را نگاه کردیم. ۳/۲ کیلومتر مسافتی بود که از خانه تا مدرسه با ماشین طی کردیم. ۱۱ دقیقه هم در راه بودیم.



نسترن:

من دیروز با مادرم به شهرداری محله رفتیم و این اطلاعات را به دست آوردم: در ناحیه ۸ شهرداری که ما زندگی می‌کنیم، سه بوستان وجود دارد که مساحت مجموع آن‌ها ۲/۵ هکتار است. امسال در هر بوستان به طور متوسط ۲۰۰ اصله نهال کاشته شده است.

ما دیروز به یکی از این بوستان‌ها به نام بوستان خیام رفتیم. من نمونه‌ای از برگ‌های درختان این بوستان را جمع کردم و به کلاس آوردم. اسم سه تا از درختان را می‌دانم. ولی اسم شش تای دیگر را نمی‌دانم.



شش برگ دیگر



سارا:

من از چند قسمت محله عکس گرفتم. ما در طبقه دهم زندگی می‌کنیم. این عکس‌ها را از بالا و از خیابان گرفته‌ام!



با توجه به عکس‌ها چند سؤال مطرح کردم:
۱. به نظر شما (با توجه به عکس) چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم تا منظره شهرمان زیبا و باطراوت باشد؟
۲. این عکس را از طبقه دهم گرفته‌ام. اگر هر طبقه ۲/۸ متر ارتفاع داشته باشد، ارتفاع خانه ما از زمین چقدر است؟ به نظر شما ماشینی که در عکس می‌بینید و مقابل آپارتمان ما پارک کرده است، چه طولی دارد؟ از این ارتفاع به چه نسبتی کوچک شده است؟



سمانه:

ما همسایه‌های خیلی خوبی داریم. گاهی عصرها با هم به پیاده‌روی می‌رویم. من با دو نفر از آن‌ها گفت‌وگو کردم و در مورد احساسشان درباره محل زندگی‌شان پرسیدم. شعری که برایتان می‌خوانم با توجه به احساس ایشان و احساس خودم از محل زندگی‌مان سروده‌ام:

زیبا و لطیف است گل‌های شهر
چه دوست داشتنی است آدم‌های شهر
با همدلی و مهربانی و شور و وفا
می‌سازیم شهری تمیز و باصفا

کتاب درسی قالبی را به ما معرفی می‌کند تا براساس شیوه‌ها و راهکارهای ارائه شده کلاس را فعال و بانشاط نگاه داریم و از توانایی‌های دانش‌آموزان هم بهره بگیریم تا از این راهکارها در متن زندگی خود استفاده کنند. به این ترتیب، دیگر کلاس غیرقابل تحمل و خسته‌کننده نخواهد بود.

سلام به مدرسه‌های یادگیرنده

گزارشی کوتاه از آغاز به کار بازآموزی معلمان پایه اول دوره اول متوسطه

تهمینه حدادی

از آنجا که معلمان مجریان اصلی تغییر و تحول در آموزش و پرورش هستند، اداره آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران به عنوان اولین برگزارکننده دوره‌های آموزشی «تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی» اواخر اردیبهشت ماه، ۴۰۰ نفر از معلمان پایه اول دوره اول متوسطه را گرد هم آورد. طی این همایش یک روزه، اهداف و مفاد سند و نحوه کاربردی کردن آن به طور مقدماتی ارائه شد تا دبیران بتوانند با آمادگی بیشتری در کارگروه‌های تابستانی حضور یابند.

بازآموزی برای اجرایی کردن تحولات

۲۹ اردیبهشت ماه است. یک ساعت پیش از آغاز سخنرانی‌ها، معلمان زیادی در سالن گلبانگ فرهنگ سرای اشراق گرد آمده‌اند. بسته‌هایی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. در هر بسته علاوه بر خلاصه‌ای از سند «تحول بنیادین و برنامه درسی ملی» یک سی دی قرار دارد که معلمان می‌توانند در آن متن کامل سند تحول، مبانی نظری تحول بنیادین، راهنمای عمل تحول بنیادین در آموزش و پرورش، سند تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب و همچنین برنامه درسی ملی را مطالعه کنند. برنامه با خوشامدگویی خانم میرزاخانی شروع می‌شود و سپس تریبون در اختیار مرتضی زاده، مدیر آموزش و پرورش منطقه قرار می‌گیرد.

میرزاخانی همایش را چنین آغاز می‌کند: «همان‌طور که مستحضرد، از امسال پایه اول دوره اول متوسطه را خواهیم داشت. در راستای تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تغییر ساختاری اتفاق افتاده و آن این است که دوره راهنمایی به نام «دوره اول متوسطه» تغییر نام داده است. با توجه به اینکه سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی وارد مرحله اجرا شده است و معلمان بیش از هر کس مجریان این تحول هستند، اطلاع‌رسانی در این باره و بیان اهداف و تغییرات رخ داده نیازمند دوره‌های بازآموزی برای معلمان است که در تابستان صورت خواهد گرفت. منطقه ۴ تهران تصمیم گرفت در این امر پیشتاز باشد و هم اکنون نیز میزبان شما معلمان عزیز است.»

مدرسه سازمانی یادگیرنده است

مرتضی زاده سخنران دوم این همایش است. او در سخنان خود

بر لزوم تغییر نظام آموزشی تأکید می‌کند و واکنش مخالفان به این تغییر و تحولات را بی‌پایه و اساس می‌خواند: «آیا ایستایی یک نظام می‌تواند افتخاری دربرداشته باشد؟ این بدان معنی است که ما حرکت نسل‌ها را متوقف کنیم. اگر به یاد داشته باشید ما سال‌ها کتاب‌هایی را تدریس کردیم که خود آن‌ها را خوانده بودیم. عجیب است که حالا شاهد مقاومت‌های عجیب و عوامانه در برابر تغییرات ایجاد شده هستیم. خانواده‌ها، معلمان، جامعه و حتی رسانه‌ها سؤال کردند که چرا نظام آموزشی تغییر کرده است؟ برای گرفتن پاسخ، باید درباره نسل امروز مطالعه کرد! آیا نوجوان‌های امروز از همان نسلی هستند که ما به آن تعلق داشتیم؟»

او در ادامه به نیازهای نسل حاضر اشاره کرد و همین نیاز را اساس تغییرات صورت گرفته دانست: «انتظار نسل امروز از مدرسه بسیار متفاوت است. دانش‌آموز امروز انتظار دارد که مدرسه پاسخگوی نیازهای او در ابعاد علمی، روحی و روانی باشد. در غیر این صورت مدرسه را کنار می‌گذارد و به سراغ دنیای مجازی می‌رود. آیا اگر او با من معلم که اطلاعاتم تنها به کتاب محدود است روبه‌رو شود، مرا خواهد پذیرفت؟ جواب قطعاً منفی است. به همین دلیل، هدف برنامه درسی ملی، مدرسه‌ای است که سازمانی یادگیرنده محسوب می‌شود و در آن، مدیر، معلم و دانش‌آموز هر سه به دنبال دانش‌افزایی هستند. مدیر آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران با تأکید بر موضوع دانش‌افزایی معلمان، سخنان خود را این‌طور پایان داد: «بنده به عنوان معلم، اگر قائل به ابقای نقش الگویی خود هستیم، باید بر دانش‌آموز اشراف داشته باشم. اگر شخصیت من به‌روز و به‌هنگام باشد، آنگاه دانش‌آموز به دنبال من خواهد آمد. در غیر این صورت،



در دنیایی که اعتبار علمی مدرک تحصیلی پنج ساله شده است، ایستادگی من در برابر نوآوری، سبب جاماندنم از دانش آموز خواهد شد.»

هدف: ایجاد موقعیت و سامان دهی آن براساس نظام معیار

بخش اصلی همایش به سخنان مدرس برنامه درسی ملی اختصاص داشت. **فاضلی** در فرصت یک ساعته خود به اختصار درباره این سرفصل‌ها صحبت کرد: دلایل تحول

بنیادین در آموزش و پرورش؛ ویژگی‌های سند؛ تحول یا تغییر ساختار؛ کوچک انگاری در آموزش و پرورش؛ چالش‌های پیش رو در اجرای سند تحول؛ تحول چرا؛ ضرورت تحول؛ چگونه تحول ایجاد کنیم؛ فلسفه تعلیم و تربیت؛ بحث اصلی در تحول؛ برنامه درسی ملی؛ حیات طیب؛ حوزه‌های یادگیری.

تفاوت برنامه درسی ملی با برنامه‌های درسی فعلی

فاضلی در ابتدای سخنان خود درباره آغاز به کار تدوین برنامه درسی ملی از سال ۸۴ سخن گفت و بیان کرد که روی این برنامه حدود ۲۷ هزار نفر ساعت کار شده است و از آنجا که نیاز بود علاوه بر کمیته‌های تحلیل محتوا، کاهش تمرکز، کلیات، ارزشیابی و... نیازهای تمام کشور در نظر گرفته شود، کمیته‌های استانی و مطالعات تطبیقی نیز به یاری این پروژه آمدند. او پس از بیان سرفصل‌ها و شرح مختصر آن‌ها، هدف نهایی طرح را این‌طور تعریف کرد: «هدف در واقع «درک و اصلاح مستمر موقعیت» است. دانش‌آموزان همیشه در موقعیت هستند و هر کتاب درسی در چهار موقعیت ارتباط با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با خلق و ارتباط با خلقت تعریف می‌شود. ما به محتوایی نیاز داریم که این موقعیت‌ها را براساس ساحت‌های عقل، علم، عمل، ایمان و اخلاق برای دانش‌آموزان ایجاد کند. ما باید نوع مواجهه با آن‌ها و شایستگی درکشان را به کودکان و نوجوانان بیاموزیم و نظام معیار این امر که سبب سامان دهی خواهد شد مدرسه است.»

چگونه نوشتن

موضوع دیگری که برای طرح در این گردهمایی در نظر گرفته شده بود، مسئله دانش‌افزایی درباره مقاله‌نویسی بود. مسئولان مجله رشد آموزش متوسطه به توجه به نیاز معلمان علاقه‌مند به نوشتن مقاله در سراسر کشور، در گام‌های نخست تلاش برای حل مشکلات نوشتاری آنان از افسانه حجتی طباطبایی، سرویراستار

گروه مجلات رشد و ویراستار کتاب‌های درسی دعوت کرده بودند که درباره چگونگی نوشتن مقاله توضیحاتی دهد. او با توجه به اینکه بسیاری از معلمان در سراسر کشور علاقه‌مند به ارسال مطالب و تجربیات خود در قالب مقاله برای مجلات رشد هستند، نکاتی کلی درباره شیوه نگارش این گونه نوشتاری بیان کرد. خلاصه‌ای از آنچه وی درباره نگارش مقاله گفته است، در پی می‌آید.

– گفتن و نوشتن روش‌هایی برای برقراری ارتباط و انتقال پیام هستند و ما از این دو طریق پیام‌های خود را به دیگران منتقل می‌کنیم. – وقتی از نوشتار برای انتقال پیام استفاده می‌کنیم، متن ما باید فصیح و بلیغ و منسجم باشد و بتواند خود را تعریف کند. این در حالی است که هنگام استفاده از زبان گفتار، گوینده حضور دارد و می‌تواند از حرف خود دفاع کند یا توضیحاتی تکمیلی به آن بیفزاید.

– بسیاری از افراد خیلی خوب و فصیح حرف می‌زنند اما توانایی نوشتن ندارند. البته اغلب آن‌ها سواد لازم و موضوعات کافی برای نوشتن دارند ولی به دلیل هراس از نوشتن نمی‌توانند دست به قلم ببرند. – ما دو گونه نگارش داریم: نگارش ارتباطی و نگارش خلاق. گونه ارتباطی که از آن برای نوشتن متون علمی، کتاب‌های درسی و مقاله استفاده می‌کنیم، روشن، شفاف، بدون ابهام و به دور از صنایع ادبی و تخیل است. در حالی که تکیه گونه خلاق بر تخیل، الهام و تصویرپردازی است و این شیوه نگارش را در انواع داستان و نوشته‌های ادبی می‌بینیم.

– پیش از نوشتن باید به سؤالاتی از این دست پاسخ دهیم: چرا می‌نویسیم؟ چه می‌خواهیم بنویسیم؟ به چه روشی می‌خواهیم بنویسیم؟ درباره چه چیزی می‌خواهیم بنویسیم؟ از چه زبانی، برای نوشتن استفاده می‌کنیم؟ مخاطب ما کیست؟

– برای نوشتن مقاله، پس از تصمیم‌گیری درباره چارچوب محتوایی آن، مطالب مورد نظر خود را تهیه و طبقه‌بندی می‌کنیم و در قالب مقاله قرار دهیم.

– قالب مقاله شامل چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، تنه مقاله، ارجاعات، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت و منابع است.

– و ...

بعد از بیست سال معلمی یاد گرفته‌ام که...

سیدحسین رضوی خوسفی
دبیر ناحیه ۲ یزد

- بچه‌ها باید بخواهند تا بتوانند.
- به بچه‌ها باید یادآوری کنیم که در زندگی دو منبع برای آموختن و درس گرفتن دارند؛ آموزگار و روزگار، که اولی به بهای عمرش و دومی به بهای عمرمان به ما درس می‌دهند.
- بچه‌ها باید بدانند که اگر می‌خواهند با عقاب پرواز کنند با مرغ خانگی نشست و برخاست نکنند.
- به بچه‌ها باید بفهمانم که شکست را بپذیرند اما تسلیم شکست نشوند.
- بچه‌ها باید بفهمند که برنامه‌ریزی نکردن یعنی برنامه‌ریزی کردن برای شکست.
- بچه‌ها باید خود اندیشه‌هایشان را شکل ببخشند و آلا دیگران اندیشه‌های آنان را شکل می‌دهند.
- بچه‌ها باید بدانند که همه آدم‌ها سیاه یا سفید نیستند. آدم‌ها می‌توانند خاکستری هم باشند.
- بچه‌ها باید بدانند به ازای هر دشمنی، دوستی هم هست.
- بچه‌ها باید بیاموزند که در کار گروهی یا همه با هم غرق می‌شوند یا همه با هم نجات پیدا می‌کنند.
- بچه‌ها باید بیاموزند که از شکست پند بگیرند و از پیروزی لذت ببرند.
- در کلاس درس باید چون خورشید باشیم تا اگر هم نخواستم بر بچه‌ها بتابم، نتوانم.
- باید بزرگوارتر از آن باشم که از دانش‌آموزانم برنجم و نجیب‌تر از آنکه آن‌ها را برنجانم.
- اگر دیگران را بسازم، در واقع خود را ساخته‌ام.
- باید ذهن بچه‌ها را گرسنه کنم نه سیر.
- به جای آنکه اندیشه‌ها را به آن‌ها بیاموزم، باید اندیشیدن را آموزش دهم.
- باید مثل بچه‌ها خیال و مانند بزرگ سالان عمل کنم.
- باید پرورنده رویاهای دانش‌آموزانم باشم نه نابودکننده آن‌ها.
- به جای بستن سرب به پای تخیل بچه‌ها باید به آن بال پرواز بدهم.
- باید کاری کنم که بچه‌ها پیش از آنکه مرا دوست داشته باشند، خودشان را دوست داشته باشند.

در مدرسه‌ای که در آن مشغول به کارم، همکار عزیزی دارم که در اولین سال‌های معلمی‌ام شاگردم بوده است و اکنون در کسوت معلم همکار شده‌ایم؛ و این البته هم برای من و هم برای این عزیز شوق‌انگیز و افتخارآفرین است. چندی پیش، در صحبتی که از آن سال‌های دور با هم داشتیم، این آشنای قدیمی از من پرسید: «آرامش و طمأنینه این روزهای شما با جنب‌وجوش آن روزهایی که معلممان بودید، به هم نمی‌آید! چطور شد به اینجا رسیده‌اید؟!»

در پاسخش گفتم: «اتفاقاً این هر دو، دو روی یک سکه‌اند. حاصل نشاط، شور و شوق آن روزها، سرزندگی و آرامش خاطری است که این روزها در کلاس درس دارم و تصور نکن که این آرامش و سکون حاصل خستگی و فرسودگی گذر این بیست سال معلمی است. من در طی این مسیر دراز، پیش از آنکه خسته و مانده شده باشم، انرژی و نشاط کسب کرده‌ام و بیش و پیش از آنکه آموخته باشم، خود آموخته‌ام. من معنا و حلاوت زندگی و معلمی کردن را از پس این همه سال کلاس رفتن و آمدن یافته‌ام.»

پس از این بود که بر آن شدم تا قلم به دست گیرم و برای این همکار جوان و شاگرد سال‌های دورم بنویسم که از بیست سال معلمی خود چه آموخته‌هایی دارم...

من یاد گرفته‌ام که...

- برای نوشتن جرعه‌ای نور به دانش‌آموز، خود باید اقیانوسی از روشنایی نوشیده باشم.
- باید به بچه‌ها جرئت دانستن بدهم تا خود یاد بگیرند و یاد بدهند.
- بچه‌ها باید همچون سربازانی باشند که آرزوی ژنرال شدن داشته باشند نه سرباز ماندن را.
- بچه‌ها باید بیاموزند به جای آنکه بارشان را سبک کنند، شانه‌هایشان را قوی کنند.
- بچه‌ها باید بدانند از هیچ نباید بترسند، جز خدا و خود ترس.
- بچه‌ها باید بدانند که موفقیت به معنی خوشبختی نیست. آدمی ممکن است موفق باشد اما خوشبخت نباشد.

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شود.

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کدک	(برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)
رشد خواتموز	(برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)
رشد دانش‌آموز	(برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)
رشد نوجوان	(برای دانش‌آموزان دوره آموزش اول متوسطه)
رشد جوان	(برای دانش‌آموزان دوره آموزش دوم متوسطه)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش متوسطه • رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه)
- رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار و دانش • رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

● باید آنچه را که برای بچه‌ها بهتر است انجام دهم، نه آنچه برای خودم مفید است.

● از دانش‌آموزانم در جمع تعریف کنم و انتقاد را دور از چشم دیگران انجام دهم.

● در کلاس درس به بچه‌ها نخدم بلکه با آن‌ها بخندم.

● باید کلاسی ایجاد کنم که همه در آن پرند باشند، نه اینکه جمعی پرند باشند و جمعی زمین گیر.

● باید برای انجام هر کاری در کلاس دلیل داشته باشم نه بهانه.

● در کلاس درس، هشدار منصفانه را جایگزین تهدید بی‌فایده کنم.

● بچه‌ها را به‌خاطر بچگی کردن تأدیب و مجازات نکنم.

● در حرفه معلمی، جهانی فکر کنم و بومی عمل کنم.

● هر روز چیز جدیدی بیاموزم. زیرا می‌دانم معلم خوب در مرحله اول باید متعلم خوبی باشد.

● سکوت را از پرگوین، مهربانی را از نامهربانان، بردباری را از ناپردباران، ادب را از بی‌ادبان و سپاس را از ناسپاسان بیاموزم؛ عبادت را در تفکر، دانایی را در توانایی، انسانیت را در خدمت خلق، پیروزی را در شکست و بزرگی را در بزرگان‌دیشی تجربه کنم.

● کلاس خوب کلاسی است که بچه‌ها باانبوهی سؤال از آن خارج شوند نه با مشت‌ی جواب.

● معلم خوب کسی نیست که همه چیز را بداند، بلکه معلمی است که نشانی‌های مناسب داشته باشد.

● من نمی‌توانم آینده را برای بچه‌ها بسازم، اما می‌توانم آن‌ها را برای آینده بسازم.

● تربیت گوهری است که در آینده خواهد درخشید.

● بچه‌ها در زمان ما هستند اما برای زمان ما نیستند.

● بچه‌ها پیش از آنکه به نصیحت‌هایم نگاه کنند عملکردم را می‌بینند.

● از گذشته به‌عنوان راهنما استفاده کنم نه تکیه‌گاه.

● برای تدریس کردن باید تدریس‌پذیر باقی بمانم.

● احاطه کامل بر درس مهم است، اما مهم‌تر آن است که بر خودم و دانش‌آموزانم مسلط باشم.

● باید یادم باشد اگر تدریس کردن را شغل بدانم، دیگر یک اپراتور (تکنسین) هستم نه یک معلم.

● معلم باسواد کسی است که یاد می‌گیرد، فراموش می‌کند و دوباره یاد می‌گیرد.

● همیشه در برخورد با دانش‌آموزانم سه ص را در نظر داشته باشم: صداقت، صراحت و صمیمیت.

● از سریع‌ترین دانش‌آموزانم جلوتر، اما در کنار کندترین آن‌ها باشم.

● امتحان بگیرم اما انتقام نگیرم.

● درس بدهم اما زجر ندهم.

● تحسین بکنم اما تملق نگویم.



حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی برگ اشتراک مجله های رشد

نحوه اشتراک:

شما می توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

نام مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:
تاریخ تولد:
تلفن:
نشانی کامل پستی:
استان: شهرستان: خیابان:
شماره فیش بانکی: مبلغ پرداختی:
پلاک: شماره پستی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- ♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- ♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- ♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

- بله بگویم اما فراموش نکنم.
 - نه بگویم اما هرگز نگویم.
 - قاطع باشم اما لجوج نباشم.
 - صریح باشم اما گستاخ نباشم.
 - به بچه ها بیاموزم که به دنیا آمده ایم تا قیمتی شویم، نه اینکه با هر قیمتی زندگی کنیم.
 - به بچه ها بیاموزم که با بخشش زندگی کنند تا سخاوتمند شوند.
 - به بچه ها یاد بدهم که علم بی عمل و ثروت بدون زحمت هیچ ارزشی ندارد.
 - بچه ها باید بدانند که اگر می خواهند بشریت را عوض کنند باید از خود شروع کنند.
 - باید به بچه ها بیاموزم که راه های طولانی را می توانند پیمایند اما قدم به قدم.
 - بچه ها باید بدانند که زندگی شان را با تغییر فکرشان تغییر دهند.
 - به بچه ها یادآوری کنم که وقتی خدا هست هیچ دلیلی برای ناامیدی نیست.
 - به بچه ها یادآوری کنم که اگر بعد از هر پیروزی استقلال خود را حفظ کنند پیروزند.
 - به بچه ها یادآوری کنم که به جای لعنت فرستادن به تاریکی لاقط یک شمع روشن کنند.
 - به بچه ها بیاموزم که اگر می خواهند برنده باشند، «نمی توانم» را به «نه» می توانم تغییر دهند.
 - به بچه ها یادآوری کنم که «دیدن» هدیه ای الهی است و «چگونه دیدن» هنری انسانی.
 - به بچه ها بیاموزم که در زندگی به بزرگی چیزهایی که دارند راضی باشند تا کوچکی چیزهایی که ندارند آرامشان را به هم نریزد.
 - به بچه ها بیاموزم که برای شادمانه زیستن نعمت هایشان را بشمارند نه محرومیت هایشان را.
 - در راه معلمی چراغ باشم و در مرامم خاموشی نباشد.
 - برای دیگران آیینم باشم و خود را دیدن در آیینم نباشد.
 - به بچه ها بگویم که دوری از خدا حاصل دانش اندک و نزدیکی به خدا حاصل فزونی دانش است.
 - به بچه ها بیاموزم که در بازی زندگی، به جای آنکه جای «دیگری» را بگیرند، جای «خود» را پیدا کنند.
 - آینده بچه ها را از روی الگوی آینده خلق کنم نه از الگوی گذشته.
 - به بچه ها بیاموزم تفاوت «زنده بودن» را با «زندگی کردن».
- و در آخر اینکه به قول حضرت مولانا:
- اندرین ره می تراش و می خراش تا دم آخر دمی فارغ مباش